

ون

روزنامه



شنبه ۱۵ حمل ۱۳۶۰
۴ اپریل ۱۹۸۱
شماره دوم
سال سی و سوم



15521/0271/00



Ketabton.com



ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و صدر اعظم ج. د. ا. هنگامی که نمایندگان اقوام احمدزی، وزیر و موسی نیکه وزیر ستان رادر قصر گلخانه مقر شورای انقلابی به حضور پذیرفته و با ایشان صحبت می کند.

د افغانستان د خلك ديموكراتيك گوند دمركزي كميتې دعمومي منشي دافغانستان دديموكراتيك جمهوريت د انقلابي شورا رئيس او صدر اعظم ببرك كارمل لخوا د ايران د اسلامي جمهوريت د جوړيدو د كاليزي له امله دهغه هيواد د جمهور رئيس جلالتماب ابوالحسن بني صدر په نامه تهران ته دمباركې ټيلگرام مخابره شويدي .

افغانستان ظهر ۱۱ حمل هيات عالمترتبه اتحاد شوروي برياست سيمون اندر يو پچ سكاچكوف عضو كميته مركزي حزب كمونست اتحاد شوروي ورئيس كميته دولتي اتحاد جماهير شوروي سو سياليستي برای همكاري اقتصادي با کشور های خارجي را در مقر شورای انقلابی پذیرفته با آنها در فضای نهایت دوستانه و صمیمانه صحبت کردند.

قبعه عضو بيروي سياسي كميته مركزي ومسوول شعبه روابط بين المللي كميته مركزي جبهه خلق برای آزادي فلسطين ملاقات نموده و در فضای دوستانه و صمیمانه با آن صحبت کردند .

ببرك كارمل منشي عمومي كميته مركزي حزب دموكراتيك خلق افغانستان رئيس شورای انقلابی و صدر اعظم جمهوري دموكراتيك

اختصار وقایع مهم

ببرك كارمل منشي عمومي كميته مركزي حزب دموكراتيك خلق افغانستان ، رئيس شورای انقلابی و صدر اعظم جمهوري دموكراتيك افغانستان ساعت چار بعد از ظهر روز پنجشنبه ۶ حمل بزرگان ، موسيقيدان و نمايندگان قوم احمدزی وزير ، موسی نیکه وزیر ستان را برای ملاقات در قصر گلخانه مقر شورای انقلابی پذیرفته و در فضای نهایت دوستانه و صمیمیت با ایشان صحبت کردند .

دافغانستان د خلك ديموكراتيك گوند دمركزي كميتې دعمومي منشي دافغانستان دديموكراتيك جمهوريت د انقلابي شورا د رئيس او صدر اعظم ببرك كارمل له خوا د جنوبی افریقا د كمونست گوند دمركزي كميتې دعمومي منشي په توگه دماب هيداد ټوكنوله امله دده په نامه دمباركې پيغام ليږل شويدي .

ببرك كارمل منشي عمومي كميته مركزي حزب دموكراتيك خلق افغانستان ، رئيس شورای انقلابی و صدر اعظم جمهوري دموكراتيك افغانستان ۸ حمل در مقر شورای انقلابی با هیات جبهه خلق برای آزادی فلسطين برياست تی سير -



مدال طلايي جبهه خلق برای آزادی فلسطين موقعیكه تـ و سـ طـ تـی سـیر قـبعه به پاس موفـقـگـیـری فعال و انقلابی ببرك كارمل در قبال مسأله فلسطين با ایشان اهداء میگردد.



دستگیر پنجمین دولايتي گوندي کمیټو، د کابل ښار د گوندي ناحیو، د ټولنیزو سازمانونو، دوسله وال پوځ، څارندوی او د دولتي اطلاعاتو د خدماتو د تشکيلاتو د مسوولينو په دوهم سیمینار کې ویناکوي .

غړي د انقلابي شوراهې، د افغانستان د ښځو د دیمو کراتیک سازمان رئیسې او د افغانستان د دیمو کراتیک جمهوریت د سولې، دوستۍ او پيوستون د ټولنې

رئیسې ډاکټره انا هیتا راتیزاد چې په عدن کې د آسیا او افریقا د پيوستون د سازمان په دیار لسو غونډو کې د افغانستان د دیمو کراتیک جمهوریت

د هیات په مشرۍ دیمو کراتیک جمهوریت ته تللی وه د حمل ۱۲ هیواد ته راغله .

غړي او د گوندی څارنې او کنټرول د کمیسیون درئیسې دستگیر پنجمین په وینا سره پیل شوه .

پرو توکول همکارۍ اقتصادي و تخنیکي بین جمهوري دمو کراتیک افغانستان و اتحاد شوروي بتاريخ ۱۱ حمل در عمارت کمیټه دو لتي پلان گذاري عقد گرديد .

د افغانستان د خلک دیمو کراتیک د گوند دمر کزي کمیټې د سیاسي بیرو

سازمانونو دوسله وال پوځ، څارندوی او د دولتي اطلاعاتو د خدماتو د تشکيلاتو د مسوولينو دویم سیمینار د حمل ۱۳ له غرمې مخکې د افغانستان د خلک دیمو کراتیک گوند دمر کزي کمیټې په مقر کې خپل کار ته دوام ورکړ .

غونډه په داسې حال کې چې د افغانستان د خلک دیمو کراتیک گوند دمر کزي کمیټې د سیاسي بیرو غړي او د گوند دمر کزي کمیټې منشي نور -

احمد نور حاضر و د سیاسي بیرو د

د افغانستان د خلک دمو کراتیک گوند دمر کزي کمیټې د سیاسي بیرو غړي د انقلابي شورو را مرستیال اود صدر اعظم مرستیال سلطان نعلی کښمند دیو گوندي هیات په مشرۍ د چکوسلوا کیداد کمونسټ گوند په شپاړسم کانګرس کې د گډون له پاره د حمل ۱۳ نیټه پراگ ته لاړ .

دولایتي گوندي کمیټو، د کابل ښار د گوندي ناحیو، د ټولنیزو



سلطان نعلی کښمند و سیمون اندروپو یچ سکاچکوف چېن امضای پروتوکول همکارۍ اقتصادي بین ج.د. افغانستان و اتحاد شوروي .

در این شماره



بیگانه‌ها

ما اکنون وظایف عمده، مبرم و جدی را در امر ساختمان جامعه شگوفان مرفه و خوشبخت
بیشتر داریم. وظیفه همه افراد و طبقات و خاصاً متوسلین قوای مسلح قهرمان ما
اینست تا هر چه زودتر تمام نیروهای ضد انقلاب در وجود اشراک صادر شده از خارج را سرکوب
سازیم.

بیرک کزامل

شنبه ۱۵ حمل ۱۳۶۰ - ۴ - اپریل ۱۹۸۱

قانون جدید مکلفیت عسکری به نفع زحمته‌کشان ما است

پیروزی انقلاب شکوهمند نور که نقطه عطف عظیمی است در تاریخ مبارزات آزادخواهی مردم دلیور و قهرمان ما، برای نخستین بار به فرمانروایی از باب قدرت و ستم پایان داده و حاکمیت سیاسی را از طبقه ستمگرو دال به طبقه مردم زحمتکش و ستمدیده کشور ما انتقال داد و همه ضابطه ها و مناسبات فرتوت و پوسیده دوران فیودالی را دگرگون ساخته و مناسبات جدیدی را در عرصه های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به نفع توده های وسیع مردم زحمتکش و عذاب دیده ما بنیاد نهاد که همه و همه حافظ منافع خلقهای ملیونی و متضمن رفاه و سعادت مردم ما می باشد.

در زمره اقدامات نیک و کارهای سودمند و انقلابی که حزب و دولت مرقی مادرجهت بهبود وضع زندگی مردم و تنظیم امور حیاتی زحمتکشان جا معه ما در بخش های گوناگون حیات اجتماعی آنها انجام داده است یکی هم انفاذ قوانین و مقرره های دموکراتیک است البته مهمترین و مهمترین اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان است که از جمله دست آورد های انقلاب ثور بخصوص مرحله نوین و تکاملی آن محسوب گردیده و بحیث قانون اساسی موقت کشور بشمار می آید درین قانون همه وجایب حقوق و مکلفیت های اتباع کشور آشکارا بیسان گردیده و تکلیف و مسؤولیت همه

افراد کشور در آن روشن گردیده است.

قانون جدید مکلفیت عمو می عسکری که اخیراً به منظور فراهم آمدن تسهیلات بیشتر در زمینه جلب و جذب اتباع کشور به صفوف قوای مسلح و تنظیم بهتر امور دفاعی کشور بخاطر دفاع از دست آورد های انقلاب ثور، استقلال ملی و تمامیت ارضی میهن عزیزمان تدوین گردید یگانه قانونی است که نسبت به قوانین مکلفیت عسکری گذشته مزایای برتری هایی داشته و انفاذ آن به نفع اکثریت زحمتکشان ما می باشد.

طوری که درین قانون تصریح گردیده است دیگر آن مشکلات اداری و بوروکراتیک که هنگام جلب و احضار بخدمت عسکری در سابق وجود داشت حل گردیده و تسهیلات زیادی در مورد مجلو بین عسکری فراهم آمده است. همچنان درین قانون دوره مکلفیت بخدمت عسکری تا سن چهل تعیین گردیده که شش سال کمتر از دوره مکلفیت در گذشته است از مزایای دیگر قانون مکلفیت عسکری اینست که برای آن عده سربازان که بیش از میعاد معینه بخدمت عسکری دوام میدهند معاش کافی پرداخته می شود به این معنی که در سه ماه اول دوره اضافی خدمت دو هزار و بعد از آن ماهانه سه هزار افغانی معاش در یافت می دارند که این خود یک عمل انقلابی دولت مردمی ما را نشان میدهد که همواره مشکلات و نیاز

مندی های مردم زحمتکش ما را در نظر داشته و ازین طریق کمک بزرگی به فامیل سربازان دلیر و شهادت ما مینماید.

خلاصه اینکه قانون مکلفیت جدید عسکری یک قانون دموکراتیک و عادلانه و به نفع زحمتکشان ما بوده و مطابق احکام آن رسالت و مسؤولیت هموطنان ما بخصوص سربازان و مسؤولین امور دفاعی کشور ما را بیشتر از هر وقت دیگر سنگین تر و با اهمیت تر ساخته است زیرا درین مرحله حساس تاریخی و درین شرایطی که دشمنان و طین و انقلاب ما به فعالیت های ضد انسانی و جنایات شان می افزایند و می خواهند با تخریب، تحریک دهشت افکنی، ترور و اختناق سد راه پیشرفت و ترقی مردم و کشور ما گردند وظیفه و رسالت و طنیرستان صدیق و هم میهنان شریف و آگاه ما اینست که با استفاده ازین قانون جدید مکلفیت عسکری به صفوف قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان، این مدافع مطمئن انقلاب، نوامیس ملی، آزادی تمامیت ارضی و استقلال کشور بیوندند و مانند نیاکان خود با غرور و افتخار علیه تجاوزگران مزدوران اجیر و باند های ارسال شده از خارج و همه دشمنان رنگا رنگ وطن و مردم، از انقلاب و وطن خود آگاهانه، قاطعانه و قهرمانانه دفاع نمایند.

عاید ملی در سال ۱۳۵۹ به پیمانه ۱۱۶۹۹ میلیارد ارتقاء کرده است.

وقایع مهم جهان در سال ۱۳۵۹

نوشخند ها و نیش خند هایی با هنر مندان

مولانا جلال الدین بلخی زاده توفان و شوریده عشق.

در سال ۱۳۶۰ به تعداد ۵۵ باب مکتب دیگر در مرکز و ولایات کشور تاسیس میگردد.

پسر لی او دهغه ذکر به پشتو شعر او شاعری کی.

زنان کشور با سلاح علم و دانش مجهز می گردند.

بررسی مختصر از وضع زنان در کشور.

مرگ نا به هنگام صدیق زرگر.

دبانو گ افکار و زمو نر د دوران واقعیت.

شرح روی جلد و پشتی چهارم.

هنر مندان اتحاد شوروی - (به صفحه ۲۹ مراجعه شود)

تصحیح ضروری :

در شماره اول، صفحه (۱)، ستون (۴)، سطر (۲۶) ۱۳۹۵ به ۱۳۵۹ - تصحیح گردد.

تجارب

حزب و دولت در خدمت مردم

در جریان تقریباً سه ساله که از پیروزی انقلاب شکوهمند شور می گذرد و بخصوص پس از پیروزی مرحله نوین و تکاملی انقلاب شور روند تکامل جامعه ما بوضوح نمایانگر این حقیقت است که وحدت ارگانیک و همه جانبه حزب، دولت و مردم می تواند به اسرع وقت کشور ما را از حالت عقب ماندگی قرون وسطایی بیرون آورد و مردمان بلاکشیده را به روز و خوشبخت سازد، مظهر بزرگ این ادعا را می توان از نتایج ثمر بخش این وحدت ضروری که بخصوص پس از پیروزی مرحله نوین و تکاملی انقلاب شور عملاً بوجود آمده مشاهده کرد.

برای مردم افغانستان سالها پس از انقلاب و بخصوص پانزده ماه پس از پیروزی مرحله نوین انقلاب شور سالهای آسان و بی درد سر نبود چه در حالیکه مردم شرافتمند ما بادل و جان و با تمام نیرو مصروف ساختن جامعه نوین بودند و هستند، در پهلوی سایر مشکلات، دوام جنگ اعلان نشده ارتجاع و امپریالیسم جهانی علیه افغانستان انقلابی مواضعی را در راه رسیدن به بهروزی و نهضت سیتی در مقابل مردم ما ایجاد کرده است و از همین سبب در ساحت تولید و انگشتر در کشور ما سنگینی های رخ داده است و با وجود این همه تلاشهای غیر انسانی ارتجاع و امپریالیسم توانسته ایم گام هایی در راه انگشتر اقتصادی و اجتماعی برداریم. چنانچه یک تعداد پروژه های دولتی و مختلط توانسته است حجم تولیدات خود را در سال ۱۳۵۹ با مقایسه سال ۱۳۵۸ ازدیاد ببخشد، به این معنی که پلان های طرح شده این موسسات نه تنها صد درصد تطبیق

گردید بلکه نظر به پیش بینی پلان کار زیاد تر هم صورت گرفت. همچنان در ساحت زراعت سال ۱۳۵۹ نظر به سال ۱۳۵۸ پررورق تر بود. در مورد اخلاص گری های باند های خرابکار که به دستکاری امپریالیسم و ارتجاع جهانی مانع رشد سریع اقتصادی و اجتماعی کشور و مردم ما می شود، ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان طی گزارشی مفصل و همه جانبه شان که به تاریخ ۲۸ خوت ۱۳۵۹ به جلسه چارم شوروی انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان ارائه کردند، چنین فرمودند:

((اگر نیروهای سیاه ارتجاع و امپریالیسم فعالیت تجاوزکارانه و مداخله آشکار خود را در امور داخلی کشور ما قطع می کردند، دست آورد های مادر رشد اقتصادی و ارتقای سطح رفاه مردم باز هم بیشتر می بود.

... امپریالیسم و جیره خواران آن باید بدانند که روند انقلاب افغانستان برگشت ناپذیر است. انقلاب مائوئست ها و تجا و زات امپریالیسم همو نیزم، ارتجاع و تمام ضد انقلابیون کثیف را از سر راه خود برمی دارد...))

زحمتکشان میهن ما عملاً شاهد اند که با وجود توطئه های عناصر فروخته شده به ارتجاع و امپریالیسم حزب و دولت انقلابی شان با تمام نیرو تلاش می ورزد تا آرامی و خوشبختی همه جانبه برای شان ایجاد نماید و درین راه به شکل پیگیر و صادقانه پویا است. عکذا با اتکاء به نیروی بر توان خلق، حزب و دولت ملی و مترقی ما مشت های یولا دین و کوبنده ای را به دهان

دشمنان آرامش و پیشرفت میهن و مردم ماحواله کرده می کنند. با تطبیق پلانهای مردمی و مترقی ای که روید است می توان تویید یک حیات مرغه باسعادت و خوش بخت رابه مردم داد.

در پهلوی سایر اقدامات، دولت مترقی و مردمی ما طی سال گذشته مؤده از دیاد معاش کارگران و اجیران و مستخدمین دولت برای سال ۱۳۶۰ را تا پنجاه درصد و هکذا از دیاد ماکولات مامورین کارگران، اجیران و غیره کارمندان دولت را پنجاه درصد افزود ساخت که این اقدامات را می توان بحق ناشی از خصلت و ماهیت مردمی و مترقی دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان دانست:

با بسیج نیروها و عناصر ایجاد گر و مولد میهن و با استفاده درست و معقول و علمی از منابع سرشار طبیعی و با استفاده از کمک های برادرانه کشورهای مترقی و انقلابی در راس کشور کبیر اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی این همسایه نیک و شریف، ما توانسته ایم و می توانیم مکلفیت های سترگ تاریخی خویش را انجام دهیم.

هدف های عمده ای حزب، انقلاب و دولت انقلابی ما بهتر شدن حیات توده ها، ختم مناسبات پوسیده فئودالی، رفع پس ماندگی فرهنگی و اقتصادی رها بی مردم از چنگال فقر، مرض، بی سوادی، می باشد که این روند انسانی با پیروزی مرحله نوین و تکاملی انقلاب شکوهمند شور به ابعاد گسترده تر و سریع تر جریان دارد. بانگای مختصر به این دوران کوتاه گفته می توانیم که خلق آزاده و قهرمان افغانستان در طریق انقلاب بسوی حیات بر نور فردا باطمینان و قاطعیت رهسپار اند. طی همین مدت

قصیر وحدت حزب و دولت استحکام بیشتر یافته و نقش سیاسی رهبری کننده طبقه کارگر و سایر زحمت کشان میهن تقویه گردیده است. همچنان برای تنظیم بهتر حیات مادی و معنوی مردم بادر نظر داشت و رعایت بهترین سنن و عنعنات ملی، فرهنگی و مذهبی مردم ما قوانین و مقررات مختلف در تمام ساحت وضع گردیده است. به پیروی از اراده مردم حماسه آفرین افغانستان قانون جدید مکلفیت عسکری طرح و تدوین و نافذ گردید که درین قانون بر عکس دوران های گذشته هر فرد افغان نستان بدو ن استثنای (مگر نظر به حکم قانون) مکلف است تا دوره مکلفیت عسکری راسپری نماید و نمی تواند شخص دیگری را به عوض خود به این وظیفه بگمارد همچنان دوره و سن احتیاط الی چهل سالگی تعیین شده است که نسبت به قانون سابق شش سال کمتر میباشد.

قانون نشان ها و مدال ها، قانون درباره حفظ آثار تاریخی و فرهنگی و غیره همه و همه شاهد ادعای بالای ما است و نمایانگر توجه دولت مردمی ما برای تنظیم بهتر حیات مردم و خدمت گسترده تر به آنهاست و جز اینکه طی پانزده ماهی که از پیروزی مرحله نوین و تکاملی انقلاب سپری گردیده است حزب و دولت گام های فراخی در راه بهروزی مردم، تامین وحدت حزب و مردم، بهبودی بخشیدن و ارتقای سطح حیات مردم و دفاع از میهن انقلابی و مبارزه بی امان علیه باند های صادر شده از خارج برداشته است.

زنده باد مردم افغانستان این صاحبان اصلی جامعه ما، زنده باد جمهوری دموکراتیک افغانستان این دولت همه مردم افغانستان.



سلطانعلی کشتمند معاون شورای انقلابی و معاون صدراعظم هنگا میکه به سوالات خبرنگار ژوندون پاسخ میدهد .
قسمت دوم

عاید ملی در سال ۱۳۵۹ به پیمانۀ ۹، ۱۱۶ میلیاردار تقاء کرده است

جمهوری دموکراتیک آلمان جبران همه کمک هایی را به عهده گرفت که آلمان فدرال با آنکه قرار داد هایی هم در زمینه داشت بعد از پیروزی انقلاب کریدت های آنرا معطل قرار داده بود.

جمهوری سوسیالیستی چکوسلواکیا بیش از هفت میلیون دالر کریدت های پروژه وادی هلمند را به عوض ایالات متحده امریکا پرداخت میکند.

• عاید سرانه ملی تولیدی طی چند سال اخیر عملاً ثابت بوده در حالیکه عاید ملی سرانه مصرف شده به میزان قابل ملاحظه ای بلند رفته است .

...

شما در شماره پیش خواندید که چگونه بابه پیروزی رسیدن انقلاب شکوهمند ثور در ابعاد کیفی پلان گذاری کشور دگرگو نیهای عمیق به وجود آمد و با الخصوص بعد از مرحله تکاملی انقلاب چگونگی و به چه دلایلی وزارت پلان به کمیته پلان گذاری دولتی بدل شد ، وهم چنین چه عواملی موجب گردید که برای نخستین بار بی آنکه صدمه ای به سکتور خصوصي وارد آید حجم تولید در سکتور دولتی و سکتور مختلط از سکتور خصوصي پیش

افتاد و اینک پرسش های دیگر و پاسخ های ارائه شده به آن از نظر تان میگردد .
• باتوجه به اینکه با پیروزی انقلاب شکوهمند ثور کشور های امپریالیستی کمک های اقتصادی خود را به کشور ما قطع نموده و در کار بعضی از پروژه های صنعتی کشور سکتگی رونما گردیده است اکنون آیا مقادیر کمی که کشور های متریقی جهان به افغانستان انقلابی میکنند ، برای تکمیل کار پروژه های نا تکمیل و پروژهای

شما در شماره پیش خواندید که چگونه بابه پیروزی رسیدن انقلاب شکوهمند ثور در ابعاد کیفی پلان گذاری کشور دگرگو نیهای عمیق به وجود آمد و با الخصوص بعد از مرحله تکاملی انقلاب چگونگی و به چه دلایلی وزارت پلان به کمیته پلان گذاری دولتی بدل شد ، وهم چنین چه عواملی موجب گردید که برای نخستین بار بی آنکه صدمه ای به سکتور خصوصي وارد آید حجم تولید در سکتور دولتی و سکتور مختلط از سکتور خصوصي پیش

و به خصوص هر حله نوین تکاملی آن قطع نمود ، ولی در عوض جمهوری دموکراتیک آلمان این همکاری ها را به عهده گرفت .

جمهوری سوسیالیستی چکوسلواکیا به عوض ایالات متحده امریکا ماشین آلات وسایر وسایط تخنیکي مورد نیاز پروژهای وادی هلمند را که بالغ به هفت میلیون دالر میگردد به افغانستان تحویل خواهد داد .

سه ماه پیش میان جمهوری دموکراتیک افغانستان و اتحاد شوروی موافقتنامه جدیدی پیرامون همکاری های اقتصادی و تخنیکي به امضاء رسید .

به اساس این موافقتنامه اتحاد شوروی در ساحات زراعت ، آب رسانی ، انرژی برق ، صنایع خفیف و ارتزاقی و دیگر ساحه های مهم اقتصادی همکاری و مساعدت خواهد نمود

ما ایمان کامل داریم که افغانستان انقلابی با پشتیبانی دوستان واقعی خویش بر این مشکلات مو قتی فایق خواهد آمد و پیروزی های بزرگی را در راه رشد اقتصادی واجتماعی خویش بدست خواهد آورد .

• میتوانید به صورت مستند توضیح دهید که عاید سرانه سالانه کشور در پیش از انقلاب به چه اندازه بوده و اکنون به چه پیمانۀ است و در پنج سال آینده شما آنرا چگونه پیشبینی میکنید ؟ در صورتیکه این عاید افزودی فیصدی قابل ملاحظه ای داشته باشد ، لطفاً دلایل عمده اقتصادی آنرا به گونه مختصر توضیح فرمایید ؟

• عاید سرانه ملی یکی از مهم ترین شاخص هایست که مبین سطح رشد اقتصادی يك کشور می باشد .

در سال ۱۳۵۶ عاید سرانه ۶۱۸۵- افغانی بود که افغانستان در شمار فقیر ترین کشور های جهان به حساب می آمد ، عواید اکثریت مردم نمیتوانست احتیاجات آنان را از نظر مواد غذایی مورد نیاز شان تامین نماید و پابین بودن سطح دانش مردم که ناشی از تسلط

مستعبدات کهنه فیودالی بود نیز به عقب مانگی کشور میافزود .

طوری که ارقام نشان میدهد عاید سرانه ملی تولیدی طی چند سال

جدید اقتصادی کافی می باشد ؟ در صورتی که چنین نباشد شما خلای اقتصادی موجود را چگونه حل میکنید ؟

• بلی ، برخی از کشور ها به شمول ایالات متحده امریکا ، آلمان فدرال ، چین و بعضی کشور های دیگر امپریالیستی که انقلاب افغانستان به ذوق شان برابر نیست علی الرغم موافقتنامه ها کمک های خود را به کشور ما متوقف ساختند ، در سال ۱۳۵۹ مجموع کمک های خارجی به استثنای کشور های شوروی تعاون متقابل اقتصادی و ملل متحد که در پروژه های انکشافی به مصرف رسیده است صرف ۳۶ میلیون دالر را تشکیل میدهد .

اما اگر چنین تلفی گردد که ازین طریق میتوانند افغانستان را از راه اصلی منحرف سازند اشتباه محض خواهد بود .

افغانستان دوستان با اعتماد دارد که از کمک و پشتیبانی آنها برخوردار است .

آلمان فدرال همکاری های خویش را در بخش مخابرات و انرژی برق پس از پیروزی انقلاب شور

کشور دوست ، شوروی در سال ۱۳۶۰ - ۱۱۸۵۰ میلیون دالر
گرفت پولی رادر پلان انکشافی ما میپردازد که این مبلغ به مقایسه
گرفت این کشور در سال ۱۳۵۴ - ۴۴۰ مرتبه بیشتر است.

* در سال ۱۳۶۷ نو د فیصد مجموعی قوای بشری کشور در
رشته های مختلف اقتصاد ملی مصروف کار خواهد شد که این
بالاترین شاخص در سراسر جهان است.

اخیر عمل ثابت بوده در حالیکه عاید
سرايه ملی مصرف شده به میزان
قابل ملاحظه ای بالا رفته است .
اما باید در نظر گرفت که نه تنها
خود تولید عاید ملی بلکه توزیع
آن میان طبقات ، اقشار و گروه
های مختلف مردم دارای اهمیت
فراوان است .

در نتیجه تحولات اجتماعی که
پس از پیروزی انقلاب شکوهمند
ثور صورت گرفت ، حزب دمو -
کراتیک خلق افغانستان و حکومت
جمهوری دموکراتیک افغانستان
توانست با وجود امکانات محدود
مادی و مالی و با نظر داشت توزیع
عادلانه عاید ملی یک سلسله تدابیر
مهم را به خاطر ارتقای سطح زندگی
زحمتکشان افغانستان عملی سازد .
طی سال ۱۳۵۹ قیمت خرید
پخته خام و لبلبو افزایش یافت
و قیمت فروش کود کیمیا و وسایط
آلات زراعتی پایین آمد که این امر
به رشد عواید دهقانان از درك
فروش محصولات زراعتی آنان به
دولت از یکطرف و به تقلیل مصارف
خریداری وسایل تولید آنان از طرف
دیگر مساعدت نمود .

بر اساس فیصله های حزب
دموکراتیک خلق افغانستان و
حکومت جمهوری دموکراتیک
افغانستان از اول حمل سال
۱۳۶۰ در معاش کارگران و اجیران
به طور اوسط ۲۶٫۶ فیصد و در
معاش کارگران و اجیران کم مزد
چهل تا پنجاه فیصد افزایش به عمل
آمده است که به طور عموم معاشات
یکصد و هفتاد و هفت هزار نفر
افزایش می یابد همچنان در
ماکولات ماموران ، کارگران و
اجیران پنجاه فیصد افزایش به عمل
آمده است .

* با افزایشی که در عاید بیش
از یکصد و هفتاد و هفت هزار نفر
به عمل آمده است و بادر نظر داشت
این نکته که قدرت خرید نیز افزایش
می یابد ، و این امکان نیز وجود دارد
که تثبیت قیمت در حد کنونی عملی

شده نتواند و این موجب گردد که نه
تنها از تقای سطح زندگی کارگران
واجیران آنکو نه که پیش بینی
گردیده عملی شده نتواند بلکه
فشار های تازه ای نیز به توازن
دخل و خرج آنانیکه عاید ثابت
دارند مانند ماموران دولت وارد
آید ، آیا این مسأله از نظر
شما نگرانی آور نیست ؟

** خیر به هیچ صورت ، چه
تمام تدابیر لازم به خاطر ارتقای
سطح زندگی کارگران و دهقانان
در شرایطی صورت میگیرد که
دولت اقدامات همه جانبه را برای
تثبیت قیمت مواد استهلاکی ، نفتی ،
شکر ، آرد گندم نیز از طریق
سبسیادی های خود عملی نموده
است و به همین دلیل ثبات قیمت
در کنترل خواهد بود و هر
گونه نگرانی بر این اساس
بی موجب مینماید .

* در كمك های کشور دوست
ما اتحاد شوروی در بخش اقتصاد
بعد از پیروزی انقلاب ثور به مقایسه
پیش از انقلاب ، آیا افزایش به
عمل آمده است یا خیر ؟

** دوستی افغان و شوروی
سابقه طولانی و تاریخ پر افتخار
دارد ، چندی قبل ما شصتمین
سالگرد اولین قرار داد دوستی
افغانستان و اتحاد شوروی را تجلیل
نمودیم ، بعد از انقلاب ثور و به
خصوص بعد از مرحله نوین
تکاملی آن ، مناسبات عنعنوی
دوستانه افغان و شوروی از لحاظ
کیفیت ارتقاء یافته ، به مناسبات
برادرانه ، همبستگی انقلابی و
همکاری های همه جانبه مبدل
گردیده است .

سفر هیئات حزبی و دولتی
جمهوری دموکراتیک افغانستان
تحت رهبری بزرگ کارمل
منشی عمومی کمیته مرکزی حزب
دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس
شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری
دموکراتیک افغانستان به مسکو در
ماه میزان سال گذشته و مذاکرات

با لیونید ایلیچ بر ژنل منشی
عمومی کمیته مرکزی حزب کمونیست
اتحاد شوروی و صدر هیئت رئیسه
شورای عالی اتحاد شوروی در
انکشاف بعدی و تحکیم دوستی
و همکاری همه جانبه بین خلق
های مامران نوین تاریخی را
گشود .

در جریان این مذاکرات که در
فضای صمیمانه ، حسن تفاهت
کامل و صداقت و صراحت رفیقانه
انجام یافت ، یک بار دیگر پشتیبانی
همه جانبه و كمك های بی غرضانه
اتحاد شوروی در تمام مسائل
اقتصاد ملی در مبارزه علیه
مداخلات مسلحانه ضد انقلابی و
مداخله امپریالیزم در امور داخلی
افغانستان به خاطر تطبیق و عملی
ساختن وظایف انقلاب ثور ، تأیید
گردید ، برای روشنی موضوع فقط
به چند مورد از كمك های اقتصادی
اتحاد جماهیر شوروی سو سیاه
لستی نگاهی میاندازیم :

طی سال ۱۳۵۶ برای پروژه های
انکشافی از ۲۷۲۲ میلیون دالر -
گرفت اتحاد شوروی استفاده
گردید ، ولی طبق پلان انکشاف
اقتصادی و اجتماعی سال ۱۳۶۰
جمهوری دموکراتیک افغانستان
در نظر است که مبلغ ۱۱۸۵۰

میلیون دالر در بودجه انکشافی
کشور از گزینش اتحاد شوروی
استفاده به عمل آید که این مبلغ به
مقایسه سال ۱۳۵۶ به اندازه -
۴۴۰ مرتبه بیشتر می باشد .

علاوه از گرفت عمده یاد شده
ما كمك های قابل ملاحظه و بلا
عوض به صورت اموال استهلاکی
نیز دریافت نموده و مینماییم
چنانچه در سال گذشته اتحاد
شوروی مبلغ یکصد میلیون روبل
از طریق تحویل دهی اموال مختلف
استهلاکی به گونه بلا عوض به ما
كمك نمود که بر اساس فیصله
جمهوری دموکراتیک افغانستان
به اشخاص نیازمند مستحق طور
رایگان توزیع گردید ، همچنان
مقدار زیاد گندم ، شکر و غیره مواد
از کشور دوست اتحاد شوروی به
افغانستان تحویل داده شد .

از این گذشته حجم كمك های
بلاعوض از طریق تحویل دهی
اموال استهلاکی نیز در جریان
سال ۱۳۶۰ به طور قابل ملاحظه ای

افزایش خواهد یافت که در این
زمینه کافی است بگویم با نظر
داشت مشکلات منابع مادی و مالی
کشور بدون دریافت این نوع كمك
ها نمیتوانستیم موفق شویم
تا تدابیر طرح شده خویش را در
قسمت از تقای سطح زندگی کار-
گران و ماموران در عمل پیاده کنیم .
افغانستان به مانند همه کشور
های در حال رشد ، كمبود کدرهای
كمبود کدرهای ورزیده را به
صورت جدی احساس مینماید ،
به همین اساس متخصصان شوروی
مانند داکتران ، معلمان ، انجیران
ساختمان و تران ، انجیر ها و
متخصصان تخیکی در تامين رشد
وانکشاف اقتصاد ملی ، معارف
وصحت عامه به ما كمك و مساعدت
های لازم را فراهم میسازند ،
گذشته از این اتحاد شوروی در
تربیه کادر های ملی افغانستان
سهم ارزنده ای دارد ، همه ساله
مادر حدود یک هزار و پنجصد نفر
دختر و پسر جوان افغان را جهت
تحصیل و آموزش در انستیتوت
های اتحاد شوروی به آن کشور
اعزام میداریم و در سال ۱۳۶۰
بیشتر از یک هزار و پنجصد نفر را
جهت تربیه و تحصیل در مکاتب
تخیکم و کورس های مسلکی به
کشور دوست و همسایه اعزام
خواهیم نمود .

* به اجازه شما می خواهیم
چشم اندازی داشته باشیم به روابط
تجارتی میان دو کشور افغان -
وشوروی ، به نظر شما در گونه
روابط تجاری که به نفع هر دو کشور
باشد به مقایسه سال های پیش از
انقلاب چه تحولات و دگرگونیهای
به وجود آمده است ؟

.. حجم تجارت خارجی ما با
اتحاد شوروی به نفع طرفین
همه ساله افزایش می یابد ، چنانچه
حجم دوران تجارت خارجی ما با
این کشور در سال - ۱۳۵۶ یکصد و
هشتاد و چهار میلیون دالر را تشکیل
داده است و اما طبق پلان ۱۳۶۰
مبلغ ۷۸۶٫۸ میلیون دالر را احتوا
خواهد کرد و یا به عبارت دیگر -
۴۴۰ مرتبه افزایش خواهد یافت ،
اتحاد شوروی بزرگترین مشتری
عنعنوی مواد صادراتی افغانستان
بقیه در صفحه ۴۱

وقایع مهم جهان در سال ۱۳۵۹

داری با سرعت بی سابقه ای نسبت به سالهای پیش در حال گسترش کمی و کیفی است. در این کشور ها مبارزه طبقه کارگر دیگر درچار چوب مطالبات روز مره اقتصادی باقی نمی ماند بلکه لزوم مبارزه علیه اثرات و عواقب ناگوار بهره جویی انحصار های سرمایه داری را بیشتر می سازد و بیش از پیش ناتوانی سیستم سرمایه داری را درجهت حل معضلات مزمن ما نند تورم و بیکاری آشکارا ساخته و ضرورت تحول بنیادی در آن جوامع به ثبوت می رسد.

مبارزه خلق های آسیا در راه صلح و امنیت:
کشور های آسیایی تقریباً همه

بحران بیش از پیش بی ثمری خود را نشان داد. تحت تأثیر این بحران و با تشدید بیسابقه تضاد های امپریالیزم در مجموعه خود، این نظام ستمگر و غارتگر در صحنه جهانی د مبدم ضعیف تر گردید و محافل تجاوز کاران منفرد تر شده اند و دامنه امکانات امپریالیزم برای حفظ مواضع خود تنگتر گردیده است.

جبهه عظیم نیرو های ضد امپریالیستی جهان گسترش روز افزونی یافته و از لحاظ کمی و کیفی بیش از پیش نیرو مند تر می شود. جامعه کشورهای سوسیالیستی در داخل خود، علیرغم توطئه ها، فتنه گیری ها و تأثیرات منفی بحران های

باگنشت سال ۱۳۵۹، یکسال دیگر بهر کره زمین افزوده شد و ورق تازه ای بتاريخ پر از نشیب و فراز جامعه بشریت اضافه گردید. سالی که آخرین روز های آنرا پشت سر گذاشتیم، دنباله منطقی سال پیش و سالهای پیشتر است. سال نو، نشانه سرنگون شدن کهنه و ظهور نو جوانی و سرسبزی طبیعت، مظهر آرمان ها، پیروزی و امید های نوین برای کار و مبارزه است. اکنون در آغاز سال نو، به انحصار نگاه می بر و وقایع سالی که گذشت افکنده و از کانون های خطر از بحران ها و آشفتگی ها و بالاخره پیروزی ها و پیکار خلق های جهان، یاد آور می شویم:

سال ۱۳۵۹ سال پیروزی خلق ها سال پر توان تر شدن جنبش های آزادی بخش ملی، سال شکوفایی هرچه بیشتر جوامع سوسیالیستی و زرف تر شدن تضاد ها و بحران های جهان سرمایه داری. تشدید تضاد های درون اردوگاه امپریالیستی در گسترده های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، آیدلوزیک و غیره سراسر نظام غارتگر امپریالیستی را در جهان باتب و لرز تازه ای دست بگریبان ساخته و اقدامات سراسر سیمه زمامداران جهان امپریالیستی برای عنان زدن بر جلوه های مختلف



از بالا به پایین:

• مبارزه خلق های زحمتکش افغانستان علیه امپریالیزم و ارتجاع داخلی و خارجی
• مبارزه خلق های امریکای لاتین بر ضد غولهای چند ملیتی غربی.
• مبارزه خلق های افریقا علیه اپارتاید و تبعیض نژادی.
• امپریالیزم امریکا و شوونیسم چین باز دزدان و ضد انقلاب افغانستان کمک می نمایند.



هزارمین سال تولد ابوعلی سینای بلخی در کابل - دوشنبه - تاشکند و ماسکو تجلیل شد (کتاب دانشنامه علایی ابن سینا)

مصیبت استعمار و امپریالیزم را دیده اند و برای طرد استعمار و حصول استقلال ملی، قربانی های بی شمار داده اند. دامن سیاه استعمار که جمع شد، امپریالیزم برای حفظ منافع آزمندانه و بغارت بردن منابع و ثروت مردم آسیا به چهره دیگری نمودار شد و تلاش کرد با وارد کردن رخنه در اتحاد ملل و ایجاد مناطق داغ و بحرانی، ردیابی برای خود پیدا کند.

رنگارنگ دنیای سرمایه داری از رشد موزون و بدون بحران از گسترش شکوفان در عرصه های مادی و معنوی پر خوردار گردید. در طی سالی که گذشته کشور های سوسیالیستی در جهت تحکیم صلح، همزیستی و خنثی ساختن دسایس رنگارنگ محافل امپریالیستی، سعی زیادی بخرج دادند. بخش دیگری جبهه عظیم جهانی نیروی ضد امپریالیستی یعنی جنبش کارگری و دموکراتیک در کشورهای سرمایه

های وابسته که خود را به محور
عراده سیاست امریکا آ و یخته اند
تلاش مذبو خانه داشتند که از آب
های گل آلود شط العرب و خلیج
فارس ماهی بگیرند .

حوزه هند و چین :

تاریخ خلق های مبارز
هند و چین در برابر امپریالیزم پر
از قهر مانی های انتخار آفرین است
این مردمان قهر مان با نیروی
شکست ناپذیر خود راه طو لانی
مبارزه را برای آزادی -
دموکراسی و ترقی
اجتماعی پیموده اند . اگر چه با
شکست امپریالیزم امریکا در
ویتنام از حوزه هند و چین این امید
را قوت داد که بار دیگر که خلق
های هند و چین بجنگ و مصیبت
مقابل نخواهند شد اما مداخلات
پیهم شوونیزم عظمت طلبانه چین در
این کشور ها این امید را به یاس
مبدل ساخت . چین چندین بار برخاک
ویتنام قهر مان تجاوز مسلحانه
نمود که این اقدام چین در سرا سر
جهان شدیداً محکوم گردید . باز -
ماندگان باند جنا یتکار پول پوت ،
ینگک ساری بکمک مر تدان چین و
امریکا از خاک تایلند دست به
خرابکاری علیه دولت انقلابی
کمبودیا زده اما این همه دسایس
وتوطئه ها محکوم بر شکست شد .
برسمیت شناختن کمپو چیا از طرف
هند و روابط عمیق آن کشور با
کشور های سوسیالیستی و صلح -
دوست شواهد آشکارای افزایش
لطفاً ورق بزنید



امپریالیزم امریکا و صهیونیسم و ارتجاع عرب، لبنان را به ماتم نشانده است.

جهان زنده ساخت . مردم ایران
باچشمان پر از امید بسوی آینده
رو آوردند و این واقعیت روشن
گردید که امپریالیزم با همه لاف
و گزافش دیگر توانایی گذشته را
ندارد .

امپریالیزم امریکا
فشار های سیاسی و اقتصادی
خویش را در قبال تصرف سفارت
امریکا و گروگان گرفتن دیپلمات
های امریکا ، افزود ، اما در نتیجه
با سرازیر شدن دازائی های غارت
شده خلق ایران گروگان های
امریکا نی رها شدند .

جنگ بین عراق و ایران که
پیامد منطقی سترا تیزی ریاکارانه
امپریالیزم جهانخواه ایالات متحده
امریکا می باشد ، در طوسی سال
جریان داشت . شواهد انکار -
ناپذیری بدست است که امریکا
در تبانی با چین و سایر کشور

افغانستان انقلابی مبدل شد . بحران
همه گیر اقتصادی و سیاسی جا معه
پاکستان را در بر گرفت این بحران
که پی آمد سیاست ضد مردمی رژیم
نظامی پاکستان و وابستگی ر و ز -
افزون آن به ارتجاع و امپریالیزم
بین المللی است بلا و قفه عمیق
گردیده و پهنای بیشتری کسب
کرده و در نتیجه اقشار و سیعتری
از مردم آن کشور را بمبارزه علیه
رژیم پو شالی ضیاء الحق قرار
خواند . احزاب عمده سیاسی که
فعالیت های آنها از طرف حکومت
نظامی ضیاء الحق ممنوع قرار داده
شده است موافقه نموده اند که برای
از میان برداشتن حکومت نظامی
مشترکاً اقدام نمایند .

در سالیکه گذشت مردم ایران
یکبار دیگر خا طرات پر شور
انقلابی خود را با مبارزه ضد
امپریالیستی و ضد سلطنت در ذهن

آسیا بوسیله امپریالیزم
جنا یتکار مرکز تجمع واحد های
نظامی و بحریه های امپریالیستی
شده است و در اثر توطئه ها و
مداخلات امپریالیزم نقاط داغ و در حال
انفجار بمیان آمده است که داغ تنگ
بر پیشانی امپریالیزم و هندستان
ارتجاعی شوونیستی اش است .

سالیکه گذشت از یکطرف سال
رنج های بیکران برای خلق های
آسیا بود ولی از جانب دیگر سالی
بود که اراده پیکار جوانان خلق
های زحمتکش در مبارزه علیه
امپریالیزم ، علیه ارتجاع و دستپراگان
چینی اش بحقیقت پیوست امپریالیزم
جهانی و در راس امپریالیزم امریکا
ارتجاع منطقه و جهان و توسعه طلبان
مرتد چین که با اصولی شدن انقلاب
ملی و دموکراتیک خلق افغانستان
نقشه های پلید شان را نقش بر آب
دهند از یکطرف تبلیغات زهرآگین
و هستریک را پراه انداختند و از
جانب دیگر نیرو های ارتجاعی و
ضد انقلاب را مسلح ساختند و
بخاک مقدس افغانستان را سال
داشتند اما خلق افغانستان از شرف
آزادی و تمامیت ارضی شان دلیرانه
دفاع نمودند و بر پیکر دشمنان
خاک مقدس شان ضربات کوبنده
حواله نمودند .

نیرو های مترقی و دموکراتیک و
کشور های سوسیالیستی و در راس
اتحاد شوروی زحمتکشان افغانستان
را در دفاع از انقلاب افغانستان
و تمامیت ارضی شان یاری رساندند .
جها نیان بخوبی اطلاع دارند که
افغانستان در طی سال ۱۳۵۹ مانند
سالهای قبل آن در معرض تجاوز
دشمنان انقلاب و امپریالیزم و
شوونیزم قرار داشت . پاکستان
به پایگاه عمده تجاوز بر علیه



موشه دایان با همدست امریکایی اش و انس روی پلان توسعه طلبی صحبت می کنند .



مبارزه مردم جاپان برضد جنگ
ومسابقه تسلیحاتی

کشور های منطقه ، احترام به حق مستقل کشور های منطقه به منابع طبیعی ، عدم ایجاد موانع در راه های آبی منطقه با اساس پیشنهاد سازنده تبدیل بحر هند به منطقه صلح ، کنفرانس شورای صلح جهانی در تاناناریف مرکز جمهوری مائلاسی دایر گردید که در آن نود هیأت از چهل کشور مختلف جهان بشمول جمهوری دموکراتیک افغانستان اشتراک نمود .

شرق میانه:

بمانند سالیان گذشته ، امپریالیزم وارتجاع عرب علیه جنبش آزادی بخش فلسطین ، توطئه دسیسه و سنگ اندازی داشتند ، برادرکشی در لبنان تمام مدت سال را بخود اختصاص داد . حمله صهیونیست ها به همدستی امپریالیزم بین المللی در راس امریکا ، بجنوب لبنان زخمی بر زخم های بیکر جهان مرفقی عرب وخلق های بید فاع وقهر مان فلسطین افزود . اسرائیل بدستور امریکا و متحدین آن با جاه طلبی خاص در طی سال گذشته یک وجب از اهداف شو مش ، عقب نشینی نکرد . خروج مصر از جبهه ضد امپریالیستی ضربه شدیدی برای تمام جنبش عربی است امضای قرارداد کمپ د یوید از طرف سادات خائن نتیجه قانونمند مشی است که سادات از اول رسیدن به حکومت

ژوندون

ها ، ادامه جنگ بین ایران و عراق و تسلیح رژیم نظامیگر پاکستان توسط امریکا و چین تشنج را در منطقه ، آسیا و جهان بمیزان بسی سابقه افزایش داده است .

امپریالیزم امریکا و متحدین ناتو به بهانه مو هوم «تهدید شوروی» و برای به اصطلاح حمایت از «منافع حیاتی» کشورهای امپریالیستی در این منطقه از جهان که هزاران کیلو متر از آن کشور فاصله دارد به تمرکز خطر ناک نیرو های بحری ادامه میدهند و شبکه وسیع از پایگاه های تجاوز نظامی رادر بحر هند و حوزه خلیج بوجود آورده است کشور هند و کشورهای صلحدوست منطقه پیوسته علیه تمرکز نیرو های امپریالیستی در منطقه مبارزه نموده اند .

لیونید بریزنیف در چنین شرایط حاد بین المللی بنابر دعوت دولت هند یک دیدار رسمی و دو ستانه به آن کشور نمود و طی بیانییه موضع گیری اصولی صلح آمیز وقاطع اتحاد شوروی را تصریح نمود ، کشور شورا ها خواستار تبدیل بحر هند به ناحیه صلح پایدار بوده و بر آنست که بحر هند ساحه منافع حیاتی کشورهای این منطقه است نه از هیچ یک از کشور دیگر . طرح تبدیل بحر هند به منطقه صلح پایدار شامل اینست که عدم تاسیس پایگاه های نظامی خارجی و عدم تمرکز اسلحه ذروی در خلیج ، جلوگیری از تهدید



یاسر عرفات: خلق عرب وخلق فلسطین پیروز شدنی است

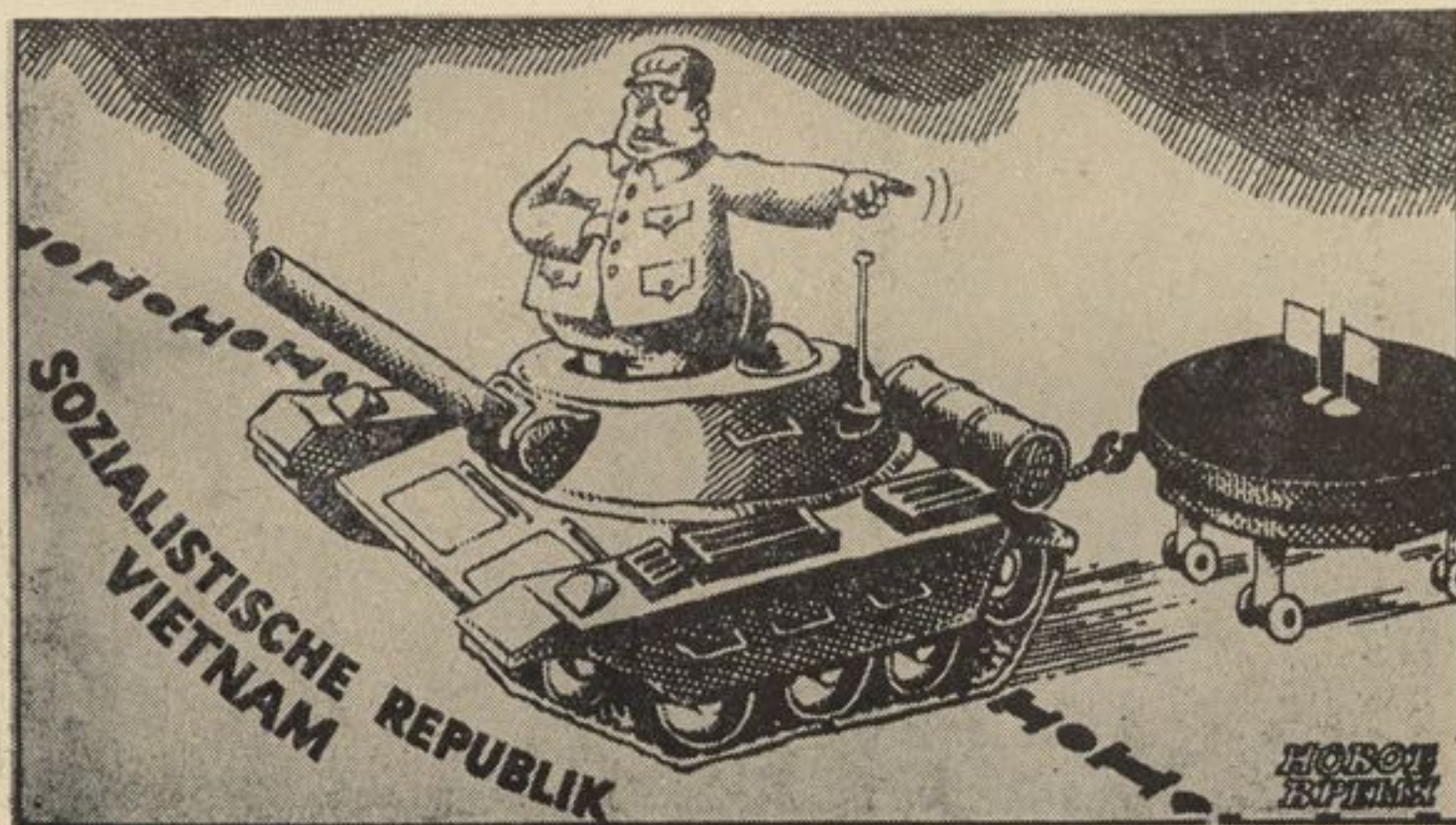
تاکمک های نظامی خود را به رژیم دیکتاتوری و خونریز سیول که بکمک زور و سر نیزه امریکا در راس قدرت حفظ گردیده ، و سعت بیشتر بخشد .

بحر هند وجنوب آسیا:

کشور های عضو پیمان ناتو ، هر وونیست های خاین چین و جاپان برای تعمیل اهداف شوم شان ، بودجه نظامی شان را توسعه بخشیده و پایگاه های جدیدی را در مصر ، عمان ، صومال ، کینیا و سرا سر جهان اعمار می کنند . تمرکز قوای ضربتی ، امریکا در بحر هند و حوزه خلیج تمرکز طیارات جاسوسی امریکا مجهز با سیستم های عصری رادار ، دامن زدن های به جنگ های محلی و تهدید مستقیم کشور

حیثیت بین المللی کشور کمپوچیا می باشد .

قیام شکوهمند خلق رزمنده کوریای جنوبی رژیم دست نشانده سیول را تکان داد . موج عظیم قیام و نظهرات مردمی علیه امریکا ، بصورت موقت سرکوب شد اما در شهر کوانگ جو و شانزده شهر دیگر اطراف آن تظاهرات بصورت قیام خلقی تجلی یافت ، چکمه پوشان امریکائی وارتجاع کوریا بقتل مردم پرداختند اما در زرد خورد ها هزاران امریکایی کشته و مجروح شدند ، محصلان وجوانان سلاح هارا به غنیمت بردند و جنگ چریکی را آغاز کردند . حکومت جدید ایالات متحده امریکا تصمیم بر آن دارد



مرتدان چینی ، در کشور قهرمان ویتنام مداخله نمودند.

پیشنهادات مشخص و عملی جمهوری دموکراتیک افغانستان را نادیده گرفتند و بعوض آنکه پیرامون موضوعات اساسی شرق میانه و جهان اسلام اعاده حقوق خلق فلسطین و افشای توطئه های امپریالیزم و ارتجاع بیرداند بدستور امریکا در باره افغانستان بحث کردند.

رهبران کشور های سو ریه ، لیبیا ، الجزایر ، جمهوری دموکراتیک خلق یمن و سازمان آزادی بخش فلسطین برای اتخاذ یک رشته تدابیر مشترک در مقابله با توطئه های تازه امریکا ، صهیونیسم و رژیم سادات در طرابلس جمع شدند این کنفرانس



انفلاسیون، در امریکا بیداد می کند و خلق های زحمتکش و کارگران را تحت فشار بیشتر قرار میدهد.

باتوجه به مذاکرات سادات بیگین در واشنگتن از اهمیت زیادی برخوردار بود. این کنفرانس از خلق های عرب خواست تا علیه دسایس امپریالیزم امریکا، مبارزه شانرا ادامه بدهند.

ایالات متحده امریکا با کنار گذاشتن گفتگو ها پیرامون بیطرفی در تصادم ایران و عراق تنها بیرون شومی را در جهت تدارکات برای مداخله مسلحانه در منطقه نفت خیز خلیج اتخاذ نمود. طیارات تانکر کی ۱۳۵ انگلستان و همه سلاح های مرگبار و موشک وریس امریکائی بصوب عربستان سعودی در حرکت شدند. واشنگتن بطور فعال متحدین اروپایی اش را به آمادگی ها برای مداخله نظامی در خلیج گشایند. استراتژیست های ناتو پلان های عاجلی را برای مداخله در تنگه هرمز و تکشاف دادند.

(ناتمام)

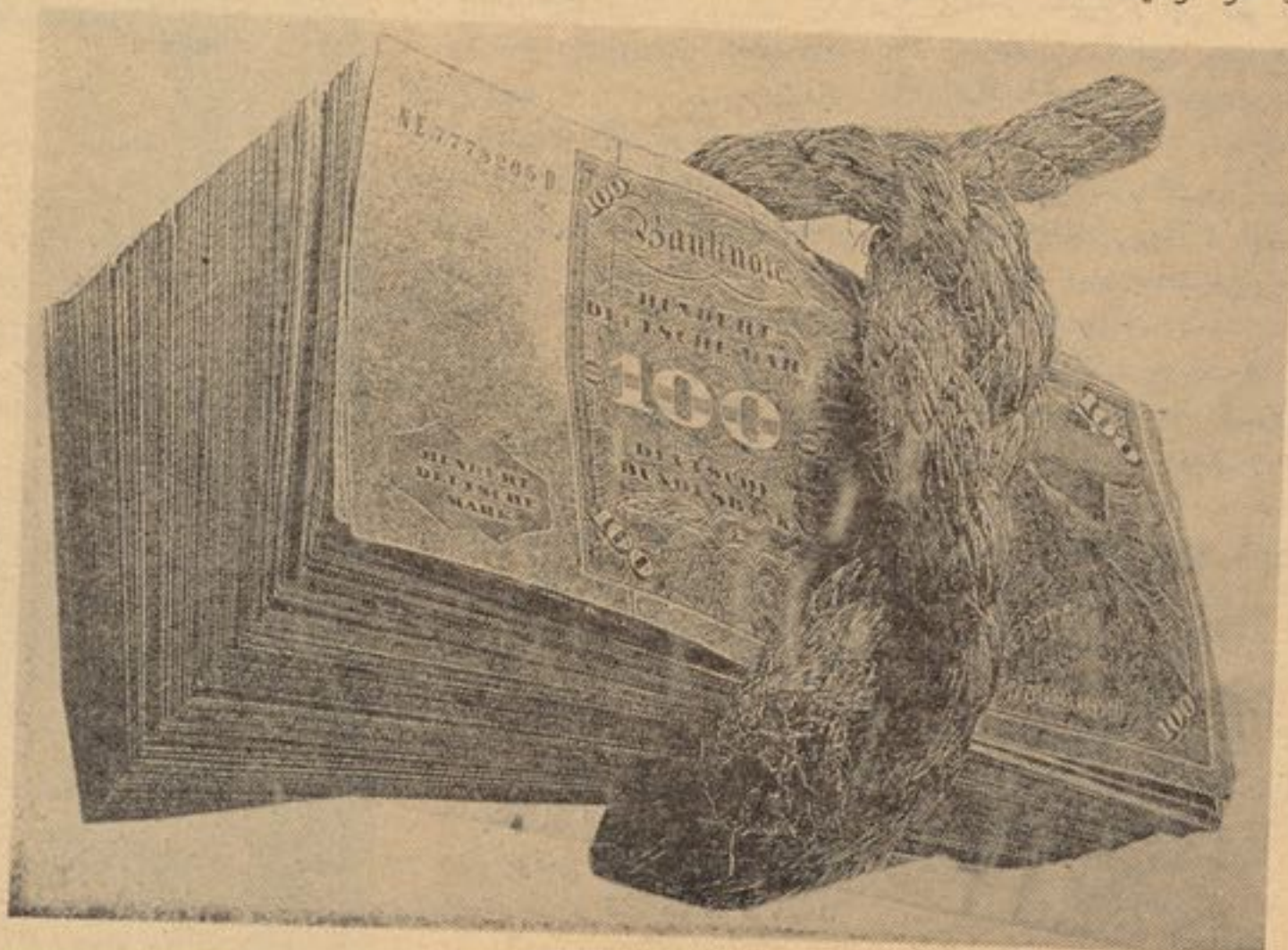


نمایی از کنفرانس نامیبیا در ژنیو

اوضاع در سرحد بین سو ریه و اردن طی سال ۱۳۵۹ کسب وخامت کرد و تمرکز قوا در هر دو طرف سرحد دیده شد. سوریه فعالیت های خرابکارانه مرتجعین را در داخل آن کشور خنثی ساخت محافل و حلقه های بر سر اقتدار ارتجاعی در عده از کشور های اسلامی کوشیدند تا اوضاع کنونی افغانستان را بهانه گرفته و سیاست ضد صلح و ضد دینیت شانرا در ضدیت با افغانستان انقلابی واتحاد شوروی سو سیالیستی به کرسی بنشانند، در هفته اخیر ماه جنوری ۱۹۸۱ کنفرانس سران کشور های اسلامی را در مکه معظمه دایر نمودند و جهانیان مطلع شدند که سران کشور های اسلامی

وانقلاب اسلامی ایران و تحولات جنوب آسیا و هند به پیکر امپریالیزم رسیده، جبران نماید. روزنامه لوموند بطرز نیشداری خاطرنشان میسازد که اسرائیل دعوی نقش (یگانه مدافع جهان سر ما یداری) در شرق میانه را دارد در حالیکه مصر ناگزیر است فقط به اجرای نقش «زانداز» منطقه «قناعت» کند. در سال ۱۳۵۹ بیرق اسرائیل در مصر برافراشته شد و سادات در برابر جنبش انقلابی خلق های عرب خیانت کرد. کسینجر از کشور های عربی و اسرائیل دیدن کرد و این کشورها را به پل انتقال سیاست توسعه طلبانه امریکا در شرق میانه، خلیج، بحیره احمر، بحر هند تبدیل کرده است.

دنبال کرد. مصر بحیث ژاندارم منطقه در آمد و بر علاوه دشمنی با خلق های عرب، دشمنی خود را علیه خلق های افغانستان و ایران شدت داد. باز ماندگان شاه خاين ایران را تقویت می کند و برای حمله بر ایران، مصر را پایگاه نظامی امریکا ساخته است همچنان گروه های آدمکش دزد و ضد انقلاب افغانستان را تجهیز می سازد و از طریق پاکستان به خاک مقدس ماجمیت خرابکاری میفرستد. امپریالیزم امریکا بادیستاری مرتجعین منسطقوی اش از یکطرف می خواهد به چاه های نفت خلیج و شرق میانه حکمفرمایی داشته باشد و از سوی دیگر خساراتی را که در نتیجه انقلاب ملی و دموکراتیک افغانستان



امپراتوری دلار مارک و پوند رو به تزلزل میرود.

بعد از انقلاب این تقاضا را دارم
چرا که حالا همه مسایل جدی بطرح
می آید، جدی اجرا می گردد و هدف
عمده هم رشد فرهنگ و هنر است
در کاربرد فعالیت های این بخش .
- مگر آواز خوانان معاش ندارند؟
- دارند اما آواز خواندن جزء
وظایف اداری نیست .

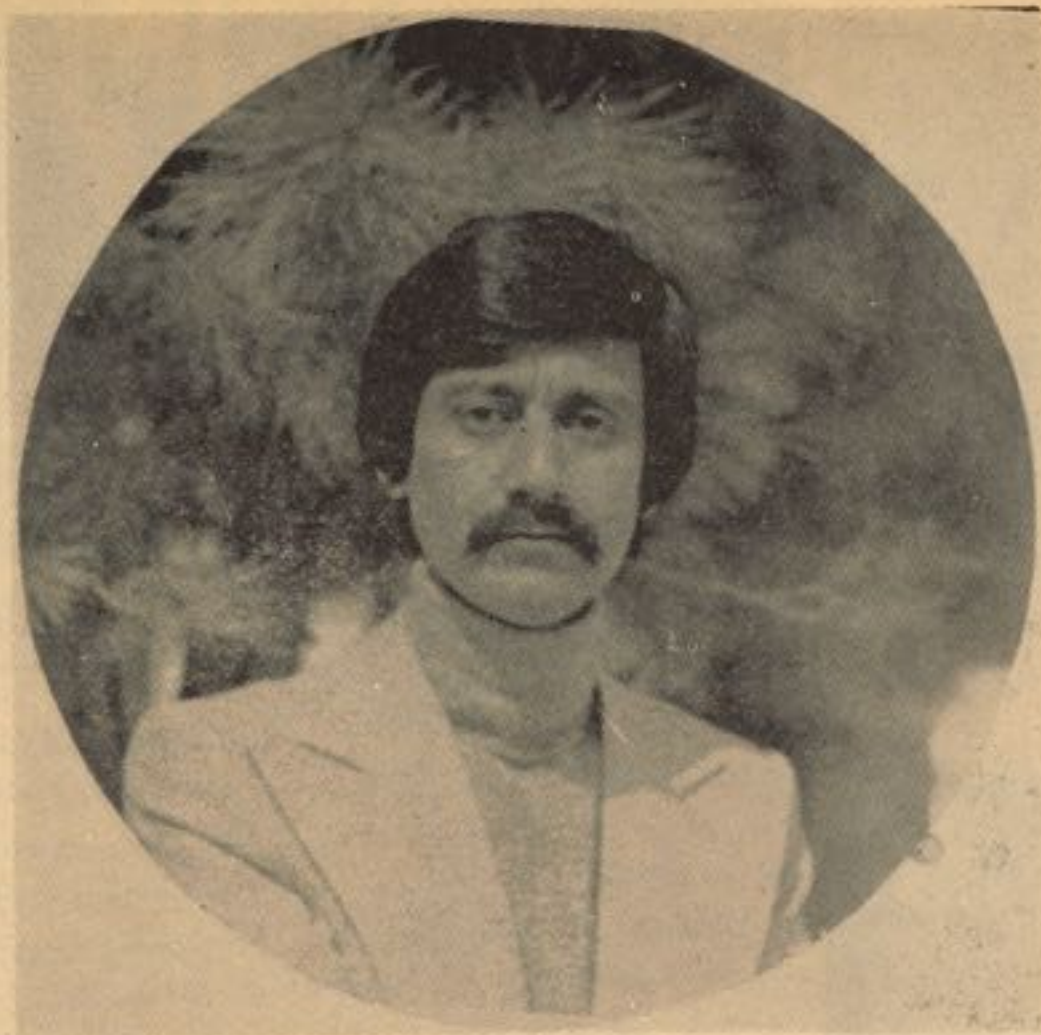
- اجرا نمایش رادیویی و یا
تلویزیونی که هست ؟
- بلی اما من تا تداوی نشوم
آنها هم به اجرا نمی آورم .
- از این حرف ها بگذریم ،
اینرا بگو که تو چه وقت از رقابت
بامرده احمد ظاهر منصرف می
شوی ؟

- من نه بازنده احمد ظاهر
رقابتی داشتم و نه هم اکنون
بامرده اش دارم و تو بی انصاف باید
اینرا بهتر از همه بدانی که هم بامن
و هم با احمد ظاهر بار ها بگفت
و شنود نشسته یی ، مگر تو ضیح
پایه های طبقاتی و مقایسه شرایط
هنری در درون هر طبقه معنی رقابت
را دارد ؟ احمد ظاهر بهتر یس
دوست من بود ، برای اولین بار در
آرکستر آماتور ها که در آن وقت
رهبری اش را به عهده داشتم اولین
پارچه رادیویی اش را ثبت کرد ،
در عروسی اش پدرش نبود ، اما
من بودم ، اما هیچ يك از این
موارد نباید موجب گردد که من
عوامل پیشرفت را از دیدگاه خود
به بررسی نگیرم و این نظر دهم
که در دوران زندگی احمد ظاهر
هم ابراز شده است نباید رقابت
تلقی گردد و از همه اینها گذشته
من امتیازاتی دارم که کمتر
دیگران دارند بنابراین اگر پای
رقابت هم در میان باشد من رقابت
نمی کنم ، بلکه ...

- این امتیازات چیست ؟
- آواز خوان هستم ، کمپوزیتور
می باشم ، شومن هم هستم و نطاق
هم و ..

- پیش از اینکه سرم را بیشتر
از این به درد اندازد میگویم کافی
است به کارت برس ، اما اگر
امسال هم کار های هنری تازه ای
را ارائه ندی به سر خودت قسم
که ترا در تشییع جنازه هنر تدعوت
میکند و مرثیه جانانه ای هم برای
ت می سرایم .

- پس شاعری را یاد بگیر .
سال را برایش تبریک می گویم



ظاهر هویدا

پیوسته گذشته

نوشته ها و نیش خند های با هنر مندان

اجاره داده یی که فکر نمی کنم اجاره
گیرنده یی هم وجود داشته باشد؟
با صدای بمش شروع می کند
به بخش اراجیف و منکه گو شم را
خیلی دوست دارم کمی از او دور
می شوم تا پرده ها ندرد و عمری را
کر نباشم میگوید :
- راست راستی دیگر مفت آواز
نمی خوانم و ...

- یعنی چه مگر تو از دیگر آواز
خوانان چه بر تری داری ؟

- بر تری ندارم و کوچک همه هم
هستم پول در بدل خواندن را هم
فقط برای شخص خود تقاضا ندارم
بلکه وضع مقرره ای را خوا ها نم
که به موجب آن برای همه هنرمندان
امتیاز های مادی در خور هنر آنان
داده شود .

- این تقاضا را که تو همیشه
داشته ای ، همیشه هم اجرا نشده و
باز هم همیشه خواننده ای ، هم نطاتی
کرده ای و هم نمایش رادیویی ساخته ای
حالا دیگر چرا ؟

- اصل مطلب همین جا ست که
من تا پیش از انقلاب شکو هم در
نور هیچ توقعی از دولت نداشتم .
چرا که در آن وقت هم با فرهنگ
بازی می شد و هم با هنر ، اما

و شمات می بستند و ما هم مشت
نمونه خروار در هر شماره چند عدد
آنرا چاپ می کردیم ، او چنان بی
تفاوت بود که گویا سخن در باره
دیگر یست و نه به خاطر او با همه
دلخونی که به همین سبب از او دارم
به سراغش میروم و به او میگویم
کم مانده است که خودم را در
تشییع جنازه کار های هنری ات
آماده کنم و مرثیه یی هم با عنوان
زنده آواز خوانی که سالها ست
مرده بنویسم ، آخر مرد حسا بی
تنبلی را کنار بگذار ، آوازی بخوان
نمایش رادیویی و یا تلویزیونی
ای را به اجرا بگیر ، کنسرتی را
دایر کن ، کاری انجام بده و او
خلاصه می گوید هیچ يك از این
فرمایشات را قبول ندارم .
- چرا مگر بالاخانوات را به

ظاهر هویدا که ماشاالله نظر
نشود چند سانتی کم دو متر قدو به
اندازه چند بلند گو قد رت حنجره
دارد از مدت هاست که در تلویزیون
ناهویداست و یاکم هویدا و از آنجا
که به خواست مردم اهمیت و ارزش
فراوان قایل است مردانه تصمیم
گرفته نه آواز بخواند و نه هم «شو»
تلویزیونی و رادیویی اجرا کند در
سال گذشته جدا مشکلی شده
بود برای مجله ژوندون
چه نامه های مکرر فرستادیم
که به خاطر يك مصاحبه چاپ شده
وی در همین مجله بما می رسید
آنقدر فراوان بود که می توانست
سوخت بخاری های همه کارکنان
ژوندون را کافی باشد و جالب اینکه
باوصف آنکه همه نگارندگان
این همه نامه او را به چوب ملامت

وشرایطی بهتر، شادش می -
خواهیم .

ذکیه کهزادگوینده تازه کار رادیو
تلویزیون که چند سال پیش از این
در فیلم هنری «مجسمه ها می خندند»
نیز ظا هر گردید و بعدا به د لایلی
که روشن نیست فلم و نلم بازی را
بوسید و کنار گذاشت اینك دوست
دارد فعالیت هنری را از راه رادیو
وتلویزیون دنبال کند، از خصوصیت
های او یکی این است که پیش از
دیگران آرایش می کند وقتی از او
پرسیم چند سال عمر دارد، رك
وصریح جواب می دهد که به این
سوال پاسخ نمی دهم و چه بهتر که
توهم اصراری نداشته باشی،
وقتی در سوال دیگر از او می خواهم
توضیح دهد که در وقت نظا قی
چرا بی جهت ولزوم سرش را تکان
میدهد خنده ای میکند و جواب می -
دهد نقصی است که خودم هم متوجه
آن شده ام، همیشه پیش از قرار
گرفتن در مقابله کمره نیز یادم
است که این عمل را تکرار نکنم اما باز
یادم میرود به او یاد آوری می کنم که
پیری است و هزار علت و این هم یکی
از آن شماره که سخت ا عتراض
می کند که چهل سالگی آغاز جوانی
است و تو آنرا در حله پیری می -
دانی و سخنان دیگر از این قبیل ..

ذکیه همسر کهزاد نقاش چیره دست
و شناخته شده کشور است به قول
خودش به آثار شوهر خود و محیط
خانواده عشق دارد و انگیزه تمایل
وی به کار های هنری نیز جز
تشویق کهزاد و روشن بینی وی
نمی باشد و باز هم می افزاید
که پذیرفتن نقش اول فلم «مجسمه ها
می خندند» از طرف وی نیز صرفا به
همین دلیل بوده است که سناریوی
این فلم بر اساس ناکامیها و آملادی
های يك آر تیسست جوان در يك جامعه
عقب نگه داشته شده به نگارش
آمده است .



ذکیه کهزاد



محمد جان گورن

بعد از آن هم همین حادثه تکرار می -
گردد چنان که يك هفته است
عکس خود را و عده داده و نشانی
به آن نشانی که این مطلب بدون
فوتوی وی به چاپ خوا هدر رفت .

از حادثه های جالب زندگی او
مهمتر از همه این است که او در
فلم نیمه دا کو منتری و نیمه
داستانی «دام مرگ» در نقش مرگ
خانواده دو ستنی ظا هر گر د ید که
زنش در اثر يك بیماری متدا و م
وانگیزه فقر می میرد به این دلیل
که او در مو قعش نتوانسته وی را
تداوی کند و متا سفانه این حادثه
فلمی در زندگی واقعی او به حقیقت
پیوست که امیدواریم غم آخر زندگی
او باشد .

با گورن به احترام غم بزرگی که
به قول خودش و به نقل از صدا ق
هدایت چون خوره رو حش را می -
خورد و می گزد شوخی نمی کنیم
و این را می گذاریم به فرصت دیگر

و در آرزوی مو فقت های وی که
سو ستش دارم از او خدا حا فظی
میکنم .

محمد جان گورن بعد از فاجعه
مرگ همسرش که هنوز چند هفته
از آن نمی گذرد سیمای غمگین دارد
و زورکی می کوشد لبخندی به لب
آورد، او که همیشه در حال
هشیاری هم رفتار نشه ما نند
داشت بعد از این حادثه همیشه
گیج است و خلاف گذشته شمار
می نماید، اما باز یگر توا ناست
و بدون شك آینده خوب در انتظارش
می باشد، همیشه وعده فراوان می -
دهد، اما یاد فرا موشی درد بیدرمان
اوست و از همه بدتر اینکه در هر
موردی که وعده ای داده باشد هر
دوبای را در يك کفش می کند و اصرار
می ورزد که او برای فردا وعده داده
بوده است و نه امروز و صد البته
که فردا و دیگر فردا و فرداهای

از : دریا

زندگینامه ابرمردهای زنده جاوید تاریخ

این بیوگرافی با پرشورتر از هر قصه و پرکشش تر از هر افسانه ای است و بهین جهت از شما می خواهیم هم خود آنرا بخوانید و هم مطالعه آنرا به دیگر خانواده ها توصیه کنید.

بلخ در آن نیمروز آتشین ، در برا بر چشم تب آلود آفتاب میسوخت ، غرشی در شهر بود ، هنگامه ای بر خاسته بود ، آری بلخ میجوید - شید چون رود خانه ای که سیلاب بدان پیوسته با شد ، میخرو شید بدانگونه که دریا کف برد هان ، خروشد و خورشید سوزنده تر از هر زمان ، در تن شهر میسوخت .

گروهی از بلخیان فریاد میکردند ، می غریه تند و میدویدند : - ((بخانه بهاء الدین محمد

میگذراند ، فرما نرو یا ن مینوا - ختنش و در بزرگداشتش میگو - شید ند ، لیکن اینک ، زما نه حرمتش بسر آمده بود : فرما - نروای بزرگ شهر ، از اورنجیده بود و مایه رنجش این بود که بهاء الدین بی پروا پندش میداد و پند آن را د مرد به فرما نروا گران میا مد ... در این میا نه آنان که از نفوذ وی در درگاه فرمانروا بیمناک و ناخشنود بودند ، زبان به سعایت از او گشودند و اندیشه فرما نروا را تیره تر ساختند .

نیز آنان که از مشرب تصوف دل خوش نمیداشتند در بدگوی از او گو شیدند و یکبار شهر را بر بهاء الدین شورا ندند و عرصه

مولانا جلال الدین بلخی

زاده توفان و شوریده عشق

مردیکه از توفان توفنده تر و از آذر خش رخشنده تر بود

وسختی با خوانند و مشکل پسند زوندون

استقبال گرم و تشویق محبت آمیز شما خواننده عزیز از داستان های که هر هفته زیر عنوان ((برگزیده هایی از ادبیات جهان)) از چند شما ره به این سو به شما پیشکش میگردم ما را داشت تا باز هم کار ارزنده دیگری را در دست اجرا گیریم و گامی دیگر در جهت بهبود کیفی مجله برداریم تا با شد خواننده آگاه و چیز فهم زوندون را ضی تر از همیشه باشد .

ما از این هفته زندگینامه ابرمردهای زنده جاوید تاریخ را به شما هدیه میداریم که از هر قصه ی شور انگیز تر و از هر داستانی پرکشش تر است و از شما میخواهیم با زهم ما را در این کاریاری دهید و باارسال نظرها و پیشنهادهای خود این مجال را فراهم آورید که هر هفته مجله خانوادگی شما زیبا تر و با محتوای بهتر بدست شما رسد - یکبار دیگر از فرد شما از همه خانواده های خواننده این تنها هفتگی نامه کشور که خود را باما بیگانه نمی نگارید سپاس داریم و در انتظار نامه های محبت آمیز شما میباشیم.

میرویم ، بهاء الدین را با یسد بکشیم ... مردم شما هم بیایید ... تانگر - یخته است بیایید .))

بر شماره عصیانگر آن لحظه به لحظه افزود میشد ، دریایی از جمعیت به حرکت در آمده بود و آهنگ خون بهاء الدین را داشت .

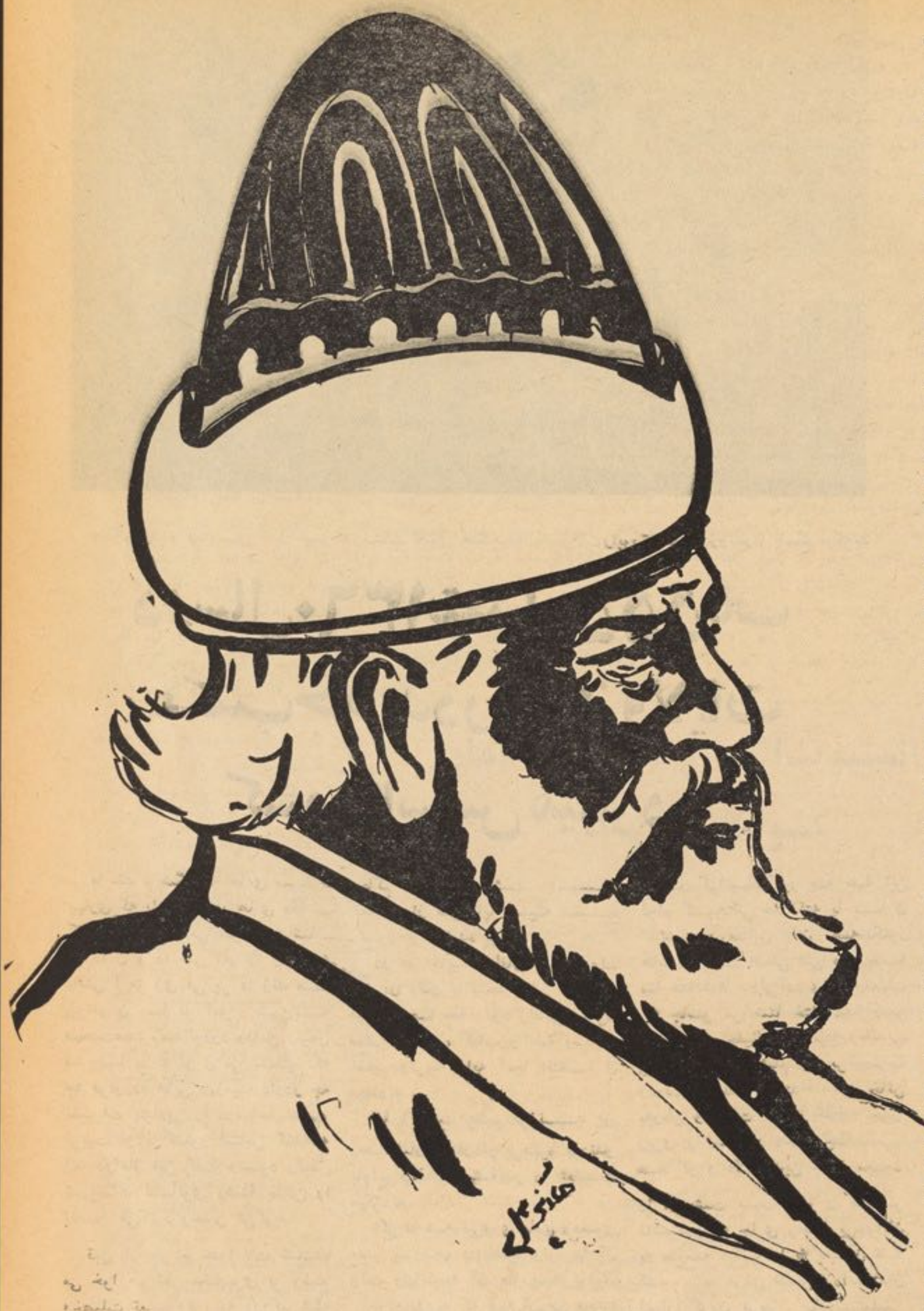
((بهاء الدین)) واعظ پارسایی از بلخ بود ، زبانش آواز ، خوش سخن و گرانمایه ، به صوفیان گرایش داشت ، پیروان فراوان داشت ، مسند تدریس داشت و فتوی میداد . زمان را در حشمت و حرمت

را بر او تنگ گردانیدند . خیل عصیانگران ، گذرگاهها را در می نورددند و شتابان به جانب خانه بهاء الدین روان بودند ، لختی دیگر بهاء الدین در شعله خشم غوغا گران میسوخت و تنش آماج ضرب بهای دست و پای این و آن میگشت ، ناگهان بیشتاز آن خیل فریاد کردند :

ها ، اینک رسیدیم ... این خانه است ، در خانه را می شکنیم !

در چشم بر هم زدنی ، در شکست و فروریخت ، خیل غوغا گران به درون ریختند و سر در هر اتاق و حجره کشیدند و ناگهان خشمناکتر از پیش بانگ بر آوردند :

آن مرد دروغ بر داز گر یخته است ، بر نا راستی اش همین



بس ، در بیرون شهر دتبا لش
میکنیم .

بس در پی بهاء الدین تا ختند ،
لیکن وی را نیا فتند ، زیرا که
او شبانه گریزش را آغاز کرده
بود ، از پیش میدانست که آهنگ
هلاکش را دارند ، و اینک چند
منزل از بلخ دور گردیده بود .

گریز جان فرسای بود ،
بهاء الدین با همسرش ((مو منه -
خاتون)) و پسر چهارده ساله
اش جلال الدین میگریخت ، آنان
بیراهه راه میپیدند و در سنگر
صخره ها ، پناه می گزیدند ،
هراس در جان شان بود ،
بیم داشتند بلخیان هر لحظه از
گرد راه در آیند ، بر آنان تا زند
وبه خویشان ، راه غبار آلود
سمرقند را رنگین سازند .

کاروان کوچک بیم آلود ، راه
می پیمود ، بهاء الدین زین لب
خدا را میخواند و پسر چهارده
ساله اش را میگفت :

خدا همه حال خدا را بخوان ،
عشق او ترا از هر گزندی میر
هاند مبادا هر گز یاد او را به قرا -
موشی بسیاری ... نیز بتو می سپارم
که آزموده را هر گز نیا ز ما ثنی
به هیچ روی نزد خلق از رازها که
در سینه داری دم مزن که خاق
تاب شنیدن ندارد و بی بر وادل
به هلاک تو می سپارد ...
آنگونه که دیدی آهنگ
هلاک من کرد .

جلال الدین بند پدر پارسای خو -
یش را که براسستی بینای کار بود
و بینشی ژرف و پنهان داشت ،
می شنید و بدان می اندیشید .
وی از آن گریز بیم انگیز ، نکته
ها آموخت و هر گز لرزه های
آقا از لوح خاطر نشست ، این
نخستین رویداد زندگی جلال الدین
بود ، مردی که از توفان تو خنده
تراز آذر خشن رخشند .

کاروان کوچک ترسناک
در ((و خشن)) خیمه افکند و
سپس در سمرقند ...

سمرقند یان ، مقدم سخنور
دا نشمند بلخ را گزای داشتند
وبه زودی آوازه دانشوری بهاء -
الدین محمد ، چونندگان دانش
دین را چون پر واینگان بیبر وای

ایضا

عبدالله

عبدالله

بزودی از میان برخواست و از آنجا
که هراس مرگ آسای دیگر باید
جا نشینی آید ، میگوید : «لعلوا وقلنا»
فتنه مغول ...

بقیه در صفحه منتهی



عبدالودود (وفامل) رئیس تدریسات ثانوی هنگامیکه به سوالات راپورتر مجله ژوندون پاسخ میگوید

درس سال ۱۳۶۰ به تعداد ۵۵۵ باب مکتب جدید در هرگز و لایات کشور تاسیس میگردد

مردم آگاه و وفا دار به آر قسی و نهضت آرام نه نشستند ، از کوته قلفی های پل چرخ تا سنگرهای بین المللی همه عناصر بر افتخار در اطراف حزب دیمو کرا تیک خلق افغانستان حلقه زدند ، امین و باند فاشیست وی را به گودال تاریخ سپردند . بعد از هر حله نوین تکاملی انقلاب نور آن چنانکه در همه ساحات نظم و به هم پیوستگی به میان آمد تعلیم و تربیه نیز بربر- نسیم های علمی و انقلابی بار دیگر شروع به توسعه و تکامل نمود که تاکنون گام های متین در این راه برداشته شده است .

گرچه عناصر ضد انقلاب ایمن وطن خروشان و خائنان تلاش می ورزند تا سد راه پیشرفت ما گردند و مشکلات را در سیستم تعلیمی ما ایجاد نمایند . ولی هیچگاه تاریخ به عقب بر نمی گردد و این آرزوی شان همراه با خود شان به گورستان سیاه خواهد رفت .

همبستگی مردم ما با حزب و دولت ما را متیقن میسازد که همه دشمنان نقش بر آب است .

از رئیس تدریسات ثانوی می پرسیم که آیا درس سال ۱۳۶۰ چه پلان های را برای بهبود وضع تعلیمی مکاتب کشور روی دست گرفته اید . وی در پاسخ میگوید :

با وجود آنکه در مین محبوب ما تا حال نیز همان سیستم تدریسی کهنه رواج دارد و زارت تعلیم و تربیه برای بهبود وضع درسی مکاتب ثانوی پروگرام های مختلفی را در سال جاری روی دست گرفته است بدین معنی که وزارت تعلیم و تربیه به امر انتخاب معلمین و رزیده و مسلکی توجه جدی مبذول داشته دروس مکاتب را اولاً به آن عده از معلمین می سپارد که در رشته مذکور تحصیلات مسلکی داشته باشند و از عهده تدریس مضامین بوجه احسن بدر آمده بتوانند . همچنان در قسمت کارهای عملی شاگردان در مضامین سیانسون چون کیمیا ، فزیک و بیولوژی که در لا براتوارها اجراء میگردد توجه زیادی بعمل آمده است .

قبل بر این دروس مکاتب کشور دارای جنبه های زیاد نظری بود و به جنبه های عملی آن کمتر توجه صورت می گرفت . در اکثر مکاتب

و دموکراتیک ثور به همه این لجام گسیختگی ها نکته باستان گذاشت و مطابق پلان ، همه سکتور ها به اهداف اصلی اش متوجه ساخته شد . ولی دیری نگذشت که جاسوس شناسان شده (سی-ای-ای) حفیظ الله امین و باندی فرهنگ و خون آشام وی بر حزب و دولت مسلط گشتند . این خائن به وطن و نهضت در تبه کاری ، خون ریزی و استبداد دست جنگی-هلاکو و علاو الدین جهان سوز را از پشت بست و چون هتلمر فاشیست به جای رهنمای جوانان به مدرسه ، آنها را به پلیکون ها کشید . به عوض تقدیر از دانشمندان آنها را گردن برید . سیستم تعلیمی را از سر تا پا به بی راهه گشتاند . و اهداف اصلی و تربیه در شرایط انقلابی را به کلی فراموش کرد ولی باز هم در برابر این همه بی مسئولیتی ها و ناپسا ما نی ها ،

حاکم تخصیص داشت . سیستم تعلیمی از سر تا پا وسیله تبلیغ کلتور غرب شده بود .

در هر جاییکه اطفال فرمان روا- یان آن وقت با متحدینش که طبقه فیودال جا معه بسود زندگی میکرد معلم ، مکتب ، کتاب و همه وسایل تعلیم و تربیه را به آنجا انتقال میدادند .

اما اکثریت عظیم فرزندان زحمتکشان ما از علم بی بهره بودند و بارنج و عذاب پیشه پدر را تعقیب میکردند .

اگر ما همه نیروی مادی و معنوی مصرف شده در تعلیم و تربیه آن وقت را بابتیجه آن مقایسه نماییم خواهیم دید که همه آن بی محتوا و بی نتیجه بود . زیرا سیستم تعلیمی آنوقت از هدف اصلی اش در مجموع به سوی دفاع از منافع طبقاتی چند فامیل محدود منحرف ساخته شده بود . ولی انقلاب ملی

با مقدم شگوفه های سپید - بهاری که بار دیگر در های مکاتب کشور گشوده می شوند و شاگردان و دانش آموزان ما به دانش آموزی می پردازند و زندگی ما پیرامون مسایل آموزشی به صحبت محترم عبدالودود وفامل رئیس تدریسات ثانوی می نشینیم که چه فراورده هایی در زمینه دارد و چه تغییرات بنیادی را در ساحه تعلیم و تربیت اولاد کشور اساس گذاشته اند در آغاز این گفت و شنود رئیس تدریسات ثانوی رشته سخن را بدست می گیرد و چنین می گوید :

قبل از طرح سوالات شما می خواهم نظر مختصری بر وضع و خصلت تعلیم و تربیه در گذشته و خصلت سیستم تعلیمی بعد از انقلاب نور افکنم .

تعلیم و تربیه در زمان فرمانروایی اهل نادر در مجموع به حفظ منافع طبقاتی چند فامیل بی فرهنگ

اولیای شاگردان در تعمیر و ترمیم مکاتب نیازمند هستیم و از آنها درخواست مساعدت می نماییم. وی در مورد اینکه تا کنون چه تغییراتی از لحاظ ماهوی در سیستم تعلیم و تربیه مکاتب به میان آمده است چنین ابراز نظر می نماید: در این مورد نکته ای که قابل تذکر می باشد این است که باوجود آنکه سیستم جدید تعلیم و تربیه به دوره ثانوی نرسیده، ولی باز هم ریاست تدریسات ثانوی به عوض بعضی عناوین نا ضروری که در کتبدرسی مکاتب وجود داشت عناوین مهم و ضروری ایراکه در رشد ذهنیت شاگردان سخت کمک می کنند داخل نموده است و از طرف دیگر مضمون جدیدی را بنام (جامعه شناسی نو) می خواهیم در مکاتب کشور تدریس نماییم و اطمینان کامل داریم که کتاب مذکور بزودی در دسترس شاگردان قرار خواهد گرفت و عجلتا ما عناوین کتاب مذکور را در اختیار معلمین مربوط قرار داده ایم تا برای شاگردان مکاتب الی رسیدن کتاب مذکور تدریس گردد. با اطمینان کامل میتوان اظهار داشت که کتاب مذکور در شناخت اساسات تکامل جامعه به شاگردان سخت کمک خواهد کرد.

هنگامیکه سیستم جدید ما به کارافتد سیستم کاملاً فشرده و بهم بسته می خواهد بود که میان صنوف و مضامین مکاتب ارتباط قائم خواهد کرد و هیچ صنفی با صنف دیگر و یا هیچ مضمونی با مضمون دیگر بی ارتباط نخواهد ماند ماقبل از رسیدن و به کار افتیدن این سیستم بهم بسته تداومیری را که در فوق از آن تذکار بعمل آمد برای بهبود وضع ماهوی سیستم درسی کشور روی دست گرفته ایم.

از رئیس تدریسات ثانوی تقاضا بعمل آوردیم تا در مورد سرنوشت آن عده از شاگردانیکه مکاتب مربوط آنها در اثر حملات خائنانه عناصر ضد انقلاب در سال گذشته ویران و یا به آتش کشیده شده اند و بناء بر موجودیت عللی آن ها نتوانستند در سال گذشته به دروس خویش ادامه دهند

بقیه در صفحه ۲۲

بخوانندگان محترم مجله ژوندون معلومات ارائه بدارد، چنین بیان داشت:

بقیه در صفحه ۳۳

صفحه ۱۷

مکتب و یا در سطح مقامات بالا تر از آن. طوریکه دیده می شود تالیف اینگونه پلانها در ارتقای سطح دانش شاگردان و از جانب دیگر عیار ساختن معلمین با پلان کار روزمره آنها بسیار ارزنده و موثر است و یقین کامل داریم که از آن نتایج خوبی بدست خواهیم آورد. جهت دوم مسئله مربوط به تشخیص استعداد های نهفته شاگردان است بدین معنی که در این مورد تصمیم گرفته شده است تا کمیته هایی مرکب از معلمین و شاگردان در مکاتب کشور تاسیس شوند و در ساحه های مختلف به کار آغاز نمایند. این کمیته ها وظیفه خواهند داشت تا بهترین نقاشان، مجسمه سازان، خطاطان، رسامان و غیره را از میان شاگردان مکتب مربوط انتخاب نموده آنها را در رشته مربوط راهنمایی نموده آن عده از آثار، نبشته ها و یا چه های، هنری، ادبی و غیره را که توسط شاگردان تهیه شده اند جمع آوری نمایند و از این پارچه ها و آثار نندار

معلمان مربوط به دیپارتمنت تاریخ درس تهیه شده را به شاگردان یکی از صنف های مربوط ارائه می دارد و تمام معلمین رشته مذکور به طور مشاهداتی آن را می بینند و می شنوند. بعداً معلمین همان مضمون و وظیفه دارند که قبلاً از طرف همین درس نمونوی که قبلاً از طرف نفر موظف تدریسات ثانوی در حضور ایشان داده شده است، دروس خود را عیار سازند و در مورد ارتباط درس نو و کهنه، طرح سولات برای درسی آینده و غیره معلومات ارائه بدارند. اهمیت این موضوع در قسمت ارائه اصول تدریس از طرف عضو تدریسات ثانوی در محضر معلمین و شاگردان در این است که: از یک طرف وقت شاگردان ضایع نمی شود و از طرف دیگر عضو تدریسات ثانوی می تواند وظیفه خویش را به پیش ببرد. به طور خلاصه میتوان گفت که در سال جاری همه دروسهای مکاتب به طور منظم و پلان شده به شاگردان ارائه میگردد. گروپ دوم اعضای تدریسات

کشور لا برای توار و جود نداشت که کارهای عملی شاگردان در آن صورت بگیرد و یا اگر و جود هم داشت بنا بر عللی استفاده شاگردان از آن صورت گرفته نمی توانست و اکنون چنین مشکلی در معارف کشور و جود ندارد و وزارت تعلیم و تربیه آن عده از لا برای توارهای مکاتب را که بدون وسایل ضروری بودند به کمک کشور های دوست با وسایل و لوازم ضروری مجهز نمود. است و عده دیگری را که وسایل کافی در دسترس داشتند ولی بنا بر عدم موجودیت پر سونل فنی و ورزشی از آن ها استفاده مطلوب صورت نمی گرفت به کمک مرکز سیمپاز لحاظ پر سونل فنی تجهیز نمود. است. بهمین قسم برای آنکه شاگردان مکاتب به دروس عملی خود علاقه و پای بندی خوب نشان بدهند وزارت تعلیم و تربیه تصمیم گرفته است که در هر مضمون یا رشته یا بنام کار عملی به سر جمع نمرات شاگردان در امتحان افزوده شود اجرای این امر مصله خوبی در تطبیق کارهای نظری و عملی شاگردان بوده می تواند و در قسمت اجرای کارهای عملی در لا برای توارها اعضای مرکز سیمپاز و مرکز تدریسات ثانوی عملاً با شاگردان و معلمین مکاتب سهم می گیرند.

در گذشته ها رسم بر این بود که اعضای تدریسات ثانوی فقط در روزهای امتحان بحیثیت نماینده ریاست تدریسات ثانوی از جریان امتحان مکاتب مرا قبت بعمل می آوردند ولی امسال در این قسمت تجویز علییده می صورت گرفته است.

بدین ترتیب که اعضای تدریسات ثانوی بدو قسمت تقسیم شده اند: گروپ اولی آن هایی اند که برای هر یک از آنها دو یا سه مکتب سپرده می شود، این گروپ همیشه برای تقویت معلمین مکاتب مربوط دروس نمونه می نمایند و از طریق ارائه آن در محضر شاگردان و معلمان میخوانند معلمان را بامتداد های جدید تدریسی آشنا بسازند به طور مثال: آن عضو ریاست تدریسات ثانوی که در رشته تاریخ وظیفه دارد درس نمونه را در همان مضمون تهیه نموده بعداً به مکتب مورد نظر می رود و در محضر همه

شماره ۲

انستیتوت اکمال تخصصی معلمان کشور تاسیس شد

توان هایی تشکیل بدهند و برای تشویق شاگردان در زمینه های مذکور با ایشان مصاحبه های صورت گرفته از طریق روزنامه ها، مجله ها و تلویزیون به نشر برسند.

از آن جاییکه والدین شاگردان در پیشبرد و بهتر شدن پروسه تعلیم و تربیه اولاد ایشان نقش بزرگی را دارا می باشند ما کوشش بعمل می آوریم تا والدین شاگردان را در پروسه تعلیم و تربیه سهم مستقیم بدهیم و زمینه تبادل افکار با پدران و اولیای شاگردان را هر چه بیشتر مساعد سازیم و حاضریم انتقادات و پیشنهادات آن ها را در زمینه بهتر شدن وضع تعلیمی اولاد شان بپذیریم و به فرزندان آنها چنان درسی بدهیم که مطابق به خواست خود آنها و جامعه ما باشد. علاوه بر آن ما به کمک مستقیم

ثانوی بنام گروپ نظارت از تطبیق پلان درسی یاد می شود و این هائیز مانند گروپ اول بر اساس تقسیم وظایف مکاتب رامیان خود تقسیم می نمایند و همه روزه به مکاتب مربوطه خویش می روند و پلان های کار آنها را مشاهده می نمایند و این گروپ وظیفه دارد تا از تطبیق پلانهای که قبلاً توسط گروپ پاولی به معلمین و مکاتب ارائه شده است نظارت و بررسی نمایند و برای خود معلوم نمایند که آیا معلمین از دروس نمونه پی که قبلاً در محضر ایشان داده شده است تا چه حد استفاده نموده اند. آیا استفاده کامل صورت پذیرفته است یا خیر؟ و از سوی دیگر در یافت نمایند که پلانی که قبلاً برای معلمین داده شده است تا چه حد تطبیق شده است؟ اگر نشده است علت آن چه بوده و علت عدم تطبیق آن در کدام سرحد میتواند رفع شود در سطح اداره

بوندر چوك اكتور دوست داشتني مايا بوندر چوك خوبتر ين رژیسور معاصر سینما . بوندر چوك خیلی سخت گیر ودقیق است چه تمثیل کند یا رژی نماید تمام قدرت خود را به آن معطوف میدارد مثل اینکه این آخرین کاروی باشد تیپ و کر-کتروی چنان است . هنگام بازی نقش تمام نیرو خود را به کار می اندازد و هیچگاه تابع اراده رژیسور نیست و برای کامل ساختن نقش از تجربه ها بیکه از زندگي آموخته استفاده میکند .

چند نقشی وی از نظر کر کتر و تیپ خیلی با هم نزدیک بودند اما با آنهم هر کدام شخصیت جداگانه از هر نگاه متفاوت با مهارت اکتور توانا عرضه شده و کار خلاق وی مورد تایید واقع گردیده است . قهرمان وی کسی نبوده که در زمان جنگ میزیستند و تمثیل زندگی آنها احساسات و عواطف آنها برای عسکر دیروزی که خودش شاهد بوده و آنها را خوب درک میکند طبیعی است .

قهرمان فلم از سر نو شت انسان شو کلو ف در میان خون و آتش و دوزخهای هیتلری خوبتر ين عواطف انسانی را حفظ مینماید و از دشمن نفرت دارد .

این قهرمان انسانهای عادی با سر نوشت های خیلی تراژیک است اما در حال انسان های دارای عواطف بزرگ انسانی اند . در بین قهرمانان وی گراف بیزا و خوف «جنگ و صلح» جنرال ((اتللو)) قرار دارند او هیچگاه رول منفی انسان های لاوبا لی را بازی نکرده است .

در فلم ((آنها به خاطر میهن شان جنگیدند)) بوندر چوك یکبار دیگر با قدرت تمام ظاهر شد . بوندر چوك اصلا عقیده دارد که اکتور شخصیت اصلی فلم است . در انستیتوت سینما تو گرافی هر آنچه از زندگی آموخته با تجربه های هنری خود در اختیار جوانان قرار میدهد .

کار کردن برای هنر مندان جوان با بوندر چوك خیلی دلچسپ است زیرا با وجود شهرت جهانی او خیلی مهربان بوده خود را و دیکتاتور نیست زمینه را برای جوانان مساعد میسازد تا آنها بتوانند بیا موزند و بیافرینند.

شهرت بین المللی کسب نمود . چار لی چاپلین اکتور ((فکید)) انگلستان فلم «سرنوشت انسان» را عالی ترین فلم خوانده بود لیرانس او لیف اکتور دیگر انگلیسی بعد از تماشا ی فلم «اتللو» نامه بروجد برای اجرا کننده نقش «اتللو»



سرگی بوندر چوك در فلم «سرنوشت انسان»

یعنی بوندر چوك فرستاد دو چنین او راستود با نی ر یسا لیزم جدید ایضالیا رو بیر تو روسسیلنی برای اجرای یکی از نقش های عمده فلم «نصب در روم شب بود» از بوندر چوك دعوت نمود . بوندر چوك فلم بزرگ تاریخی ((جنگ و صلح)) را ساخت و با موفقیت بی نظیر در پرده های بزرگ دنیا درخشید و برای وی اسکار به ارمغان آورد .

پردیسور ایطالی دینو دی لا-اورنیتس از بوندر چوك تقاضا کرد تا فلم «واتر لو» را رژی نماید . دوست داران هنر بوندر چوك در تمام قاره ها فراوانند اکثرا به مجله ((فلم شوروی)) نامه های زیاد میرسند که در آنها تذکر رفته

بدر سرگی بوندر چوك کارگر بود تا سن هفت سالگی در یک قریه اوکرایین زندگی مینمود . از طفولیت طبیعت را دوست داشت غروب و طلوع را در دشت دیده و سبزه ها را بو نموده بود آنچه روح او را در طفلی نوازش کرده برایش جاوید

گشته و به همین اساس بعد ها فلم عشقی ((دشت)) را ساخت . در استودیوی تیاتری شهر سیتوف درس خواند . در زمان جنگ با فاشیزم همراهی قشون تمام راه های شکست و پیروزی را گذشتاند مرگ را به چشم خود دید . زندگی را فهمید . آغاز کار سرگی بوندر چوك در سینما تو گرافی خیلی عالی شروع شد هنوز محصل بود که برای اجرای نقش اول دعوت شد . وی قبیل از اینکه تحصیل خود را تمام کند مدت ها قبل به شهرت رسیده بود . درسی و دوسالگی لقب آرتیست مردمی اتحاد شوروی را کما می نمود . اولین کار رژیسوری وی فلم «سرنوشت انسان» بود و برایش

ستارگان

افسانه

ساز

ترجمه از : وافی
سرگی بوندر چوك
رژیسور اکتور
و معلم



بوندر چوك در فلم «اتللو»

یلینا پرو کسلوا



یلینا پرو کسلوا در نقش ناتاشا-فلم ((باد را جستجو کن))

بوندر چوک شخصت سال دارد اما خستگی ناپذیر بکارش مصروف است.

دختر بوندر چوک ناتالی بوندر چوک راه پدر را گرفته و در چند فلم موفقانه بازی نموده است.

درین فلم ها حصه داشته: ((قشون جوان))، ((مماوانیا))، «پدر سرگی»، «اتللو»، «ترا سس شو یچینکو»، «جنگ و صلح»، آنها به خاطر میهن شان جنگیدند و یکی از



بوندر چوک در فلم ((جنگ و صلح))

بریت باردو

بریت باردو بعد از وداع از سینما شروع به نوشتن کتاب نمود.

و در بهار سال ۱۹۷۸ او لنین کتاب خود را به نشر سپرد. این کتاب ((نواوننا گوساله سفید)) نام داشت و برای اطفال نوشته شده بود.

کتاب دوم وی برای دفاع از سگها نشر شد. و درین اواخر کتاب سوم وی به ضد شکار از چاپ برآمده است.



فلم رنگه ((باد را جستجو کن)) که درین اواخر با موفقیت خیلی زیاد در سینما های کابل به نمایش گذاشته شد و از زیبا یی های خاص برخوردار بود.

این فلم از ساخته های استودیو سیوردلو فسکی شوروی میباشد. سناریو فلم از وقایع سال های قرن بیست است.

سناریست و کارگردان فلم ولادیمیر لیو بو مودروف و کمره مین آن ولادیمیر بوندار یوف است. رئیسور سناریست معلومات کافی در قسمت اسپها دارد زیرا

سائها قبل او در مسغیم رهنا یی کروپ کاسکاد ها بود. این فلم از زمان جنگهای داخلی و از قهرمان هاییکه به خاطر خوشبختی مردم به استقبال مرگ رفتند حکایت میکند. برای رئیسور انتخاب کسانی که وی به آنها ضرورت داشت خیلی دشوار بود. در این فلم ما می توانیم کار های مختلف را تماشا کنیم صحنه که بالای اسپها فیر میکنند و اسپها بالای آنده که فیر نمایند جمله ورمی شوند خیلی مهیج است. درین فلم کو نونوف، گری کودیف حصه داشته و یلینا پروکسلوا در نقش ناتا شاخیلی عالی بازی نموده.

زلمی خاخی

پسرلی او د هغه ذکر په پښتو شعر او شاعری کی

د وکال څلور فصله دی ، هر فصل ځان ته بیلځوند او کیف لری
په دی څلورو فصلو کی د چا منځی خو ښیری د چا او پی او بیا لازمی
چا ته ښه ښکاره کیږی . مگر په دغو څلورو فصلو کی کوم فصل چی هر
ساکښ یعنی دانسانانو ، حیواناتو ، شینلیو (نیا تات) الو تونکو خو -
ښیری هغه نو ښایسته پسرلی دی .

څرنګه چی د پسر لی مو سم دخو ښی او خوشحالی موسم دی هر
څوک خوښ وی او غواړی چی د پسر لی د زړه را ښکړو ونکی موسم
څخه د زیات نه زیات خوند واخلی نو لکه څرنګه چی دیوه لاس گو تی
سره یو شان نه دی همدارنګه په انسانانو کی هم تفاوت لیدل کیږی
چی دا تفاوت د ذهن ، دماغ ، شعور ، هیجان ، عاطفی او احساساتو له
مخې وی . نو همدغسی شاعر په انسانی ټولنه کی د زور درک او د
رنګین ذوق خاوند وی هره پښه او هر څه ته د زړه او د دماغ په سترګو
څیر کیږی نو ځکه شاعر نسبت نور و انسانانو نه پسر لی ته ډیر ښه
هر کلی وایی .

شا عران ځکه پسر لی ته ډیره خو شحالی څر گندوی چی په دی
فصل کی د طبیعت او کایناتو لپاره یوه نوی او ښایسته کوونکی دوره
را غلی وی په دی فصل کی له سپیرو میرو ، غرو ، جلګو او د بیغلو
خوانانو په اور بلو او پکړیو کی او ښایسته ګلو نه لیدل کیږی
او له هره ځایه د خو شیبو یی خوږی وږمی پورته کیږی .
د پسر لی به صفت کی که هر څومره و لیکو نه خلا صیږی ځکه
چی د پسر لی صفتو نه او انعامونه ډیر دی .

دا د وینلی وا قعیت دی چی شعر او شاعری به هره ژبه کی شته
او دهری ژبی لیکوالو او شا عرانو په خپلو اشعارو کی پسر لی ستایلی
دی خو پښتو شاعرانو پسر لی ته ډیر ښه او اوچت مقام ور کړی دی
او هغه یی ډیر ښه ستایلی دی .

لومړی به پسر لی د پښتو په کلاسیک ادب کی وڅیړو وروسته
به یی به معاصر شاعری کی وګورو بیا به یی به ولسی شعر او
شاعری کی و څیړو .

دو لسی شاعری نه مو غرض دادی چی په لنډیو ، بکتیو ، نیمکیو ،
چا ر بیشو ، او د ا تسنه سرو کو کی به یی و څیړو چی
ګران لوستو نکی د ښه نه ښه خوند ترینه واخلی .
ښکارندوی چی د غور یا نوددوری شاعر وه د پسر لی په باب
کی یو لویه قصیده لری او د پسر لی یا دونه داسی کوی :-
د پسر لی ښکلو ونکی بیا کړه سینګارو نه

بیا یی ولونل به غرونو کی لا لو نه
ځمکه شنه لا ښونه شنه لمنی شنی شوی
طیلسان زمر دی و اغو سته غرو نه
دنيسان مشا طی لاس دمچید دی
مر غلرو باندي و ښکلل ښو نه

د غټو لو جنډی خاندی وریدی ته

زر غو توبڼو کی نا خی ز لمی جو نه

لکه ناوی چی سوږ تیک په تندی وکا

هسی وگا ڼل غټو لو سره پسرلو نه

مر غلری چی او ره و خو نولیه

په خلایي سوه را ښه خیاره د پښتونه

زر غو نو ځمکو کی ځل کا لکه سوریه

چی پر هسک با ندی څلیری سپین ګلونه

زرغو ن ز مینه اوری د پسر لی به باره کی ښه اشعار لری یو خو

پښتونه یی دادی:

پسر لی شو غنجه گل کا زلفی تاوی د سنبل کا

بلبلان شور و فغان کا کړیدن په گلستان کا

زاهد و زی صومعې څخه شراب پیری میخانی څخه

هر سړی به میو مست دی دی بهار کی گلپرست دی

خوشحال خټک د خپلی لو یی شاعری نه یی پسر لی هم له یاده
نه دی ایستلی ، خو شحالخان په دی عقیده دی چی هر شی او هر څه
دخپل یار او معشوقی سره ګډ او یو ځای ښه خوند کوی لکه چی
وایی :

د بهار د ګلو نو صفت خو کسرم ولی یی یاره هر گل د زهر و جام دی

او بیا د پسر لی هر کلی داسی کوی :

ښه چی را بیدار شوی د بهار زیر په ګله

تل یادونه عند لیب به هر نفس کړی .

عبدالرحمن بابا چی داشعار و سره یی هر پښتون آشنا دی .

د پسر لی به باره کی وایی :

بلبلان بسی ناری وهی رحمانه د بهار ګلونه شوی دی که نه دی؟

محمد هوتک بن داؤد د پتی خزانی مؤلف د پسر لی به باره کی

داسی وایی:

بی له میو د بهار ننداره څه کړم

پسر لی شو دخو ښی یو پیغام را

دنیا پا ته ده ښا دی مویو ګړی وی

یو ګړی می خوښ که می ګړی انعام را

داوه د پښتو دکلاسیک پر خسی دیو خو شا عرانو شعرو نه د پسر لی

په باره کی اوس به وګورو معاصر شاعران د پسر لی به باره څه عقیده

او نظر لری .

عزیز الرحمن ممتون د پسر لی په راتک ډیره خو شحالی څر گند

لکه د بڅمل شنه شوه او دا جهان بیر ته ځوان ښکاری دا اغیزه د
پسرلی یو لی :

ځمکه تما مه شنه بڅملی ده نوي بها ردی د کال خوانی ده
دا ټول جهان چی بیرته ځوان شی اغیزه ټولو له د پسرلی ده
او په بل ځای کی وایی :

پسر لی کی که دگلو ننداری کړی هیروی مه دا د بلبلو زیار تو نه
ار واح ښاد استاذ قیام الدین خادم دپسر لی په هکله داسی
وایی :

ننداری ور ته سجده کا محوه کیږی له حیر ته
ښتونخواوای سینگار شوه د بهار له برکته

دا وادی ، هو غه دره ده دغه رودهوی آبشار دی
دلته ښار هلته بازار دی منظر ی دی بیش قیمته
او په بل ځای کی وایی :

توری ، توری ، سپینی سپینی ، غورسکی غور سکی وریشی وینم
مرغلری څا څی او ری له آسمان څنی رانښکته

شنی بڅملی راڅ پری شوی دو طن په څرو د ښتو
چمندو نه هر خوا جوړ شول دما لی له محنته

په راتک دی تازه کی شوه کاینا ت دی کړه بیداره
ته په خیر راغلی بهاره ، ته په خیر راغلی بهاره

اوس به وگورو چی پسر لی زمونږ په ولسی ادب کی څر نگه
ستایل شوی دی . دو لسی ادب نه زمونږ مطلب لنډی ، بگتی ، چار بیتي ،

غزلی ، نیمکی ، سرو کی دی چی دهر یوه نمونه به ولیکو :
پاتی په ۵۰ مخکی

وی ا وددی دپاره چی پسر لی ته پی ښه هر کلی و یلی وی غوټی ته وایی
چی دپسر لی وږ مو ته په خندا شه او توری تیاری ته وایی چی دتحول
دیوو ته وځانده او وایی :

ای خو ږی غوټی د پسر لی وږ مو ته وځانده
ای خو ږی اسری دنوی کال نغو ته و ځانده

ای توری تیاری د تحول دیوو ته وځانده
زر شه هله زر شه دا څلی آرزو ته وځانده

پو هنوال ډاکتر مجاور احمد زیار پسر لی ته داسی خپله
خو شحالی څرگندوی او وایی :

چی نسیم د پسر لی بیبا د غو ټیو ز ږو نه سپر ی
سم و غر د ځمکی وا ږ ه سره لا له گلونه سپر ی

نصر الله حافظ پس له دی نه چی په خپلی خواو شا کی پی دپسر -
د شپو ور څو له نشاط او علا مو نه معلو میری

دروښانه لمر دخپکو پلو شونه معلو میری ی
دسیندو نو له څپو او ږو بکو نه معلو میری

دسبا دخوږ نسیم له چلیدو نه معلو میری ی
دشپو نکيو د شپیلو د نغو نه معلو میری

دزلمیو دمستیو اتیو نه معلو میری ی
د ښادی قا صد پی وخته گر خیدلی لی په لی دی

چی راغلی سرلی دی چی را غلی پسر لی دی
ار واح ښاد استاذ گل پاچا الفت په دی عقیده دی چی دا ځمکه



نانهایی



از هفت اقلیم

تنظیم و ترجمه از: میر حسام الدین برومند

راکت‌های اتومی امریکا تهدید بزرگی برای صلح جهانی

بیش از بیست و پنج فیصد دانش‌مندان و انجیران در همجو کشورها در صف دامن زدن گان جنگ قرار دارند. حالانکه باخلع سلاح کامل سیصد میلیارد دلار در اختیار بشر قرار میگیرد و با این پول میشود به طور مثال برای کشورهای روبه انکشاف یک بخش بزرگ زندگانی شانرا تامین نمود و در مرفوع ساختن بسیاری از پروبلم‌ها و نیازمندی‌های بشر نایل آمد. بر سبیل مثال تدابیر محافظت بین‌المللی جهانی، توسعه پروژه‌های مواد کیمیای بگونه‌ی که برای زحمتکشانی که در فابریکه‌ها کار میکنند هوای داخل فابریکه شفاف و تصفیه شده باشد. ... در کشورهای عقبمانده که نفوذ قدرت‌های سرمایه‌داری بر آنان مسلط میباشد هرگز کاهش وقت کارگران و بلند بردن مزد آنان مطرح بحث نبوده، بر خلاف همه



در شهر مونیخ آلمان فدرال مردم هم صدا با هم میگویند ما راکت‌های اتومی را در کشور خویش نمیخواهیم.

بمنفع نیروهای صلحدوست و ترقی‌پسند تغییر پیدا بد، سترا تیزی اضلاع متحده امریکا پیوسته چنان بوده که مسابقات تسلیحاتی را گسترش بخشد. فعالیت‌های مغرضانه امریکا خاصیت نقطه‌اتكاء دیکو کارسیا، ارسال یک تروپ مداخله‌گر در اوقیانوس هند، سوگند علیه دولت انقلابی افغانستان و ارسال اسلحه در پاکستان، همه و همه از تضادهای مستقیمی است که باعث تابسانمانی‌ها گردیده و مغایر خواست هلسنکی است. در پلان‌های کشورهای شامله‌نا تو، اشکال راکت‌های جدید اتومی نیز

مساعی در جهت مخالف منافع کارگران بوده است. تاکید برای خلع سلاح عام و تام و پیروی از تصامیم هلسنکی، جدیت برای قدغن اسلحه‌های اتومی، بیطرفی و پایان بخشیدن مسابقات تسلیحاتی از مسایلی است که همه وقت ملل مترقی بدان ارج گذاشته و برای تحقق آن بذل مساعی نموده است.

در زمینه شعار همیشگی ملل مترقی همواره این بوده است: ما علیه همه نیروهای اعتراض می‌نماییم که با همه ذرایع میکوشند حقوق ملل را پایمال، بر بریت بردگی، بیسوادی، فقر و بیچارگی

کشورهای کاپیتالیستی یک اندوه و محرومیت بزرگ را به بار آورده است که بر سبیل مثال جنبش‌های معدنچیان در کشورهای غربی خود موبد این امر است. کاهش مزدکارگران معدن یکی دیگر از نمونه‌های حق تلفی کارگران در جوامع کاپیتالیستی است چه پولیکه از این راه تدارک و صرفه‌جویی میگردد مخارج تجهیزات بيمورد نظامی غربی از همین راه فراهم میگردد. به طور مثال: یک وسیله زره‌پوش (لیوپارد) بیست و دو (چنان قیمت گزاف دارد که با آن میشود برای (سی و شش) فامیل منازل سه اتاقه اعمار گردد. بجای یک قایق تحت‌آب‌سبحری موسوم به (تریانت) میتوان (دو صد و چهل) شفاخانه به قیمت سی و پنج میلیون کرون دنمارکی ساخت و یا هم برای شانزده میلیون طفل مصارف یکساله تحصیل را پرداخت. جای بس نگرا نی‌است که تخنیک و دانش در کشورهای کاپیتالیستی برای اهداف مخربانه استخدام گردیده است و در ست‌در جهت مخالف به عوض توسعه و مفاد بشریت، هفتاد و پنج میلیون نفر در خدمت نیروهای جنگی قرار دارند و یا به عبارت دیگر فابریکه‌های تجهیزات اسلحه‌های اتومی مصروف کار اند و مستقیماً در خدمت جنگ قرار داده شده‌اند. بدین حساب

بشریت مترقی خود را ناگزیر میداند و پیوسته جدیت به خرج می‌دهد تا علیه نیروهای جنگ طلب که هر آن جنگ سرد را دامن می‌زنند، برزمد تاباشد که با اختتام بخشیدن مسابقات تسلیحاتی صلح پایدار برقرار گردد. معذالک به طور مستدام از نیروهای صلح طلب حمایت به عمل آمده است. هزینه نظامی جهان سرمایه‌داری امروز به (۴۵۰) میلیارد دلار بالغ میگردد مگر چرا چنین سرمایه‌هنگفتی وقف تولید اسلحه گردد نشرات مطبوعه، رادیو، تلو یزیون و تمامی وسایط ارتباط جمعی و رسانه‌های گروهی جهان کاپیتالیستی با اشکال گوناگون نود الی صد فیصد ایدیو-لوزی مسموم کننده و زهر آگین را بخش می‌کنند و بدینتر تیب خود بخود پروگرام تولید تجهیزات نظامی روز تاروز گسترش بیشتر می‌یابد که چنین نشرات همواره با پرو پا کند ها و دروغ‌های شاخدار که بیشتر منافع کشور های کاپیتالیستی را دربر می‌گیرد، توام میباشد. این انتی سوسیالیست هاند که علیه ترقی‌پسندان قرار گرفته‌اند. سیاستمداران، ژورنالیستان، نویسندگان یک مسوولیت بزرگ را متقبل گردیده‌اند از آنان دعوت شده تا طبل جنگ را بصدا بیاورند. مسابقات تسلیحاتی به طور روز افزون برای زحمتکشانی

روی همین اطمینان است که حتی از دور ترین نقاط جهان مر یضان را برای تداوی در ین جنگل دور افتاده ، گسیل میدارند . اکثر ا این شفا خانه در خدمت آنا نی قرار دارد که سراسر عمر شانرا وقف خدمت به مردم نموده اند و در اثر حملات و فیر های دشمن معیوب گردیده و بدن شان صدمه دیده است . در واقع این شفا خانه بیشتر در خدمت آنا نی قرار دارد که با چنین سرنوشتی رو برو میگردند . در اثر تلاش های مداوم متخصصین و کار مندان طبی شفاخانه مذکور است که در آن ناحیه تویر کلو ز یکسره

در ((جنگل دوبن)) از ویتنام ، کمپوچیا ، لاوس ، بنگله دیش ، موزمبیق ، زیمبابو ی ، افغانستان و نیکاراگوا برای معالجه آورده می شوند . به علاوه در کلینیک های ها- نیر نبر ک برلین ، هالسی ، گرایسفالده و سایر نقاط عمده صنعت درمانی آلمان دمو کراتیک از سیستم درمانی که (شفاخانه جنگل) مروج و معمولست ، استفاده می گردد . در ((شفا خانه جنگلی)) بفرنج ترین عملیات ها انجا می پذیرد و آنهم چه پیروز مندا نه . در حال حاضر در مرکز درمانی متذکره دوازده مریض از افغانستان



چند تن از مریضان را از کشورهای زیمبابو ی ، موزمبیق ، لاوس و کمپوچیا در یکی از گوشه های شفا خانه جنگلی ، مشا هده مینه ا یید

شامل است که این خود در نیات بشر دوستانه ملل مرقی خد شه وارد می آورد . در جنبش صلحخوا می فرانسه در ماه مارچ گذشته مجموعا (۲۰۰۰۰) نفر در لستی امضاء کردند که علیه راکت های (ناتو) تر تیب کردند .

تاسیس مکتب شبانی در ویتن

اینک بد ین تازگی ها یک مرکز جدید به منظور تربیه و پرورش گوسفندان در جمهوری دموکراتیک آلمان در حوزه موسوم به ((هالی)) رویکار آمده است . در واقع این مرکز جدید حیثیت مرکزی رادارد که در بر گیرنده تما می فعالیت های حرفوی در امور تربیه حیوانی میباشد . از نگاه فعالیت های جدید این مرکز ، فعالیت یک چوپان به مراتب بیشتر رویایی ورو ما- نیک میباشد تا مشاغل دیگر . در ین حوزه عده کثیری از چوپانان به منظور فرا هم آوری معلومات در شغل چوپانی گرد آمده اند چه تربیه مواشی خوب بیشتر متضمن آنست که شبانان ما هر عرض وجود نمایند . شبانان در ین مرکز با اسلوب تربیه مواشی را به طرق جدید آن آشنا می حاصل خواهند نمود . البته در ینجامربون مجرب با خستگی نا پذیر ی تمام

شفاخانه جنگلی در خدمت

زحمه کشان ملل مرقی

نابود گردیده است . جالبتر از همه در (شفاخانه جنگلی) یک حمام نیز ساخته شده که بنام (حمام کلینیک دوبیز) مسماست که مخصوص مریضی های جلدی و همچنان جگر و شش بوده و مریضان در اثر عرق کردن درمان میشوند . دکتر ((دیتر یونگ میشل)) دکتور طب شفاخانه مذکره که در ضمن بحیث متخصص اور تو پیدی سراسر آلمان دموکراتیک ایفای وظیفه مینماید . وی توانسته با یک پیاله داروی مایع که تازه مواد دارویی مذکور را کشف کرده ، به خوبی مریضان تداوی میگردند . مسشد زیاد در خور توجه آنست که از مالک آسیا ، آفریقا و امریکا ی لاتین مریضان بیشمار ی را در ینجا برای علاج می آورند .

لبنان ، ایتوپی ، مالی ، سودان و گینا بیساو در ین جنگل تحت معالجه قرار دارند . یکتن از نظامیان ایتوپی موسوم به ((دانیف سایفو)) که در اثر جراحت یک فیر چشم چپش را از دست داده و بازوی چپش نیز تايك قسمت شانه اش فلج گردیده بود . در ین شفاخانه در اثر شمعاع و ماساژ و همچنان یک پروگرام ((تمرین حرکات اعضا)) مذکور به سادگی درمان گردید . مجروح خودش مدعی است که بزودی و بدون تحمل و مشقت چنان درمان گردید که به مشکل میشود باور کرد که مجروحی بدین سادگی درمان گردد . محمد شریف یکتن از دهاقین افغانی که در اثر حملات یکی از باند بقیه در صفحه ۴۳

((شفاخانه جنگلی)) برای مبتلایان به مریضی های گوناگون ماحول ((دوبیز)) که یک محل آشنا و مطلوب بست . این محل به فاصله نه چندان دور از شهر در منطقه ((هالی)) که خود یکی از مراکز مشهور صنعتی میباشد ، واقع نشده است .

به عوض بوی دارو هاییکه د کلینیک ها معمولا به مشام میرسد در شفاخانه مدرن (شفاخانه جنگلی) عطر دلپذیر علفزار ها و چمن ها و گلها ، مشام انسا ترا نوازش می دهد . اطراف شفاخانه مذکره تا فاصله بیست متری آن بادر ختان

((سید الی))

زنان کشور با سلاح علم و دانش مجهز می گردند

زنان حماسه ساز افغان دارای همه صفات و طین دو ستی - شجاعت - شهنمت - دلیری - رزمندگی و حماسه آفرینی بوده - آنها در عمل پیاده کرده با الخاصه در مواضعی که استقلال و تمامیت ارضی کشور از طرف دشمن بکدام خطر مواجه گردیده دو ش بدوش پدران - برادران و فرزندان خود رزمیده و تا آخرین رمق زندگی و تالق و قمع کلی دشمن، علم مبارزه را بر افراشته نگاه داشته اند .

زنان افغان در انجام وظیفه مقدس و سنگین مادری که بعهده آنها میباشند در تعلیم و تربیه اولاد خود هر نوع تکلیف و زحمت را متحمل شده تلاش میورزند تا فرزندان لایق و طنیر ست و مردم دوست بجا معه تقدیم کنند بسایقه این احساس عالی و شهادت صفحات تاریخ زنان افغان دهها فرزندان، حکیم، دانشمند، نابغه، حماسه آفرین و تاریخ ساز را در آغوش خود پرورش داده بوطن و مردم خود تقدیم نموده اند که هر یکی آنها آثار ارز شمنی از خود برای ما باقی گذاشته اند علاوه از آن که به علم، فرهنگ، ادبیات و کلتور کشور ما غنای خاص بخشیده اند مایه سر بلندی وطن ما و تاریخ کشور مانیز میباشند.

زنان افغان علاوه از نظم و ترتیب منزل، بخت و پز و غیره در کارهای دیگر مانند زراعت - مالداری، دهقانی، کار در دستگاههای بزرگ صنعتی و به کار انداختن ماشینهای غول پیکر با مردان خود داری نکرده دو ش بدوش آنها کار کرده اند و جز اینکه هر کار و وظیفه که بزنان

افغان از امور اداری تا کارهای علمی و فرهنگی محول گردیده آنها صادقانه و بنوع شایسته انجام داده اند .

زن افغان از تمام سجاویتی عالی انسانی، اخلاق حمیده - تهذیب - رحم و شفقت برخوردار بوده استعداد هر نوع خلاقیست،

ابداع، ایجاد - ابتکار و هنر آفرینی بر آنها موجود است مثال با رزان قالینهای زیبا - نفیس - مستحکم و بادوام کشور ماست که شهرت

جهانی دارد اکثر آنها محصول زحمت، ذوق عالی و هنر آفرین زنان افغان است و لسی به کمال تأسف باید یاد آور شد

با وجود این استعداد شگرف و عالی که در زنان کشور ما موجود است مگر طی قرون و اعصار و در رژیمهای منسوخ گذشته در جهت انکشاف و شکوفایی هنر و استعداد شان توجه بعمل نیامده این طبقه زحمتکش هیچ وقت بخاطر مقام انسانی شان قدر نشده بلکه بخاطر استعداد و هنر شان بحیث یک متاع مادی و ماشین تولیدی استفاده

گردیده از محصول کار، زحمت و عرق ریزی شان که روزها را به شب و شبها را در زیر چراغهای تیلی در عقب کارگاهها سحر می نمودند از آنها طبقات حاکمه فاسد اربابان، ملاکین، سرمایه داران فیودالان کمپرا دوران و دلالان پول پرست استفاده کرده و به سرمایه های خود افزودند .

دولت های خائنین و ارتجاعی گذشته این دشمنان اشتی ناپذیر مردم و ترقی کشور ما با این عمل خصمانه و ضد انسانی خود سبب بزرگی را در برابر این عناصر

دینامیک - فعال - زحمتکش و با استعداد و طین ما که اضافه از نصف نفوس را تشکیل میدهند بوجود می آورند و کشور باستانی و تاریخی ما را صد سال از کاروان ترقی علم و تمدنیت عقب انداخته - استعداد های خلاق ملیون ها زن افغان را ضایع و رایگان به باد فنا دادند این جرم عظیم آنها را مردم و تاریخ وطن ما فراموش نکرده آنها را هرگز نخواهد بخشید .

زنان با احساس و وطنپرست افغان با درک این شرایط و احوال و شناختی که از دولت های بی مسئولیت ضد مردمی آنوقت افغانستان داشتند فقط اندکی بعد از تاسیس حزب دموکراتیک خلق افغانستان و آغاز فعالیت انحرزب در جهت سقوط رژیم های میراثی فئودالی و ما قبل فئودالی که از سالهای متعددی در کشور ما مستقر بود به مبارزه آغاز نمودند و تحت رهبری و رهبری دایمانه و زحمات خستگی ناپذیر و متداوم دکتر انا هیتاراتب زادن این زن با شهامت، فداکار و مبارز افغان بعد از جلب و جذب یک تعداد زنان و دختران منور و وطنپرست کشور در سازمان دموکراتیک زنان افغانستان در چوکات حزب دموکراتیک خلق افغانستان به فعالیت خود آغاز کردند در تمام شرایط سخت دشوار، ترور و اختناق دوره سیاه سلطنتی چه بشکل علنی و چه به صورت مخفی بدون کوچکترین خوف و هراس به مبارزه برحق و عادلانه خویش تا پیر و زری انقلاب ثور به کمال شجاعت و با یمردی ادامه دادند بعد از یک مدت که انقلاب ثور به اورد سیسه و تو طئه دشمنان داخلی و خارجی

و ارتجاع منطقه و بین المللی به سرمداری امپریالیزم امریکایی جها نخواستار علی الر غم اهداف حزب دموکراتیک خلق افغانستان و آرزوی تمام مردم عذاب دیده افغانستان از مسیر اساسی آن به بیراه کشانده شد امریکایی جها نخواستار جاسوس مشهور و سر سپرده و اجنت خود حفیظ الله امین این خائین بوطن و مردم را در افغانستان به مسند قدرت رسانند

این مستبد خون آشام بی نظیر تاریخ و با ندر ترور یستی او مطابق هدایت اربابان امریکایی شان به کشت و کشتار سایر مردم بیگناه ما شروع کردند تمام اعضای اصلی حزب دموکراتیک خلق افغانستان را به شمول اعضای سازمان دموکراتیک زنان افغان -

نستان تحت آزار، شکنجه، ترور قرار داده و روانه زندانها و کشتارگاهها کردند انعدده اعضای حزب دموکراتیک خلق افغان - نستان و اعضای سازمان دموکراتیک زنان افغانستان که از سا طور جلا دی و آدمکشی امین و باند ترور یستی او جان بسلامت بردند در جهت سقوط و از بین بردن رژیم خون آشام امین و باند ترور یستی او دست از مبارزه نکشیدند تا اینکه شش جدی سال ۱۳۵۸ م حله تکاملی شکوهمند انقلاب ثور به پیروزی رسید و مردم و انقلاب را از بیراهه نجات بخشید در جمله ای صدها پرابلم که از دولت های ارتجاعی سابق برای دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان بمیراث باقی مانده از آن جمله یکی مساله آزادی های انسانی و حماسه جانی از حقوق زنان کشور بود که مبرم تران مساله بیسوادی زنان است که تقریباً نبود و هشت فیصد آن از نعمت نوشت و خوان محروم اند بنا بر این از سازمان دموکراتیک زنان افغانستان که سالها در راه احقاق حقوق زنان کشور مبارزه بی امان نموده و در روشن ساختن افکار و افکار زنان و طین کوشش و تلاش زیاد کرده توقع میرود که مطابق اهداف عالی دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان مساعدت های مادی و معنوی دولت توجه خاصی وزارت تعلیم و تربیه در ساحه

خدمات خود را در امر مبارزه بابتی
سوادنی و با سواد ساختن تمام
زنان کشور با تدوین کورسهای
سوادآموزی در سرتا سر کشور
همچنان در روشن ساختن اذهان
زنان وطن مبارزه بر علیه تمام خرافات
پسندی ها کهنه گرانی هایکه معنای
مادتا به نقص خود زنان مردم و کشور
کشور ما است ذریعه تدوین کورسها
هادر تمام نقاط کشور گسترش داده در
روشن ساختن مشعل فر و زنان
علم و دانش ساعی و کوشا باشند تا
تمام زنان کشور ما با سلاح علم
دانش مجهز گردید.

مجموعه

بررسی مختصر از وضع زنان در کشور و وظایف آنان در این مرحله از تاریخ

بررسی و تحلیل تاریخ زن در
زنان کشورمان در گذشته نشان
میدهد که مشکلات خیلی مغلق
و طاقت فرسایی در برابر زنان
ستمکش و بلا کشیده ما قرار داشته
است که این امر ناشی از موجودیت
دیت نظام های فئودالی، ماقبل
فئودالی و بودگی بوده است.
کندی آهنگ رشد اقتصاد و
عدم استفاده صحیح از منابع
طبیعی و انسانی تا لیرات سوء
خود را با لخصه بالای زندگی
و کار زنان کشور ما با قس
گذاشته است.

و کار در منزل صبح ها را به
شام میرساند.

دست های استخوانی و زحمتکش
آنها بازتاب کار پر مشقت و دشوار
روزانه آنهاست.

زندگی آنها بارنج و محنت
شروع میشود و سرانجام این
زنان مظلوم و بلا دیده که در
جستجوی يك لقمه نان بخور و نمیر
اند، و حشیا نه است شمار میشوند.

زنان کوچی، زنان کارگر و گداها، طفل به
آغوش سرکویه ها و پس کوچه

ها موجودات سرگردان و در
بدری هستند که زندگی اندوهناک
آنها قلب هر انسان با احساسی
را میشکافد.

این واقعیت تلخ و غم انگیز
زندگی زنان و کودکان و وطن

را از پس کویه ها، مغاره ها،
گراچ های نمناک و دیگر بیشه

های محقر که از يك گو شهبه
گوشه دیگر پرتاب میشوند،
باید درك کرد.

توده های وسیع از زنان افغان

نستان را زنان خانه دار تشکیل
میدهند، نا بسامانی، کمبود در
آمد ها و رنج بیکاری شوهران، عدم

موجودیت سر پناه، داکتر، شفا
خانه و ده ها مساله دیگر حیات،

فکر زن خانه دار را بخود مشغول
داشته است و مهتر از آن خود

به عنوان يك فرد جامعه با ردوش
فامیل و شوهر خویش بوده و از

هر نوع حقوق و امتیاز انسانی
محروم بوده اند حوادث ناگوار و

د لخرایش مانند خود کشی ها،
طلاق ها و گذاشتن اطفال گرسنه

و بی سرپرست از جمله نکاتی
است که شرایط نا مساعد برای

آنان به از مغان میاورد.

دختران خانواده های زحمتکش
ما از طفولیت با بیای ما در از

یکسو در مزارع، در دستگاه های
قالین بافی، پشم ریشی، نم

بافی، مز دوری و از سوی دیگر در
حفظ و نگهداری برادر و خواهر

کوچکترشان مشغول اند. صبح
ها را با این زندگی پر مشقت به

شب میرسانند، و همچنان برای کودکان
معصوم و بیگناهی که سازندگان

بنای نوین جامعه اند، هیچ
وسیله رفاه و تفریح حداقل
مراقت و حفظ الصحة وجود ندارد.

در بین خانواده ها مروج بوده و عقاید
مات صلا حیتدار و قوت ساده لو -

خانه انتظار داشتند که کودک
برو رده این چنین شرایط مردمان

در سنت کار، پاک نفس و با
اخلاق و عضو مفید جامعه بار آیند.

قابل یادآوری است که هیچگاهی
رژیم های فرتوت و ارتجاعی

وقت گامی در مورد محو نا بودی
این همه دشواری ها و نا بسامانی

ها و بخاطر بهبود زندگی زنان
زحمتکش افغان نستان که در پنجه

های خشن استبداد قرون وسطایی
قرار داشته، گامی نبرداشته اند

برعکس آنها درصدد بهره برداری
از وجود این معصومان و بگفته خود

شان این نازک بیکران بوده اند.
آری کسانیکه به فرسوده شدن

زنان در اثر کار یکنواخت، خرد
کننده و بی حاصل منزل، به

تحلیل رفتن و تلف شدن قدرت
آنها، به کشیده شدن آنها به

تنک نظری و انجماد فکری، به
ضعیف شدن اراده شان با بی

تفاوتی نگاه کرده با نرضایت
میدهند مرتکب خطای نا بخشودنی

گردیده اند زیرا این زنان یعنی
مادران اند که جوانان آینده

کشور ما را پرورش میدهند و از
جانبی هم هیچ جنبش بزرگ

ستمدیدگان در تاریخ بشر بدون
شرکت زنان زحمتکش قادر

نبوده است، گامی به پیش بردارد
این توده های مردم است که امر

ساختن جامعه نوین را در دست
میگیرند و لی جلب توده ها بدون

زنان ناممکن است.

قابل یادآور است که علی -
الرغم دشواری ها و نا بسامانی

ها با آنها زنان پیشتا و قهرمان
وجود داشته اند، که ندای آزادی

زنان را بلند کرده و در این پروسه
گام های ارز شمند و پراهمیتی

برداشته اند که با تذکر در این
مورد از عصرمانی که تقریباً

در خشنده ترین صفحه تاریخ
کشور ما ست یادآور میشودیم.

ناتمام

سرسبز کشور است



مرگ نابغه هنگام صدیق زرگر یک ضایعه بزرگ در حلقه های ورزش کشور است

نوشته از عبد الکریم پوپل

برای ازدیاد افتخارات ورزشی کشور
ومردمش مدال های طلا بکف آورد
وامتیازات بیشماری را نصیب
گردید .

مرحوم غلام صدیق زرگر پسر
غلام دستگیر شیدا زرگر در سال
۱۳۳۴ در شهر کابل پا به عرصه
وجود گذاشت او بیست و پنج بهار

زندگی را در اوج شهرت و محبوبیت
در بین اعضای خانواده و مردم خود
بشت سر گذاشت .
غلام صدیق زرگر تحصیلات ابتدایی

شام روز دو شنبه ۱۸ حوت ۱۳۵۹
با تأسف و تأثر اطلاع گرفتیم که
یکی از قهرمانان افتخار آفرین
پهلوانی کشور غلام صدیق زرگر
داعی اجل رالیک گفت.

(انالله وانا الیه راجعون)

در تاریخ معاصر کشور در یکنیم
دهه اخیر کمتر کسی خواهد بود که
بانام صدیق زرگر این قهرمان حماسه
آفرین ورزش پهلوانی کشور ما
آشنایی نداشته باشند. در درازنای
یکنیم دهه نام صدیق زرگر در همه
محافل ورزشی کشور و جهان نام
آشنا و قابل وصف و احترام بوده
است. او که اکنون در میان مان نیست
اما خاطرات نیک و فراموش ناشدنی
او با ما زنده و جاوید است. و هیچگاه
افتخارات و قهرمانی هایش از خاطره
فراموش نمی شود. وقتی تاریخ
رویداد های ورزشی را در طول
سالیان آخر از نظر می گذار نیم
وقتی گرد همایی های المپیک را در
نظر مجسم میسازیم و وقتی مسافرت
های حسن نیت گروپ های ورزشی
کشور را به ممالک دوست مرور
میکنیم صدیق در هر حال به یاد میاید.
او پیوسته بر حریفان پیروز بود او



پهلوان صدیق زرگر در اکثر مسابقاتی که اشتراک نموده مقام قهرمانی را نصیب گردیده است.

در آن مسابقات در وزن ۶۲ کیلوگرام قهرمان شناخته شد. در مسابقات بین المللی پهلوانی که در سرطان سال ۱۳۵۵ در کابل دایر گردید و در آن مسابقات ورزیده ترین کشتی گیران کشور های اتحاد شوروی - ایران - پاکستان - عراق شرکت داشتند به گرفتن مدال نقره موفق شد. بتاريخ ۳۰ عقرب سال ۱۳۵۵ تیم افغانی در مسابقات بین المللی جام محمدعلی جناح منعقد شده پاکستان اشتراك نمود که صدیق زرگر در وزن ۶۲ کیلوگرام عضویت هیات راداشت و در آن مسابقات کشور های افغان - نستان، ترکیه، جاپان، عراق، اندونیزیا، لیبیا و پاکستان شرکت ورزیده بودند و صدیق زرگر در وزن ۶۲ کیلوگرام قهرمان شد اولین مدال طلائی خود را بدست آورد به دنبال آن در مسابقات بین المللی تهران با سایر کشتی گیران افغانی اشتراك نمود که دست آورد این کشتی گیر تیم افغانی اینبار مدال برونز آن مسابقات بود. او هر قدر که مسابقات رابشت سر می گذاشت به همان اندازه افتخارات زیاد را به مردم و میهنش کمایی میکرد.

مرحوم زرگر در دومین باریکه در مسابقات بین المللی بغداد شرکت نمود با مهارت و خارق العادگی آن مسابقات را پیروز مندانه پایان داد و مدال طلائی را با سایر دست آوردهای دیگر کشتی گیران افغانی به کابل آوردند.

در دومین مسابقات بین المللی جشن ۱۳۵۵ کشور ما در کابل که در آن مسابقات کشتی گیران کشور های اتحاد شوروی - ایران - پاکستان - لیبیا، کوریا، جاپان شرکت داشتند به گرفتن مدال برونز این مسابقات موفق شد.

مرحوم زرگر چهره در خشان و افتخار آفرین ورزش پهلوانی کشور در سرطان ۱۳۵۷ در مسابقات بین المللی جام علی علیاف اتحاد شوروی اشتراك نمود که در آن مسابقات کشتی گیران افغانستان - اتحاد شوروی - بلغاریا، چکوسلواکیا، آلمان، دموکراتیک، پولند، رومانیه و فنلند شرکت داشتند درین رویداد تاریخی صدیق زرگر با مهارت (شایستگی) از مقام قهرمانی خود دفاع نمود. بقیه در صفحه ۴۰



زرگر در طول حیاتش ده ها بار مدالهای قهرمانی و افتخار را بدست آورد.

به قدرت و نیروی بازویش جلب کرد. مرحوم زرگر قهرمان افتخار آفرین ورزش پهلوانی کشور محبوب مان افغانستان در مسابقات جشن سال ۱۳۵۴ که تعداد زیاد کشتی گیران کشور های دوست نیز اشتراك داشتند، شرکت نموده و به مقام قهرمانی رسید.

موصوف در طول عمرش هر گاهی که پا بمیدان مسابقه گذاشت کشتی گیری را سراغ ندارم که پشت او را به زمین مانده باشد. و بالاخره مرگ بر او پیروز شد و برای همیشه پشت او را به خاک ماند.

صدیق زرگر در طول ورزشش پهلوانی علاوه بر پیروزیها و کسب افتخارات پیشمارش در داخل کشور، در مسابقات بین المللی و مسابقات حسن نیت به کشور های دوست سفر نموده چنانکه دو بار در مسابقات بین المللی در تور سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۵۶ منعقد شده بغداد شرکت نمود که بار اول به گرفتن مدال برونز و بار دیگر به اخذ مدال طلائی آن مسابقات توفیق یافت. و چهل روز بعد باتیم افغانی به مسابقات شیر - نمگان اتحاد شوروی اشتراك ورزید

رسمی معارف آنوقت شرکت ورزید و در آن مسابقات مقام قهرمانی را حایز شد. و بعد از مدت چند از طریق تیم منتخب معارف در مسابقات انتخاباتی تیم ملی کشور روی آورد که آن مسابقات در جوزای سال ۱۳۵۴ در کابل بوده وی در آن مسابقات چنان شایستگی و برانندگی از خود نشان داد که توجه همگان را

را در لیسه استقلال به پایان رسانیده و بعداً در لیسه حبیبیه شامل گردید و تا صنف دهم تحصیل خود را بسا شوق و علاقمندی کامل ادامه داده ولی بعد از چندی به نسبت مریضی محرقه که مدت زیاد این مرض گریبانگیر او بود از ادامه تحصیل محروم گشت وی زمانیکه در لیسه حبیبیه مصروف تحصیل بود برای بار اول در مسابقات



پهلوان صدیق زرگر هنگام مسابقه با پهلوان اتحاد شوروی دیده می شود (۱۳۵۷)



اطفال امروز

ترجمه عبدالغیاث نوبهار

تأثیر پر خاش والدین بالای شخصیت طفل

مادران در برابر اطفالشان مسئولیت عظیم دارند و باید یست آنها را همواره افعال و حرکات شانرا تحت بررسی و ارزیابی قرار بدهند و همیشه متوجه باشند که تمام حرکات و افعال آنان در مقابل اطفالشان سالم و بدون عیب است تا اطفالشان در این تقلید از آنان دچار کمراهی و انحراف نگردند.

بعضی پدران و مادران حرکات و افعال روزانه شانرا بدیده سرسری و سطحی مینگرند ولی هر فعل و حرکت آنان در برابر چشمان اطفالشان در حکم یک طرز العمل یا نصب العین است و نزد آنان فوق العاده حایز ارزش بوده هر جر آنها مشی خود قرار میدهند. طور مثال صورت مکالمه خانواده راطفل از زبان پدر و مادر خود میشنود و از زبان آنها زبان مادری اش رایاد میگیرد. اطفال عموما سخن در باره چیزهای میگویند که در خانه آنها شنیده اند و یا دیده اند.

این حقیقت را در حین بازیهای اطفال کوچکتر از سن مکتب میتوانیم مشاهده کنیم. در حین بازی آنها از افعال و کردار بزرگسالان تقلید میکنند که مورد مشاهده آنان قرار گرفته باشند. اطفال درین سن خیلی مایلند که ((خانه بازی)) بنمایند و در نقش خود همان حرکات و افعال را اجرا میکنند که همان اعضای خانواده شان آنها انجام داده باشند.

زندگی اجتماعی و خانوادگی پدران و مادران و همچنان برادران و خواهران بزرگتر تمام جزئیات ((خانه بازی)) اطفال را تشکیل میدهد و شیوه سخنزدن آنها نیز از آنان پیروی میشود حتی در شیوه سخن گفتن اطفال مسلک و پیشه اعضای خانواده هایشان تبارز میکند. همینگونه تقلید و شیوه ها است که شخصیت آنانرا پیریزی میکند. اطفال عقیده دارند که پدران و مادران آنان خوبترین زبانیان و صادقترین همه میباشند و آنچه را که آنها انجام میدهند به جا و مهم است از همینجا است که پدران و

حرکات و افعال دیگر آنها را از راه مشاهده میگیرد و بلافاصله آنها را تقلید مینماید و بدین طریق تجارت زندگی را کسب میکند. از آنرو حرکات و افعال پدر و مادر و کسانی که بانها تماس نزدیک دارند نقش بارز تربیتی را دارا است و اثرات آن بر نمو و تکامل اطفال بدو نشك خیلی ارزنده است. در سن شمول به مکتب این يك امر مسلم است که اطفال بمرحله رسیده میباشند که میتوانند حرکات و افعال مردمان دور و پیششانرا مورد انتقاد قرار بدهند. و این آگاهی را دارند که کی را مودل تقلید خویش انتخاب نمایند آنها شخصیتهای مورد پسند و قهرمانان دلخواهشانرا انتخاب می کنند و همواره از آنان تقلید می نمایند. البته اطفال کوچکتر از سن هفت این قدرت را نمیداشته باشند. اطفال بسن کودگستان کدام مقیاسی جهت تفکیک اعمال نیک و بد ندارند بلکه در مرحله ای قرار دارند که باید از اعمال خوب و بد تقلید کنند. البته ان اعمال را که بدور و پیش خود مشاهده میکنند.

در باره اینکه انفصال مطلق و یا سازشی توأم با جنگا لهاو پر خاشهای مکرر پدر و مادر به روحیه اطفال اثر ناگوار میگذارد هیچ شک نیست ولی اینکه کدام یکی از ان بیشتر بر سیستم عصبی و شخصیت طفل اثر ناگوار بجا میگذارد مشکل است بتوان قضاوت کرد. اما پدران و مادران این نکته را هرگز فراموش نکنند که چشمان طفلشان همیشه متوجه اوضاع و حرکات آنان است. چه بسا احتمال دارد زمانیکه آنها بزرگتر شوند و حینیکه خود پدر و مادر گشتند از طرز تلقی و ذهنیت منفی پدر و مادر پیروی خواهند کرد. حتی اطفال به چنان روز هم انتظار نمیکشند بلکه بلادرنگ هر حرکت پدر و مادر را تقلید میکنند. يك معلم دقیق همواره خود را از جریان زندگی خانوادگی طفل واقف نگه میدارد و در مییابد که چه چیز در دنیای زندگانی وی بر تصورات و تخیلات او اثر عمیق داشته است. یکی از خصوصیات متمیزه اطفال کوچکتر از سن هفت اینست که

تبادل‌های فرهنگی و هنری و

نقش آن در شناسایی هنرهای

بومی ملیت‌ها و ملت‌ها

چرا برخی از تماشاگران شعبده‌بازی را نوعی جادو گری و چشم‌بندی توصیه میکنند؟

...

آیا امکان ندارد که انسجام‌گونه‌های از هنرهای بومی ما تدارك گردد و در کشور های دیگر به نمایش گذاشته شود ؟

این گونه نمایش ها با استفاده از ابزار و وسایلی که از نظر بیننده عادی مینماید اما با همه شباهت خود با وسایل هم‌مانند خود با مهارت به منظور خاص اجرای نوعی نمایش اعجاب آور ساخته شده است. شور و شوق فراوان را در بیننده ایجاد میکند و تماشاگر ساده را و امیدداشت تا نحوه اجرا را با اعمال جادو گرانه و چشم بندی و مسایلی دیگر از این مانند در ذهن خود پیوند دهد، این بخش که به وسیله «الکسی و کیس نوو» رئیس هیات به اجرا می‌آمده و چند باحالت های شاد در چارچو به کمک به اجرا کشیده میشد با مقایسه شعبده بازی های که تماشا گران در سلسله نمایشات هیات های قبلی دیده بودند ساده مینمود و به همین جهت در ختم این بخش بیننده هنوز هم انتظار داشت کار های اعجاب آور تر را مشاهده کند.

از نظر تکنیک کار و مهارت باز-یگران و اجرا کنندگان بخش های گوناگون اکروبات همه در کار خود موفق بودند و این موفقیت به حدی بود که حتی بیننده به خواب رفته راحم به شور و امید داشت و ترس و دلهره و اعجاب را در او بر می‌انگیخت نرمش بدن، سرعت گرفت ذهن و عمل، حفظ تعادل و توازن و تکرار و تمرین دایمی که از خصوصیت های عمده حرکات اکروباتیک به شمار می‌آید در میان اکروبات بازان این هیات در حد ستایش آمیزی

هیاتی از هنر مندان کشور دوست اتحاد جماهیر شوروی، با سلسله نمایشات جالب و تا حدی تازه ای که در استیج کابل نند اری و در محافل بزرگداشت روز زن به انجام آوردند تماشاگران فراوانی را به سالون های نمایش کشاندند این هیات که اعضای آن از میان بر جسته ترین هنر مندان کنسرت مسکو که مربوط وزارت فرهنگ آن کشور میباشد برگزیده شده بودند در بخش های آواز خوانی، رقص، اکروبات و شعبده بازی مهارت فر-وانی را در کار برد های هنری از خود نشان دادند، و همین موجب گردید که در تمام روز های نمایش سالون از انبوه تماشاگر پر باشد و هر بخش آن با استقبال پر شور و گرم روبرو گردد.

رقص عربی که زیر نام رقص شرقی به وسیله رقاصه جوان و تحصیل یافته در همین رشته «زلنسکی تسیانانو و لیکوفنا» به اجرا آمد بیش از بخش های دیگر با خواست بیننده این نمایشات برابری داشت که انگیزه استقبال پر شور تماشاگران آنرا صرف نظر از فضای خاص نمایش باید در عوامل دیگری هم به کاوش گرفت که ذهن بیننده تیاتر و سینمای ما را به خود اختصاص داده است.

بخش شعبده بازی نیز که در واقع در همه گونه های خود اختلاطی است از سرعت عمل و تکنیک خاص

افغان ننداری مانند نورپردازی و امور مربوط به صدا با وسایلی که در اختیار این موسسه گذاشته میشود برطرف میگردد و هم يك تياتر مدرن تازه در شهر کابل اعمار خواهد شد هم چنین همکاری جمعی از متخصصان امور تياتر که از امسال با افغان - ننداری به آغاز گرفته میشود روزن تازه دیگری است که ما را در رشته شکوفایی هنر تياتر در همه ابعاد آن در کشور نوید میدهد امیدواریم تبادل چنین هیات های هنری که در تبادل تجارب میان هنر مندان هر دو کشور و آشنایی رهبر وان تازه کار هنر جوی مادر کار تياتر مفید یتی فرا وان دارد در سال روان بیش از پیش وسعت یابد و تا جای امکان کوشش به عمل آید نمونه های از هنر بومی سرزمین پر غنای ما هم در کشور های مرقی به نمایش گذاشته شود تا به این وسیله بتوانیم گامی دیگر بر داریم در جهت شناختاندن بخش های گونه گون هنر

پر مایه بومی خود به مردم سر زمین های دیگر و این آغاز چه بجاست که با انسجام های باشد از رقص های محلی، لباس های محلی و آوازهای محلی که متأسفانه تا کنون در میان خود ما هم تا اندازه ای نا آشنا مانده و شکی نیست که اگر در این زمینه ها تلاش های صورت گیرد نقش ارزنده در معرفی و شناخت فرهنگ مردمی ملیت های افغانستان به هم دیگر شان

خواهد داشت و در قدم بعدی همین فرآورده میتواند زمینه های تازه ای باشد برای تحقیق در زمینه وجوه مشترک میان هنر های مردمی در آسیای میانه و کشور های دیگر یقین داریم بارفع مشکلات کنونی افغان ننداری که تنها موسسه مسوول پیشبرد اموری از مانند ی که به نبشت آمد میباشد این مجال در سال روان به پیمان بیشتر از سال های پیش فراهم خواهد آمد و سالون کابل ننداری با شرایطی تازه ای که برایش مهیا میگردد به پرتماشاگر ترین سالون نمایشی کشور مابدل خواهد گردید.

قابل ملاحظه بود و البته نباید از نظر دور داشت که هنر اکروبات در پهلوی دیگر هنر های مردمی مانند رقص، آواز، تياتر، سینما، پیکره تراشی، معماری و غیره بعد از سال های پیروزی انقلاب اکبر در شوروی پهنای وسیعی یافته و امروز رشد آن به حدی رسیده است که صد ها سازمان تربیوی در هر يك از رشته های هنرهای زیبا در آن کشور مصروف تربیه محصلان به صورت حرفه ای میباشد و همین شرایط و توجهی که به پیشرفت این گونه هنر ها معطوف میگردد موجب آن شده که اتحاد شوروی در میان کشورهای جهان در تکنیک اجرا ممتاز باشد و نمونه.

وسخن دیگر در این تبصره فشرده اینکه به اساس قرار داد ها و موا - فقت نامه های فرهنگی که در این اواخر میان افغان ننداری و موسسات کلتوری اتحاد شوروی به امضاء رسیده است در آینده نزدیک از یکسو جمعی از محصلان افغانی برای آموزش رشته های گوناگون هنری مانند رقص، بالت، آلتنگ، تکنیک تياتر خصوصیت های تياتر اطفال، ماسک سازی، اکروبات سرکس و غیره به کمک کشور دوست ما شوروی در آن کشور زیر تربیه و آموزش گرفته شوند و از سوی دیگر با استفاده از کریدت های پولی بلا عوض این کشور دوست هم نواقص تکنیکی

شمع شبستان

گل زد دلم از عشق و بیا ورد ببا غم
شاید بنهد ناله گل پینه بدا غم
ما شمع شبستان کی بودیم که تاصبح
می بست گل حیرت و می سوخت چرا غم
بگذشت گناه از سر و نشست خمارم
بشکست مراتو به و نشکست ایا غم
من خدمت د حقان بکنم یا طلب وصل
بوی تو زتن میرسد هر دم بسد ما غم

آرزو

همی خواهم که چون مرغان دریا
به پهنای طرب ها پرکشایم
زنم پهلوی به امواج خروشان
سرودمست دریا سراسرایم

...

همی خواهم که چون ابرکهر بار
گهرها در دل صحرا فشانم
بینم سایبان برد شست سو زان
به هو اشکی که ریزم گل فشانم

...

همی خواهم که چون برق شرر تا
به سوی دیو ظلمت هاستیزم
زنم آتش به بنیاد سیاهی
به جان «تیره روزی» شعله ریزم

...

همی خواهم که موج غریوان
تپش ها در دل دریا سپارم
پیچم در دل شو ریسده گر داب
صدف ها بشکنم گوهر برآرم

...

همی خواهم که چون مرغ شب آور
بنا لم با نوا های اترناک
که تا بیدار گردد اهل غفلت
که تا از خواب خیزد خفته خاک

...

همی خواهم که چون بال سبک بال
به هر کنج جهان خود را رسانم
پیام آرزوی سازش وصلح
به گوش رزمیان دهر خوانم

...

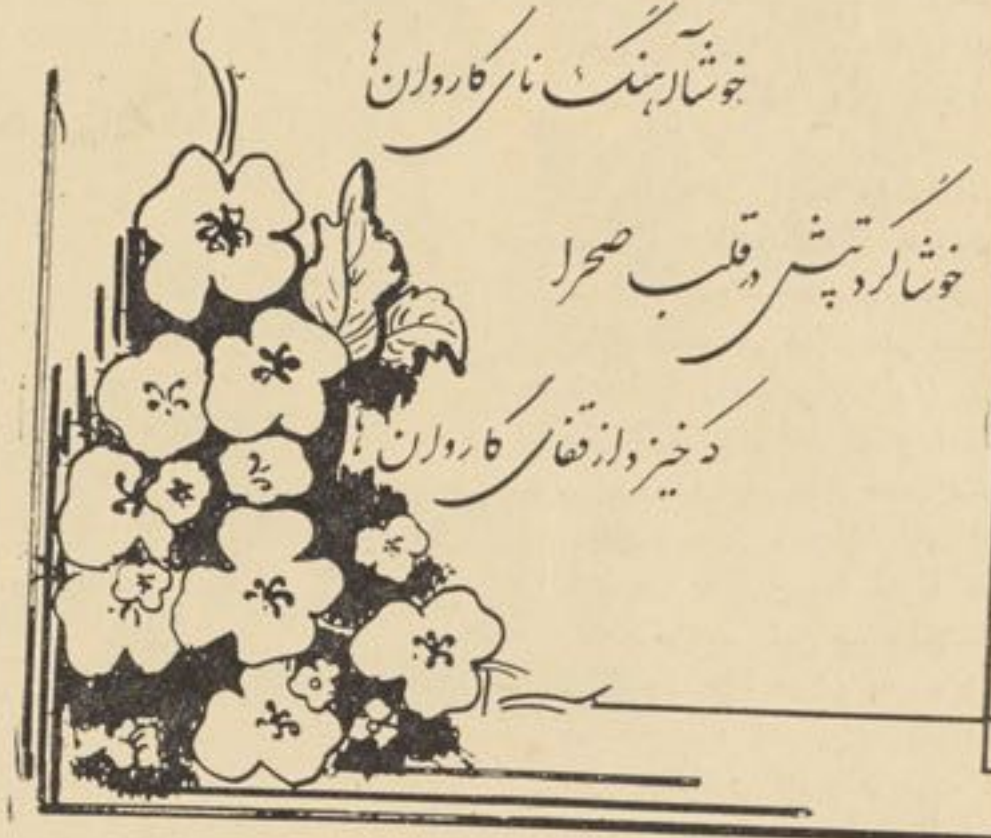
همی خواهم که چون پیک طرب ها
به هر جا مژدهی عشرت رسانم
جهان لبریز سازم از خوشی ها
نشان غم درین عالم نمانم

خوشا شور در لک کاروان!

خوشا زینک ناکاروان!

خوشا ز تپش قلب صحرا

دخیز از قفا کاروان!



داد محمد ((راسا))

دبهار نغمه چلیپری

د بهار له بر کته شای دینتی زر غو نیری
طبیعت عطر پاشلی بول وطن پری معطر پیری

طراوت دی تازگی ده بنکلی انجونه هوسپیری
ردی گلو نه به اوربل کی خسی میلوته روانی پیری

د سهار نسیم چه کله به دینتوباندی لکپیری
باخوی گلان له خوبه د وینتوب جرس غری پیری

...

به دینتو نو او بیدیا و ونوی نوی خیز تو کپیری
ور کوی رخصت زپو ته چه به نوی پیدا کی پیری

...

د شاعر به تخیل کی د بهار نغمه چلیپری
جو پوی هغه شعرونه چی ولس پری بیدار پیری

یکروز مرا ببردل خود میر نکردی
و ز لعل لب حاکم تقریر نکردی
زان شب که من آن زلف تو در خواب دیدم
حیران و پریشانم و تعبیر نکردی
یک عالم و عاقل به جهان نیست که او را
دیوانه آن زلف چون زنجیر نکردی
بگریست بسمی از غم تو طفل دو چشم
ورسنگدلی در دهنش شیر نکردی
باقوس دوا بروی تو یکدل به جهان نیست
تا خسته بدان غمزه چون تیر نکردی
در برون دل ها و در آردن جان ها
الحق صنما هیچ تو تقصیر نکردی
جامی



تقصیر نکردی



توبهار!

توبهاری

بهار از زنت
تو خوشتر از خود شیر
رز تو مرید و دام
هر بهار نیمه زیبا برار
پس باغ و بهار از غم نیست
در بهار باغ و بهار از غم تو!

سرکه اندیشه مردم نکند

کدوی پوک کم از آن سرنیست

۱. طبری

شعر پائین در سال ۱۳۵۶ سروده شده بود اما چون آن زمان امکان نشر آن نبود اکنون بدست نشر سپرده می شود.

نوظفر مند و کامگار شود

سرکه در خدمت مردم نبود
بار گردن بود اما سرنیست

دل که در الفت و طن نپید
سنگ را مرتبه زان کمتر نیست
دور زر رفت و عصر زور گذشت
بعد ازین چرخ ، سفله پرور نیست

در نظا میکه کس ستم نکشد
اندران جای برستمگر نیست

چه تباه است حال آن ملت
که در آن احترام مادر نیست

همه سرباز خلق خویشتنیم
کس نه کمتر بود که مهتر نیست
زندگی چیست ، رزم کهنه و نو
غیر از این ارتقا میسر نیست

کهنه امروز گرچه پر زور است
لیک پر زور روز دیگر نیست

نو اگر ناتوان بود امروز
روز دیگر چو او توانگر نیست

نو ظفر مند و کامگار شود
کهنه را جز فنا ، مقدر نیست

ای و طن ، ای بهشت شرق کهن
چون تودر بحر نه و در بر نیست

عاقبت گمره و هلاک شود
عشق تو هر کرا که رهبر نیست

عظیم شهبال

بهار

آن روز که مر غهای سفر کره
خزان

بار دگر بسوی دیاران خود روند
آنروز که سبزه های چمن را

نسیم صبح

آرد به اهتزاز

آنکه که بر گهای گل از شاخه
های شان

ریزد فرو بزیر

در آنزمان که ناله زیبای آبشار
از گوشه و کنار بیاید زباغها

آنکه که بازوان سپید پری رخان
عریان ز آستین و بعاشق شود

عیان

و آنکه که بوی عطر گل یاس و
نسترن

با عطر ناز بوو گل سرخ
و یا سمن

آید ز طرف باغ

آنکه که ناله های شبانان دهکده
آید ز کو هسار

گویند شد بهار

...

آری!

روزی که گلر خان پری چهر سبز
پوش

از قریه دسته دسته روند سوی
دشتها

آنکه که پیلان جفا دیده خزان
با عند لیب روند به گلگشت

باغها

بر روی سبزه های چمن با هزار
شوق

بر پای گل نشست و شور و نوا
کنند

آنکه که با غبان کهن سال پر
غرور

با دست پرز آبله و با توان
خویش

آید بسوی کار
گویند شد بهار

...

اما درین دیار ،

در سر زمین پاک شما ای دلاوران
زان روز های خوب ،

کاین نورجان بخش

خورشید تا بناك نظام نوین ما
تابیده پر شکوه ،

گردیده است بهار

آری شده بهار

...

آری!

ای هموطن ببین ،

هم میهن عزیز ،

این نو بهار ماکه پس از سالها
خزان

آمد درین دیار

وین ملک باستان

این تک درخت پیر و کهن سال
زندگی

گردیده است جوان

مار است تا بخد مت این تک
درخت پیر

از جان بگذریم ،

زیرا که این درخت ،

عمری جفاو جور خزان را کشیده
است

تا بار و شود ،

این نو بهار ما

گردد جاودان

آنکه شود بهار ...

آری شود بهار ...

محمد عزیز (رویش)

برای صبح و شب

بهارستان بهار

بهارستان بهار

بهارستان بهار

انرژی های جهان

رام ساختن آفتاب

در جمهوریت های آسیای میانه شوروی که هوای گرم و سوزان دارد سالانه دوصد و پنجاه لیتر سیصد روز آفتاب مستقیماً می تابد و ریزش های بیابان و صحرا را در آن مناطق سوزان و داغ می سازد. بنابراین این شرایط اقلیمی طبیعتاً برای این علاقمندی علمی را در مورد بهره برداری از انرژی آفتاب به طور سرسام آوری ازدیاد بخشیده است این در نتیجه زود به مصر فرسیدن منابع سوخت طبیعی و آلوده شدن محیط به میان آمده در حالیکه ماشین هایی که به قوه انرژی آفتاب فعالیت مینمایند قادر اند برای مدت زمان های نامحدود کار کنند بدون آنکه محیط را آلوده ساخته باشند.

شرکت استفاده از منبع آفتاب که شامل انستیتوت تحقیقاتی انرژی شمسی نیز می گردد اولین مجمع در اتحاد شوروی بوده که به سویه جهانی در مقام سوم قرار دارد. شرکت مذکور در نزدیکی عشق آباد مرکز ترکمنستان اتحاد شوروی موقعیت دارد.

جریان فلش های روشن نور از طرف روز توجه هر تازه وارد درین شهر بخود جلب می کند زیرا این نتیجه فعالیت دستگاه های انرژی آفتابی است که انرژی آفتاب را ذخیره نموده و فابریکات متعدد نظیر فابریکه تصفیه آب معدنی - آب جوشی ها - لفت های آب ترمو - الکتریک و یخچال ها را به فعالیت وامیدارد.

بایرا موف عضو اکادمی علوم و مدیر انستیتوت انرژی شمسی ترکمنستان درین باره می گوید: ما باید تسهیلات ساده و شایسته

را روی اساسات انرژی شمسی انکشاف دهیم. زیرا در ترکمنستان هشتاد فیصد اراضی را صحرا ها و علفچر ها تشکیل میدهند. درین جمهوریت چوپانان در شرايط دشوار کار میکنند درجه حرارت به پنجاه درجه سانتی گراد می رسد و ذخیره آب کافی نیز برای شان وجود ندارد. علاوه بر این فامیلها رها دارند و مشغول پرورش مواشی می باشند لازم است تا برای آنها تسهیلات در قسمت شستشو و بخت و یز مهیا گردانیده شود. همچنان آن ها به یخچال و حمام نیاز دارند که درین صورت، نداشتن وسایل را حتی (با وجودیکه مزد های بلند دارند) مردم را دلسرد می سازد.

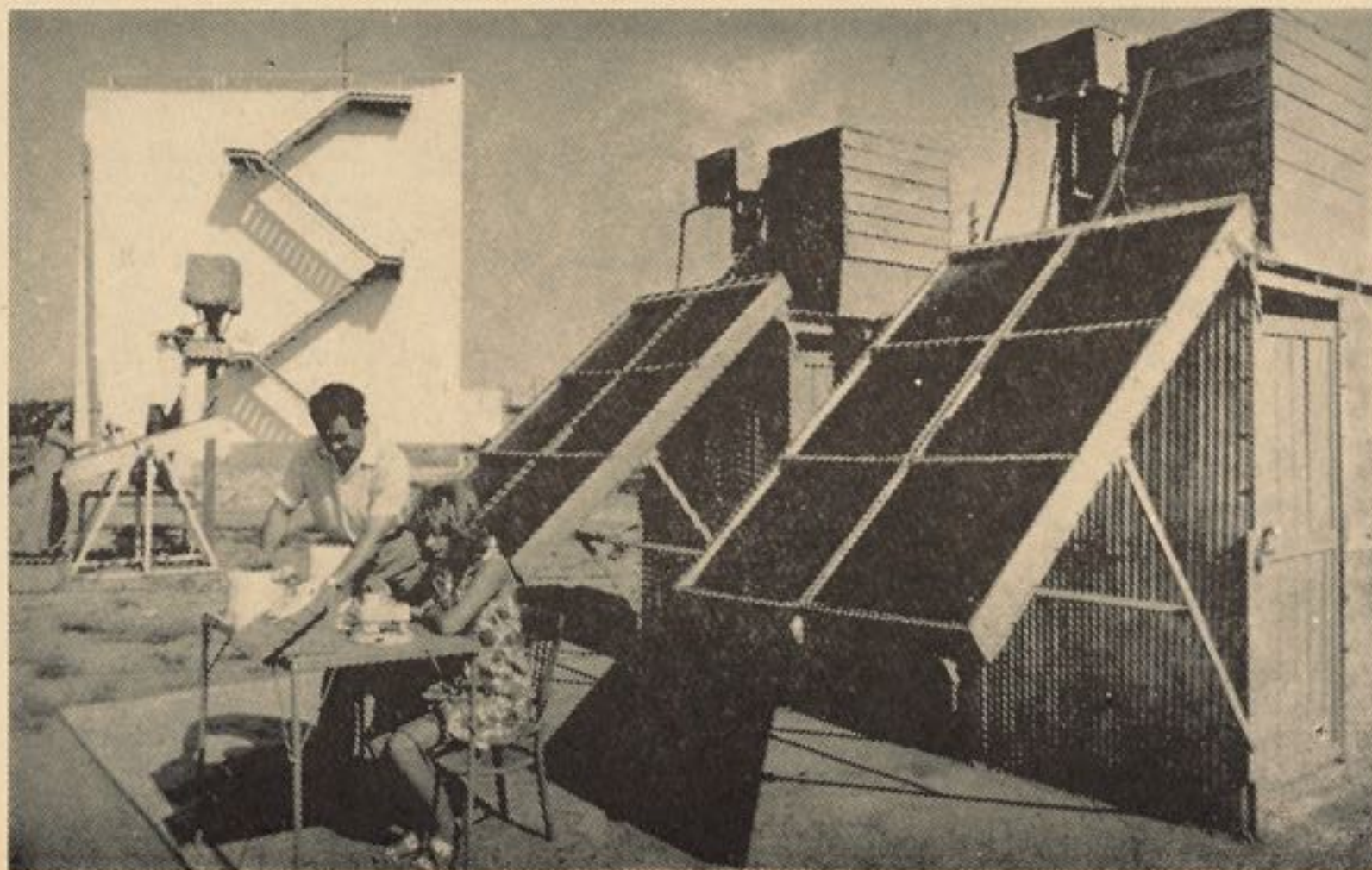
همین انگیزه متذکره سبب بوجود آمدن دستگاه های تصفیه آب گردیده است انرژی آفتاب ما را

قادر می سازد که به سرعت و سادگی به آبهای زیرزمینی دسترسی پیدا نموده و از آن استفاده نماییم البته دستگاه های آزمایشی قبلاً در (حوض شاه) و دیگر محلات به فعالیت خود شروع نموده اند. اولین دستگاه تصفیه آب با یک لفت آبی تر موالکتریک و یک مکان آبیاری برای (گرین هوس) ها (یا فارم های سرپوشیده سبزیچه شیشه) تکمیل گردیده و از چندین سال تاکنون در فارم تربیه گوسفند (آستراخان) واقع در صحرای کارا کوم فعالیت مینمایند.

دانشمندان انستیتوت مذکور یک دستگاه آفتابی را اختراع و به زودی کارهای عملی را شروع خواهند کرد. یک استیشن دستگاه انرژی شمسی آب گرم و حرارت و قوه برق را برای یک کلبه روستایی

دوطبقه بی تامین خواهد کرد و واحد های ایر کاندیشن نیز فعال خواهند شد. یک ((هات هوس)) یا خانه گرم که به قوه انرژی آفتاب کار می کند نزدیک هر کلبه اعمار خواهد شد که در این هات هوس سبزیجات و میوه جات و کلوریل، الجای (نوعی از خوراکی های غنی از پروتئین که با علفچه یکجا به حیوانات داده می شود) کشت و پرورش می شود.

همچنان در مجاورت نزدیک آن آغل های سرپوشیده گوسفندان قرار خواهد داشت که قادر است هزار الی دوهزار گوسفند را در خود جای بدهد طوریکه برای هر یک از آنها محل آب خوری مجهز با لفت های آبی آفتابی که آبرو به داخل دستگاه تصفیه میرساند می باشد.



شناور های آزمایشی که حرارت آب آنها توسط آفتاب تامین می شود

در سال ۱۳۶۰

سوال جالبی است. و در این موضوع از دوجبهت باید صحبت صورت پذیرد، نخست برای آن عده از شاگردانیکه در سال گذشته از ولایات کشور به مکاتب کابل مراجعه نموده اند

فیصدی نصاب حاضری ایشان را از (هشتاد و پنج) فیصد به (پنججاه) فیصد تنزیل بخشیدیم و در میان آنها حتی شاگردانی هم بودند که (پنججاه) فیصد نصاب حاضری را نیز پوره نموده نمی توانستند بنا بر آن ما برای پوره نمودن پنججاه درصد نصاب حاضری شاگردان کورسی را بنام ((کورس ا کمال فیصدی حاضری شاگردان)) در لیسه استقلال افتتاح نمودیم و در طول مدت رخصتی های زمستانی تمام اعضای ریاست تدریس ت ثانوی بدون اخذ هیچگونه مزد و حقوق الزامه به تدریس شاگردان مذکور پرداختند و بدین ترتیب با ا کمال فیصدی حاضری شاگردان مذکور چندی قبل از امپروز امتحان خویش راسپری نموده در لیسه ها و مکاتب مرکز به صنوف مربوطه خویش شامل گردیدند و به دروس خود ادامه می دهند.

وی در مورد آن عده از شاگردان مکاتب ولایات کشور که در سال گذشته به اثر حملات و حشیا نه دشمنان انقلاب شکوهمند شور فکاتب شان مسدود و یا تخریب شده بود و در سال جاری دوباره بازو به فعالیت آغاز نموده اند چنین روشنی انداخت: وزارت تعلیم و تربیه به مدیریت های تعلیم و تربیه آن عده از ولایات کشور که بعضی از مکاتب آنها در اثر حملات ضد انسانی دشمنان آتش بجان مردم افغانستان مسدود و یا تخریب شده بود و شاگردان بنابر علی نتوانستند در طول سالیکه گذشت دروس روزمره خویش را تعقیب نمایند هدایت داده است تا دروس اینگونه مکاتب را از تاریخ پانزدهم برج حوت ۱۳۵۹ آغاز نموده تا اخیر برج جوزای سال جاری ادامه بدهند تا شاگردان بتوانند در این مدت نسبتاً کوتاه با تعقیب يك پروگرام

از ولایات کشور که در سال گذشته به اثر بیدادگری های وحشیانه گماشتگان بدنام ارتجاع و امپریالیزم مکاتب ایشان به آتش کشیده شده بود و سوابق آن ها نیز با سوختن مکاتب از بین رفته اند و اکنون نیز سندی که بتواند هویت شاگردان مذکور را ارائه بدارد وجود ندارد چنین گفت:

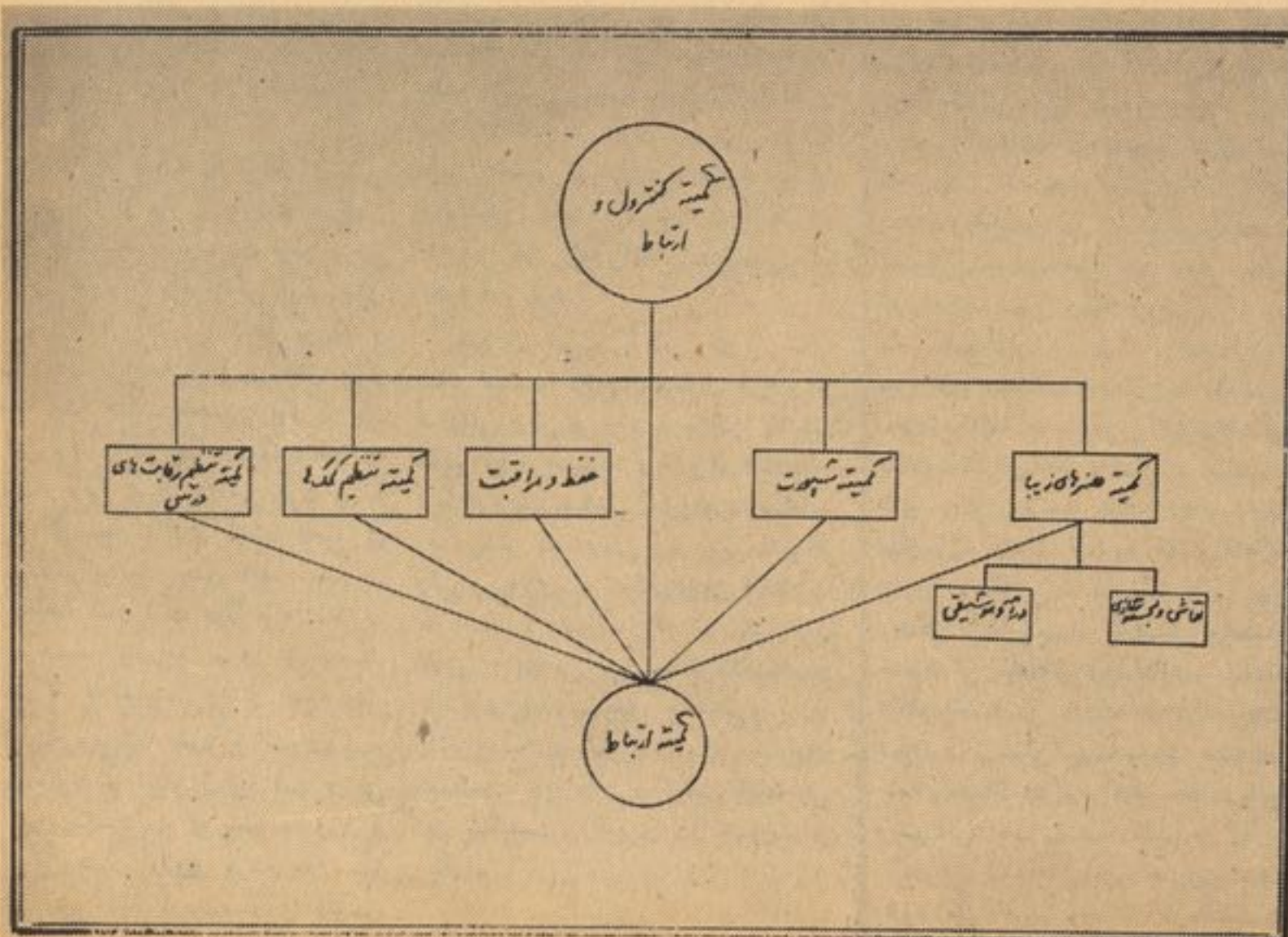
ریاست تدریس ت ثانوی به عموم مدیریت های تعلیم و تربیه ولایات کشور هدایت داده است تا در مورد تعیین سر نوشت آن عده از شاگردانیکه سوابق درسی آنها در اثر به آتش کشیدن مکاتب مربوط توسط اجیران ارتجاع و امپریالیزم از بین رفته اند چنین تجویز به عمل بیارند، این عده شاگردان در صور تیکه بخواهند به مکاتب مرکز و ولایات دیگر کشور شامل شوند اولاً باید به یکی از معلمین مکاتب مربوطه خویش که آنها را می شناسد مراجعه نمایند و بعد از اخذ تصدیق معلم مربوطه به مدیریت معارف مراجعه کنند تا مدیریت نیز از حقیقت موضوع به اساس تصدیق معلم متذکره تصدیق بعمل آورد، بعداً برویت تصدیق مدیریت معارف که معلمین مذکور آن را حاصل نموده

اند می توانند به مکتب مورد نظر خواه در مرکز و خواه در ولایات کشور شامل گردیده بدروس خویش ادامه بدهند. و فامل بجواب این سوال ما که در سالیکه تازه آغاز نموده ایم بجه تعداد مکاتب در مرکز و ولایات کشور جدیداً تاسیس گردیده اند و تعداد مکاتبی که از سویه ابتدا بی به لیسه ارتقاء نموده اند چند خواهد بود چنین گفت:

در سال ۱۳۶۰ به اساس پلان پیش یمنی شده به تعداد (۵۵۵) باب مکتب در مرکز و ولایات کشور جدیداً تاسیس گردیده است، همچنان به تعداد پنججاه باب مکتب ابتدا بی به متوسطه و چهل و نه باب مکتب متوسطه به لیسه ارتقای یا بد به همین ترتیب به تعداد ده باب مکتب لیسه، جدیداً تاسیس میشود.

رئیس تدریس ت ثانوی به جواب سوال دیگری که نقش سمینار های مسلکی را که در جریان سال ۱۳۵۹ از طرف وزارت تعلیم و تربیه برای ازدیاد معلومان کشور دایر گردیده در امر بهبود وضع تعلیمی مکاتب کشور چطور ارزیابی می نماید گفت:

شکی نیست که تدویر چنین سمینار ها در بهیستم جدید تعلیم بقیه در صفحه ۴۷



جوانان و خودارادیت



((پیوسته بگذشته))

از تاریخ باید آموخت

جوانان دلیر وطن! درین هفته به پیشواز سال نو سالیکه یسک برگ دیگر از درخت زندگی ما و شما را کم می کند ولی به تجربه و بختگی ما می افزاید مبحث شماره گذشته را دنبال نمی کنیم و هفته آینده باز هم مطلب مذکور که نمایان گر دلیری و حماسه آفرینی مردم ماست دنبال خواهیم شد، لذا برای بزرگداشت شادابی و خرمی و طراوت بر بهار بحث می کنیم، بر بهار طبیعت و بر بهار انقلاب این همیشه بهار مردم ما.

بیاد داریم بهاران گذشته را، بهارانی را که هرگز مردم ما بهار واقعی نداشتند، بوستان وطن پر از هزن و اندوه و پژمردگی بود، جای بلبلان را زاغ ها پر کرده بودند و لذت بردن از همه زیبایی های بهار خاصه یک مشت محدود بود.

این وضع قرن ها و سالها ادامه داشت، ولی بهار واقعی مردم ما نیز فرارسید، آری تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان و در نتیجه مبارزات مردم ما انقلاب شکوهمند نور به پیروزی رسید و همه کاخ نشینان را از امتیازات شان محروم ساخت و قدرت به دست مردم انتقال یافت و لی دیری، نگذشت که جغد ها و زاغ ها برین بهار آرزوی مردم ما تاختند آری آنها با دستیاری دشمن

بزرگ آرا می بشریت یعنی امپریالیزم و در راس امپریالیزم امریکا امین را به جان مردم ما ماسور زجر و شکنجه ساختند و یکبار دیگر بهار امید مردم ما به سر ماو یخبندان مبدل گشت. امین خائن که بابهار و طراوت دشمن بوده تعداد زیادی از بلبلان بوستان وطن را به خاک و خون کشید و به قفس افکند، ولی مردم ما از پانه نشستن و یکبار دیگر بر علیه زاغ ها و جغد ها شوریدند، آری در زمستان سال ۱۳۵۸ با پیروزی مرحله نوین انقلاب نور مردم ما به بهار همیشگی دست یافتند و دیگر هرگز زاغ و زغن را به گلشن وطن راه نخواهد بود.

جوانان خوب و آگاه! درین جای شک نیست که دشمنان آزادی و شادابی وطن و مردم ما در تلاش مذبو خانه هستند و با براه انداختن توطئه و دسیسه می خواهند سبک راه پیشرفت وطن و مردم ما شوند ولی پیروزی مرحله نوین انقلاب به الیات رسانید که نه تنها این تلاش ها بجایی نمی رسد بلکه شکست ناپذیری انقلاب ظفر مند مردم ما را نیز الیات نموده است و بر ما شماسست تابا کار و پیکار انقلابی این شکست ناپذیری را جوادان سازیم.

ادامه دارد.

اکنون سعی می ورزیم تا خویشتن را احساس کنیم و دریابیم که بکدام وضع و حالت روانی قرار داریم تا آنکه بتوانیم نسل جوان را در عملیه های اجتماعی شدن بر حسب ماده جریانات مهم زندگی بسوی خود ارادیت و آزادی برانگیزانیم بدون آنکه جزیی ترین لطمه به آزادی دیگران وارد شود. بصورت عموم ما از پدیده های صعود و نزول انضباط و دسیلین که بجوانان تطبیق میشود حرف می زنیم اما در واقع امر بر یکی از آنها بقدر اوسط هم نتوانسته ایم انضباط و دسیلینی را تطبیق کنیم. در هر جامعه بدون شك و شبهه چه از کلان سالان و چه از جوانان تا حد ممکن مخالف خود ارادیت و آزادی می باشند و حتی بعضی از آنها بامخالفت های علنی شفاهی و زبانی بر علیه آن ایستادگی می کند و بر خیز هم هستند که هنوز با فهم کامل و همه جانبه و رعایت احترام متقابل به بدون بزبان آوردن کلمه اعتراض آمیزی به تضامیم معقول و قابل قبول می گریند و در حال و آینده به آن وقع می گذارند. همچنان بعضی از جوانان تا مین و حصول آزادی رادریک ساحه زندگی آسان تر از ساحات دیگر آن می یابند که شاید نزد بعضی دیگر مشکل و دشوار باشد. تفاوت های بارز و علنی بین آزادی های که به مردان و زنان داده میشود محسوس و موجود است. بسیار دلچسپ خواهد بود تا معلومات علمی و تفقه ایرا که توسط بشر شناسان بدست آورده میشود بین ملل مختلف به صورت مقایسوی تحت مطالعه مزید قرار گیرد و سعی بعمل آید تا مابه اوضاع و صحنه های دیگری خویشتن را مواجه سازیم، خاصتا صحنه های که به صورت کلی با ثقافت و روش زندگی، تربیت و تحصیل و انضباط خانوادگی مامغایر و متفاوت باشند آنگاه احساسی را که از مواجه شدن و زیستن بهمچو یک صحنه کاملاً جدید بما رخ میدهد دریابیم و حتی آنرا یاد داشت کنیم.

هریک از ما دارای تجارب منحصر بخود میباشیم. ما از دریافست و شناخت ماهیت و طبیعت انسانسی

۱ - جوانی را سراغ دارم که بین دو کشش در یکی از معضله ها و معما های زندگی دست و گریبان بود. او سخت در چنگال افکار ضد و نقیض گرفتار بوده و از لحاظ نظری و تیوری از اظهارات و احتیاجات جش به کمک و خواستن معاوانست آشکارا می شد. اما نمیخواهست سرور و تبختر جوانی را زیر پا گذارد و دست نیاز به طرف کسان دراز کند چنانکه میگفت: ((یقین دارم شما می خواهید در حل این معما ی زندگی به من کمک کنید، پس هر معاوانتی که از شما ساخته باشد در انجام آن دریغ نکنید اما بمن چیزی نگویید و نه به من نصیحت کنید و مشوره بد هید و نه از من چیزی بپرسید و یا به من چیزی بگویید و مشوره بد هید من نه جواب میدهم و نه به آن گوش می کنم و لو که درشت و برحق هم باشید.))

نا تمام
ژوندون

نوشته محمد ز مان ((برک))

وظیفه جوانان روشنفکر در وضع کنونی

ما را در میان توده ها بخش کرده و به نیروی مادی مبدل نمایند. کسانی که قلم را تیغ بران مبارزه اجتماعی در جهت خو شبختی و سعادت ز حمتکشان می دانند گفتار فوق را سر مشق قرار داده مطابق بر آن عمل می کنند.

نویسنده و هنرمند ز مانسی خدمت گزار واقعی در جا معه شده می تواند که از نیاز های د رو نی مردم و از خواسته های بر حق آنان آگاهی کامل حاصل نمایند. حوادث و وقایع را با چشم باز ببینند. از مداحی و طفره رفتن دروغ بپرهیزند. امروز بر مضمون ترین و قانع تمام تاریخ کشور ما در ساحه گسترده ز ندگی اجتماعی مادر حال تکوین است، اینست عمده ترین موضوع که باید روی آن بحث و بررسی شود هر هنرمند و نویسنده در جهت تغییرات کنونی با بینائی و دانائی بنگرد فقط راهی را که برگزیند که مردم عذاب دیده ای ما از زیر یوغ ظلم و استبداد، آلت فشار و مناسبات فر سوده و رو به زوال فیو دال نجات دهد.

توانستند بپذیرش اصول اندیشه های مترقی بهترین خوی و خصلت انقلابی را فرا گیرند و ز ندگی خود را بر اساس آن عیار سازند. ولی وظیفه روشنفکران در وضع کنونی که میهن عزیز ما در معرض تجاوزات و قیحانه نیرو های اهریمنی ارتجاع و امپریالیزم قرار دارد نباید فقط و فقط به دفاع مسلحانه بسنده کنیم، بلکه جنبه بزرگ دیگری هم وجود دارد! که عبارت از نبرد فکری است. گفته مشهور است که اگر نظریات معینی در بین توده ها نفوذ نماید و مورد پذیرش آنان قرار گیرد به نیروی مادی مبدل می گردد. پس جوانان ما هم باید افکار عالی انسانی و پیشرو عصر

اذهان آنها داخل شده و از نزدیک با آنها در تماس شوند جوانان روشنفکر، برای انجام وظایف مشخص عملی در عرصه سازمان های اجتماعی امور دولتی و موسسات فرهنگی، نقش بارز و ارزنده را ایفا می نمایند امروز بهترین جوانان روشنفکر ما از پشت میز تحصیل علی الرغم مسئولیت های سنگین که در اجتماع دارند سلاح دردست بآبرادر کارگر و دیگر اقشار و طبقات جامعه مایخاطر حرا ست از دست آورد های انقلاب و امحای کامل باند های مسلح ضد انقلابی روانه جبهات نبرد گردیده اند.

جوانان روشنفکر کشور ما مصممانه

جوانان که نیروی توانا و بازوی پر انرژی جامعه بشری بوده و بحق چشم و چراغ کتله های انسانی را تشکیل می دهند رسالت بس عظیم و مسئولیت نهایت سنگین را در قبال خدمت به مردم و پیشرفت و تعالی و آبادانی جامعه خود دارند. در کشور عزیز ما که انقلاب نور به پیروزی رسیده است و وظیفه جوانان روشنفکر ما را بر میستولیت تر و سنگین تر ساخته است. بدین ملحوظ و وظیفه سترگ روشنفکران اینست که در جهت حفاظت از دست آورد های انقلاب مجدداً تلاش بورزند در بین توده ها و سیم مردم بخاطر روشن ساختن

نوشته: محمد موسی «راد مش»

جوان واقعی کیست؟

ناپذیر فکری، علمی و عملی بوده با ایمان قوی و راسخ و ثبات کامل جوانی در برابر مشکلات اقتصادی، تحولات بنیادی اجتماعی و ملی مبارزه کافی کرده بتواند.

عناوین جوان در راه خدمت و بر آورده شدن و شکوفائی توقعات ملی در روند تکامل جامعه مختص به عنا صر روشنی آگاه و مترقی متعلق است. که از نور دانش خلاق نیروی جوانی و تجارب کافی و عمیق برخوردار بوده مراحل تیوری و بازتاب علمی و عملی شخصیت ارزنده را پیموده باشند. ولو به هر سن قرارداد دارند. مادر داخل کشور عزیز و محبوب خود از جوانان سازنده و حماسه ساز ورزمنده برخوردار هستیم که تنها به قدرت بازو، ارا ده و استقامت جوانی، و داشتن افکار پرتوان و بکر و ایده مستحکم و پیشرو با ایمان کامل و سرشار از امید آینده - آینده نیکو پر شکوه و پر جلال و فضائی آزاد عمیقاً داخل پیکار عملی بوده و در نهنگ داشت منافع مردم و جامعه نوین و مترقی وطن، باستانی خویش و وظیفه سترگ خود دانسته در شکوفائی هر چه بیشتر سهم بارزی گرفته و میگیرند.

گرفته و متمرکزی شده نمیتواند. در واقعیت امر جوان کسیست که دارای افکار خلاق و سازنده و عقاید عینی و پیروی مکتب ریا لیسم بوده و عملاً مطابق به مقتضیات عصر و زمان این درك سالم را بخود داشته باشد. ولو تفاوت سن و عمر آنان از چهل و شصت بالا تر باشد.

القاب جوان شایان آنها نیست که معنا جوان بوده و درك نیرومند و احساس درونی در اوشان بیدار و رویهم رفته دارای صفات عالی انسانی با ارا ده، متین و با استقامت جوانی و جوانمردی باشند. و با ثبات این رسالت مندی و مجادله به مقابل مشکلات و نابسامانی روزگار، احساس خسته گی و نا امیدی نه مینمایند.

بلکه رسالت مندی خویش را در محتوای صفات جوانی خوب درك کرده در حرکات و طرز برخورد با مردم و طرز روش با مردم و نفع واقعی همگان و خواسته های اجتماعی شایسته قد علم کرده با قبول ایثار و جانفشانی ها از صیانت منافع ملی و عمران جامعه پشتیبانی نمایند جوانان رسالت مندی و دور ان ساز و پر تحرک، شخصیت ها یست که حایز نیروی عظیم و عزم خلل

متفاوت است. واز دیدی عده ای آنانی جوان شناخته میشوند که بین سنین هجده الی چهل واقع اند و دارای صفات جوانی به حساب میروند.

و بعضاً هم به گروهی عنوان جوان رامیدهند که دارای اوصاف خون گرم بوده ولی از دوره تجارب و آزمون زمان بدر نیا مده است.

و هم از نظر بعضی ها کسانی جوان تصور می شود که صرفاً در طرز حرکات شان خود را به اصطلاح تیپیک جلوه داده و استعمال لباس ها و شکل ظاهری و تقلید از ممالک پیشرفته بنمایند ولو که در واقع ثبات و سابقه ای هم نداشته باشند.

پس این همه تصانیف و طبقه بندی ها در تعاریف و تشخیص جوان و جوانی بر مبنای واقعیت استوار نبوده و حاصل آن هم جز اینکه در روابط فامیلی و محیط زیست باعث ایجاد و تفرقه و بی تفاوتی گردیده و روحیه فشرده گی و بسیج شدن و یکرنگی و روحیه کار و عمل را ناتوان ساخته مسبب تولید اشتباهات قرار

جای تردیدی نیست که آرزوها و خواسته ها و توقعات روز افزون مردم و جامعه ما ایجابات و مقتضیات متعددی حیاتی و ظایف و مکلفیت های جوانان با احساس و خلاق کشور را به مقابل خواسته ها و نیاز مندی های جامعه و دوران ما حساس تر و عمیق تر ساخته است.

بدین ملحوظ قشر نیر و مند و جوان و روشنفکر در چنین فرصتی از همه بیشتر مخاطب توقعات همگان قرار میگیرند.

اما نقطه قابل بحث و توضیح این است که اوصاف ممیزه و نیرومندی جوان و جوانی در چیست؟

و عنوان جوان مبتکر - خلاق و دوران ساز بکدام قشر و طبقه اطلاق شده میتواند و کدامین اشخاص خواهند بود که طرف چنین خواسته ها و آرمانهای مردم و جامعه قرار گرفته اند؟

از تعبیرات و مطالعات مختلف بر میآید که مفهوم جوان در بسا موارد و محیط و جا معه و ذهنیتها

برگزیده‌هایی از میان فرستاده‌های شما

کتاب دانشمند

خاموش است

کتاب بهترین دوست انسان است. کتاب دریچه‌ای به جهان ناشناخته است. کتاب راهنمای خوشبختی است. کتاب اندرزگوی خستگی ناپذیر است.

این ها همه درست است. اینها راهمه میدانیم و تعریف های بسیار بالورزش در باره کتاب بزرگان و دانشمندان گفته و نوشته اند اما چرا این دوست را با اطفال آشنا نسازیم.

چه شیوه‌یی را پیش بگیریم که اطفال با اشتیاق کامل با این هم صحبت دانشمند، متفکر، بی ریا، بی مزد، صمیمی، یکدل و خستگی ناپذیر آشنا شوند؟

بیشتر از پدران و مادران گرفتار ایسن رنج و ناراحتی هستند که فرزندان شان با کتاب، آشنایی ندارند و از این گنج گرانبها بیزارو گریزانند.

تنها با کمی حوصله میتوان بخوبی با این مشکل مبارزه کرد که اطفال بدون کوچکترین ناراحتی به کتاب روی آورند، شب و روز با آن باشند و برای حل مشکلات خود از آن کمک و یاری جویند.

برای رهبری به چنین هدفی، یک بررسی کوتاه روانشناسی لازم است که سعی شود با زبان ساده بیان شود.

بیمگان هر پدیده اجتماعی خواه عینی و خواه ذهنی، معلول علتی است و برای پیدا نمودن آن پدیده می باید به دنبال «علت پدید آمدن آن گشت».

هرگاه می بینیم که طفلی با جسم سالم و روح بانشاط از کتاب، خواه درسی و خواه غیر درسی فرامیگردد باید دنبال علت آن گشت.

دانشمندان روانشناسی در این باره بسیار مطالعه نموده و هر دانشمند علت این بیزاری را به نحوی معرفی کرده اند ولی اغلب راه‌هایی

از این مشکل را نشان نداده اند. مثلاً از جمله گروهی معتقدند تنها علتی که اطفال از درس، مطالعه و کتاب دوری می‌گزینند «فقر خانواده است» این دسته از روانشناسان میگویند: اطفالی که در خانواده های تهیدست و فقیر زندگی میکنند به علت کمبود مواد غذایی و انرژی کافی، نبودن وسایل مخصوصاً در زمستان و بالاخره عدم توانایی پدران و مادران در بر آوردن نیاز های جسمی و روحی آنها و احساس حقارت این دسته نسبت به همسنگان، دلیل بی علاقه گی به کتاب و مطالعه است.

البته نظریه مطالعاتی که در قسمت این گروه صورت گرفته است این مسئله عمومیت ندارد و بسیار دیده شده است که شاگردان ممتاز اکثراً از آن خانواده های برخاسته اند که توانایی مالی آنها چندان قناعت بخش نبوده

محمد ظاهر ایوبی

وجیزه‌ها و اندرزها

- شرافت مانند تیری است که چون از کمان جست بازگشت آن محال است.
- کار انسان را از سه بلای بزرگ نجات میدهد - فقر - فساد - فحشاء.
- پیمان شکنی یکی از شاخه‌های درخت دروغ است.
- درخت که از بین خود خود خورده سرنگون می گردد.
- مایوس مباش زیرا آخرین کلید که در جیب داری ممکن است قفل را باز کند.
- حرف زدن بدون فکر مانند تیراندازی بدون نشان به هدف است.
- هر چیز درد نیاید شده زیبا است اما زیباتر از همه گشته شدن و جان دادن در راه

آزادی و وطن است.

- با مردم دانا از در حيله در آمدن چنان است که آب را در دهن جویین.
- حفظ جان واجب است اما حفظ وطن و آزادی واجب تر از آن است.
- خردمند طالب کمال است و نادان خواهان مال.
- آدم تنبل از يك گوشه که بگوشه دیگر خزید می گوید که عجب سیاحت دور و دراز انجام

دادم

است.

گروه دیگری از دانشمندان به این عقیده هستند که باید ذوق و علاقه اطفال را درست درک نمود و درست رشته‌های مورد علاقه او را دریافت مانند رشته ریاضی، نقاشی، شعر، ادب، فزیک، ورزش و غیره خلاصه هر کتابی که طفل از مطالعه آن لذت برد و بتواند ذوق طفل را اقناع کند در دسترس او قرار داده شود.

این بحث ارتباط به اطفالی دارد که هنوز دوران شگفتگی استعداد و ذوقی آنها آغاز نشده است که بعضی از آنها به کتابها بیکه زیاد قصه‌های خوش آیند دارد روی می‌آورند.

دسته دیگر از محققان، جدایی میان پدر و فرزند را عامل اصلی گریز اطفال از یادگیری، مطالعه و تحصیل می‌دانند و عقیده دارند که خاطره پدر و مادر و مشاهده جای خالی آنها سبب اشتغال دایمی فکر کودک میشود و طبیعتاً حوصله برای مطالعه کتاب برای او باقی نمی گذارد.

با اینکه این نظریه طرفداران فراوانی دارد و با برخورد هایی که مردم در اجتماع میکنند تا اندازه این عقیده را قبول نموده‌اند، لیکن اگر

نظری به زندگی نابغه ها، بزرگان و رهبران جهان به افکنیم می بینیم که بیشتر از آنها از داشتن نعمت پدر یا مادر محروم بوده‌اند و با

وجود این برای اجتماع خود و حتی برای جهان بشریت مولر واقع شده‌اند.

همچنان اگر پدران و مادران به این عقیده باشند که توسط تنبیه کردن، سلی زدن، ناسزا گفتن اطفال را مجبور به مطالعه، نوشتن و غیره میکنیم نه تنها مفید نیست بلکه نتیجه است آموخته‌است که ظاهر این اطفال به مطالعه چه کتاب درسی و چه غیر درسی می پردازد اما با استفاده از کوچکترین فرصت یا روی صافه کاغذ به نقاشی می پردازد. یا تلویزیون تماشا میکند و یا با برادر یا خواهر خود سر صحبت را باز میکند و یا به روی کتاب خوابش می برد، بنابراین، اگر توجه و مراقبت پدر و مادر این است باید گفت بی توجهی به مراتب بهتر است.

پس باید علت اصلی را جستجو نمود: برآستی چه عاملی باعث میشود که اطفال با وجود اینکه از نظر جسمی و روانی کاملاً سالم و تندرست است، و از طرف بیاناتش همه میتوانند درک کنند که سرشار از هوش و استعداد است، طفلی که از زدن و ناسزا گفتن پدر و مادر و شنیدن جملات رکیک نفرت دارد به یقین وحشت او را از درس و کتاب دو چندان می سازد.

باید بگویم که نظر یا ت بالایی را رد نمیکنم اما با اطمینان می گویم که هیچیک از علل گفته شده نهایی و قطعی نیست پس علت اصلی را جستجو کنیم که نیازه توضیح بیشتری دارد. اولتر از همه باید شخصیت طفل را مورد مطالعه قرار دهیم پس از درک شخصیت طفل میتوانیم علت را پیدا نماییم که یقیناً راه رفع ایسن مشکل آسان میشود.

شخصیت اجتماعی چیست؟

آزمایش های گوناگون روانشناسی اجتماعی ثابت کرده است که طفل هنگام تولد کاملاً فاقد شخصیت است این اطرافیان او است که آرام آرام به طفل شخصیت می دهند و این شخصیت به مرور زمان رشد میکند و شخصیت اجتماعی او امی سازد.

البته اطرافیان طفل عبارت از پدر، مادر، خواهر، برادر او، پس باید گفت که: «شخصیت اجتماعی» طفل در خانواده رشد می کند و رفته رفته تصاویری از اطرافیان در مغزش نقش می بندد.

اما این نقش ها تنها شکل ظاهری آنهاست
ارزش و تفاوت وضع اشیا برای او مفهومی
ندارد .

مثلا يك مار ممکن است در اطراف طفل دیده
شود و طفل مانند سامان بازی همراه او بازی کند
اما رفته رفته همچنان به انس
تجربه و تحلیلی که طفل میکند از آن موضوع
درک درست کند چون «تقلید» در اطفال بسیار
قوی است اعمال و افعال اطرافیانش بهترین
نمونه اشق است ، و هر کاریکه اطرافیان
انجام میدهند درست و منطقی نباشد کار های
مثل نیز مورد تأیید دیگران واقع نمیشود و
برعکس اگر اعمال اطرافیان مثبت باشد
شخصیت او درست انکشاف نموده و این
عکس العمل در طفل وضعی را ایجاد میکند که
به آن «شخصیت انکشاف یافته طفل» میگویند .

باید یاد آور شد که اطرافیان طفل را به
دودسته تقسیم میکنند :

دسته اول که مستقیما با طفل در تماس و
معاشرت هستند و دسته دوم کسانی که ندانند و
غیر مستقیم با طفل در تماس می باشند .

اعضاییکه در ارتباط مستقیم با طفل اند عبارت
اند از پدر، مادر، خواهر و برادر طفل دانشمندان
روانشناسی سه مرحله را در ساختن و یا انکشاف
«شخصیت» طفل و دوران تکامل آن در نظر
دارند :

مرحله اول : تقلید کور کورانه، که از روز
تولد تا سه سالگی است و در این مدت طفل
مطلقا بدون تفکر از اطرافیان خود تقلید میکند .
مرحله دوم را به نام مرحله
بازی نیز یاد میکنند که از سه سالگی تا پنج
سالگی ادامه می یابد .

درین مرحله طفل «خود» را می شناسد و در

برابر هر کاریکه اطرافیان او انجام میدهند
عکس العمل نشان میدهد و تمام کردار، رفتار
و گفتار بزرگان را در قالب بازی های طفولانه خود
تقلید میکند .

بهار نارنج

در فصل بهار درختان نارنج
شکوفه می کنند و گل سفید و
معطر ی بو جود می آورند که به
آن بهار نارنج می گویند .

در طبابت یسوانانی از گل
یعنی شکوفه و میوه و برگ درخت
نارنج در موارد مختلف استفاده
می کنند . زیرا این قسمت های
درخت نارنج دارای خواص ضد
تشنج و درد ، خواب آور، معرق،
مقوی معده ، تب پرو... است .

برگ و گل درخت نارنج
اختلالات عصبی را مانند تشنج
قلب ، فلج های عصبی ، تشنجات
معدوی بی خوابی و را تسکین
و تخفیف می دهد .

مصرف مقداری از برگ و گل
نا رنج هضم غذا را آسان نموده
و در حین حال عرق آور نیز
می باشد پوست نارنج برای معده
هایی که ترشح زیاد دارد بهترین
دوا و داروی موثر می باشد که
مصرف آن درین حالت معده را
تقوی نه نموده و اشتها ی دو ران
سلامتی را با زیر می گرداند .

طرز دیگر استفاده از پوست
نا رنج اینست که پوست آنرا به
تکه های خورد تبديل نموده یعنی
به اصطلاح خلال می نمایند و بعد
می گزارند که خشک شود بعدا يك
قاشق آنرا در يك گیلان آب
انداخته بعد از جوش دادن برای
مدت پانزده یا بیست دقیقه
آنرا دم می دهند و هر روز يك

مثلا نقش يك معلم ، يك کيسه گار ، پدر
خاندان ، مادر ، خواستگار
را اقتدر ماهرانه تمیزل میکند که
کوی درین وظیفه مهارت خاصی دارد مثلا اگر

گیلاس آنرا قبل از غذا صرف
می نمایند که باعث اشتها ی خوب
می گردد .

همچنان اگر پوست نارنج تازه
نصف کرده شود و زیر خر پیچ (یعنی
آتش) قرار داده شود بهتر یزادویه
یسی برای التیام زخمها محسوب
می گردد .

از شکوفه درخت نارنج ها نند
عرق گلاب عرق می گیرند که دار
رست برای آزارش اعصاب و
سردردی و شکم دردی .

واکثر خا نواده ها خلال نارنج
را با برنج یکجا طبخ نموده که
غذای مفید و خوشمزه یی بنام
نا رنج پلو تهیه می شود . اگر
اندکی از جنبه های دارو یی
نا رنج دور پرویم بد نیست که

نوعی از استفاده یی را که خانمها
برای زیبا یی خود از نارنج می
کنند شرح دهیم بعضی از خانمها
و دختران جوان که پوست روی
شان دارای سو را خهای کوچک
است که اگر دقیق شویم می
توانیم آن سو را خها را ببینیم
مسلمما که چنین خا نمهای ازدا
شتن چنین سو را خها در جلد خود
نا را حث هستند . این خا نمها
برای رفع این نقیصه آب نارنج
را با عرق گلاب مخلوط نموده
و هر روز روی خود را با آن می
شویند که بعد از چند ی جلد
آنها زیبا یی و طراوت خود را
باز می یابد .

پدر یا مادر مقابل طفل به مطالعه روزنامه
مجله و یا کتاب بپردازد و طفل کتاب یا مجله
را برداشته و به تقلید از پدر و مادر می پردازد
و نظا هر به خواندن میکند .

مرحله سوم از پنج سالگی به بعد آغاز میشود
در این مرحله اطفال زیاد تر به بازی های گروهی
یا گروهی شروع میکنند و زیاد تر علاقه مند
که در بازی های دسته جمعی حصه بگیرند و در
حقیقت شخصیت واقعی خود را نشان میدهند .
شخصیتی که کاملا ساخته و یافته مشاهدات
مرحله دوم زندگی او یعنی از سه سالگی تا پنج
سالگی است . و روانشناسان به این عقیده
هستند که شخصیت هر کس ، انعکاس دهنده
شخصیت اطرافیان او ست و طفل را مثل يك
آئینه پاک خوانده اند یعنی دیگران شخصیت
های خود را در آئینه پاک ذهن او منعکس می سازند
و آنگاه از مجموع این شخصیت ها شخصیت
اجتماعی طفل شکل میگیرد .

پس هرگاه طفل از درس و کسب دانش و
خواندن کتاب و مطالعه فارامی کند باید علت
آنرا خانواده و اطرافیان او جستجو نمود زیرا
خانواده تأثیر مستقیم روی طفل می گذارد .

و برای اینکه اطفال عادت مطالعه را پیدا کنند
همیشه پدران و مادران به مطالعه بپردازند
و طفل هنگامیکه می بیند پدر یا مادر و یا خواهر
و برادرش مطالعه میکند، به تقلید از آنها
به خواندن کتاب شروع میکند و فورا به مطالعه
روی می آورد .

شاید در اول این کار به پیروی از حس
تقلید باشد لیکن رفته رفته جزء عادت او میشود
و شخصیتی را اینطور می سازد خواندن و
نوشتن را عادت روزانه خود می داند و مانند پدر
مادر عمل میکند .

درین وقت که طفل با تقلید از پدر و مادر
به کتاب و مطالعه علاقه مند شد باید پدران و
مادران برای تهیه کتابهای در خور سن ، سال
ذوق و استعداد پرداخته و طفل پس از مطالعه
این مواد تهیه شده به سوالات گوناگون از پدر -

مادر و اطرافیان می پردازد و درین وقت است که
آنها با حوصله و در خور فهم و برداشت طفل
باید به آن ها پاسخ دهند و هم بگویند که طفل
زیاد تر کتابهای درسی خود را مطالعه کند .
قبول این روش رفته رفته وحشت مطالعه
و یاد گیری را از ضمیر طفل پاک میکند و شوق
روز افزونی به اینکار در او پیدا میشود .

دیگر پدران و مادران و مربیان متوجه این
موضوع باشند که محیط مساعد طفل را زیاد تر به
مطالعه می کشاند زیرا اگر محیط مساعد برای
فراگیری موجود باشد طفل به چیز دیگر
نمی اندیشد .

چيستان

عجایب گنبد و الاتباری
نه در دارد ، نه دیوار و حصاری
بنایم قدرت پروردگاری
در دلش هست لشکر بشماری
جواب خشخاش

عجایب صنعت نادیده دیدم
پروریان به بستان تازه دیدم
چودست کردم گل از باغش بچشم
بیک محمل دو صد دردانه دیدم
جواب انار

نوی زمانه

راغله راغله راغله ، نوی نوی زمانه
نوی شوه او نوی زده شوی ترانه
لویزی نسکو زبیری زاده شوی او وراسته
تیره شوه او هیره داو ها موافسانه
گودی چیاو لگودی دژوندون به زوپورجل
وپی یی یرغلونه جانانه او جانانه

دغری هر خه دغری د زمان د خخ پشوکی
لوتی لوتی کیری د فکر ونو جیلخانه
نه شی یتنگیدای زنجیرونه به شلیدودی
شلیزی دیباغی نظر د متو زولانه
زه به دی دگرگی له جگری سره ملگری
خکه می شعرونه کمرل دی لارگی نذرانه

پنځه ويشت کاله پخوا د بين-
المللی سياسي لغاتو په فرهنگ کې
يو نوی سياسي مفهوم ور زیات
شو .
(باندو نک !)

د اسيا او افريقا د خلکو او هیواد
ونو په اجتماعي ژوندانه کې یسوی
مهمې پدیدې ، جغرافیایي نوم
ترلاسه کړې . د اندو نیز یا د خاوری
سمسور او میلېه پالونکي بشپړ
باندونک خپل نوی ویاړ هستوونکي
نوم داسیا او افریقا د هیوادود
کنفرانس له خاطره وگاټه . نوم
چی په ۱۹۵۵ عیسوی کال په دی
بشپړکی تشکیل شو .

کوم شی د دی سبب شو چی د
پنځه ويشتو کلونو له تیریدو
وروسته د دوهم ځل له پاره دایینه
زموږ پام ځان ته را اړوی . نه شی
کیدای چی په دی هکله بیلا بیل
عقاید وجود ونلری .

د باندو نک کنفرانس د یوستر
بین المللی قوت د پیدایښت په
خیر یعنی د مستعمراتی او نیمه
مستعمراتی تړنو څخه د آزادو شویو
هیوادو او لسونو غورځنگ دی چی
د باندونک کنفرانس یی په نړیواله
سطحه د عامو دموکرا تیکو او کپو
نظریاتو د ریڅو نو په نسبت
لومړنی څرگند وی .

د باندونک دکنفرانس وروستی
اعلامیه تړن هم داسیا او افريقا
د نامتو دولتي شخصیتو نو په
بصیرت او سترگو رتوب باتندی
شاهدی و رکوی چی په هغه وخت
کې یی وکولای شول د شلمی پیری
په دوهمه نیمایی کې د نړیوال
تکامل د بهیر څتی عمده تمایلونه
وخلوی .

د دی کنفرانس گډون کوونکی
خوریدلو ۱۵۰ نسا نانو او اولوسونو
د اساسی حقوقو دفاع ته را پورته
شول او د ملتونو د سر نوشت د
ټاکلو د عادلانه حق د رښتیا کیدو
غوښتنه یی وکړه او د نژادی توپیر
غیر انسانی عمل یی محکوم کړ .
سر بیرې پردی اگرچی د کنفرانس
په وروستی اعلامیه کې په مستقیم
ډول امیر یا لیزم نوم نه و اخیستل
شوی . د هغی د پرو موادو مشخص
امپریا لیستی ضد تمایلونه درلودل .
د دی تمایلاتو له جملی څخه یو هم
د کنفرانس په واسطه د خلکو په
اسارت کې راوستل لاسبری او د
خارجی استثمار غوڅه غندنه وه .
د باندو نک د کنفرانس پټه
وروستی سندکی راغلی و چی :

((. . . استعمار د هغه په ټولو
بشپړاندو کې یو دارنگه فلاکت دی
چی باید یی له ځنډه پای ته ورسول
شی))

دا نظریی چی امپریا لیستی ضد
خصلت یی درلود په اوږده موده کې
په بین المللی ډگر کې د مخ په وده
هیوادو د ډله ایزه اقداماتو اساسی
مضمون تشکیللا ده .

باندو نک همدارنگه د اسيا او
افريقا په تاریخ کې نو مړنی غونډه
وه چی په نوږه سطح کې یی سوله
ایز ژوند - سوله ایز کار او سوله
ایزی را تلونکی ته د دی دوه لویو
وچو دو لسونو تمایل اعلام کړ .
کنفرا نس خپله زوره اندیښنه چی
د هغی زمانی د ((سړی جگړی))
په وخت کې د بین المللی اوضاع د
کې کیچن کیدو سره په رابطه کې
اوله هغی څخه د رامنځ ته شوی
اتومی جگړی د خطرونو په مقابل
کی څرگنده کړه او دسولی او امنیت
د بنسټونو د ټینګښت د وسلو
نښت د پوره بی وسلی کولو په
لاره کې د یو گام په خیر - په
اغیز ټاک بین المللی نظارت سره د
دزروی وسلی له منځه وړلو ته بلنه
ورکړه په دی ترتیب سره داسیا او
افریقا هیوا دو نو - د دی

مهمی بین المللی مسئلی په نسبت
خپل دریځ په دقیق ډول سره
مشخص کړ او په څرگنده توګه یی
وښود له چی نه غواړی د دی مسالی
دخل له جریان څخه په جنګ
اوسی .

کنفرانس د بین المللی مرستی
د مسالی په نسبت پراخ - هر
اړخیزه او دور اند یشانه چال چلند
درلود ، او هڅه یی وکړه چی دی
مرستی ته د سوله ایز گډ ژوند
دوستی او ښه گاوندی ثوب روح
ور پو کړی . دا قضا دی مرستی په
مسایلو باندی - د متقابلې گټی او
د ملی حاکمیت حق ته د درناوی
په بنسټ تکیه شوی وه . کنفرانس
گډون کوونکو هیوادو ته توصیه
وکړه چی د بین المللی قیمتونو د
ټینګښت له پاره او دامو موادو
د غوښتنی په هکله گډی هڅی
وکړی او د دی مسایلو په خپرنه کې
په بین المللی غونډو کې یو شان چال
چلندو لری . د آزاد شویو هیوا دو
دالو ری د باندی سو دا گړی
په زمینه کې د امپریا لیستی حکم
چلولو په ضد - وروسته په اوپایمو
کلونو کې په یو عمده تمایل باندی

واوښت .

د باندو نک کنفرانس همدارنگه
داسیا او افريقا هیوا دو نو
تر منځ د فرهنگي تماسونو خاص
رول ته اشاره وکړه او په عین حال
کې یی په نړیواله سطح کې دپراخو
مرستو اهمیت یادکړ او په دی هکله
یی د هر ډول توپیر ډله مینځه
وړلو غوښتنه وکړه . د اجتماعي
پر مختک د مسایلو سره په رابطه
کې داسیا او افريقا د هیواد و له
پاره نوی اصولی چال چلند د
دکنفرانس په واسطه په تصویب
شوی وروستی سند کی ثبت شو .
په دی اسانس چی ((ټول هیوادونه
باید حق ولری چی په آزادانه توګه
خپل سیاسي او اقتصادي دی
سیستمونه او د ژوند طریقې))
د ملګرو ملتونو د سازمان
اساسنامی د مفهوم له مخی غوره
کړی . د کنفرانس گډون کوونکو
په عملی توګه دامپریا لیزم «د حق»
چی دودی په حال کې هیوادوباندی
خپل په زړه پوری اجتماعي نظام
وروستی ، نفی کړ . وروسته بیلا
د مستعمراتی سیستم د وروستی
تس نس کیدو په جریان کې - په
نړیوال ډگر کې د سو سیا لیستی
لوری په مخ کې نیوونکو هیوادو د
ورځ په ورځ زیاتیدو نکي شمار سره
دانفی ، په واقعیت واوښته .

با لخره د کنفرانس په اعلامیه کې
د سوله ایز گډ ژوند اصول :
((پانچا شیل)) په خپل مشخص
شکل کې چی په هماغه وخت کې یی
بین المللی شهرت تر لاسه کړی و ،
ځای شول .

د باندو نک د لاس ته راوړنو په
اجمائی راغونډونی سره کسولای
شو نتیجه واخلو چی د ځینو
ارتجاعی محافلو د مخالفت سره سره
بالاخره د سولې په شرایطو کې د
خپلواکی وده په لاره کې د استعمار
لمنځ څخه دآزایدو نکو هیوادو او
خلکو اساسی لوری نیول ، داکثریت
په وسیله تصویب شو . اما په هغه
وخت کې په کنفرانس کې د گډون
کوونکو د نیت په هکله دا یوازی
یوه اعلامیه وه چی په راتلونکی کې
یی باید تحقق موندلای وای .

د یوی دا رنگه لوری نیولی په
خاطر ډیری سختی مبارزی په مخ
کې وی اومتا سفا نه ، داسیا او
افريقا ټولو هیوادونو او له هغی
جملی د باندونک د کنفرانس

لیکونی : ساردا میترا دهندو-
ستان د کمونسټ گوند دملی شورا
غړی

ژباړونکی : حضرت گل (حسامی)

دباندونک

افکار

او زموږ

ددوران

واقعیت

گهون کور و نه شول کولای چی په راتلو نکی کی د باندونک دروغ او مصو بو په نسبت خپله وفا داری څرگنده کړی . د ((سړی جگړی)) قیودات ، او سیاسي او نظامی پکتو نو پوری تعلق چی دامپریالیزم له خوا رامنځ ته شوی و ، په ځینو مواردو کی واقعی استقلال ته له تمایل - او په بین المللی چارو کی د مستقل نقش خخه پیسپاوری را څرگند شول .

په ظاهري توگه - د دی علت چی د باندونک د کنفرانس وروستی تصمیم دآسیا او افریقا د هیوادو د نوی کنفرانس درابلی په هکله په کاروانه چول شو ، هم همدا واقعیت و .

سره له دی هم ، اصلی لوری نیول چی په باندو نک کی مشخص شو ، په همیشنی ډول - سره ټینګیری . د امپریالیزم او استعمار په زیان په نړی کی د قوتونو د انډول تغییر ، چی د سو سیالیستی سیستم د قدرت وده او داستعما ری امپریالیزم د تس تس نس کیدو د پروسه زیات چټک کیدلو (په تیره بیا په افریقا کی د شپیتمو کلونو په پیل کی) په دی شاهدي ورکوله له دی چاری سره مرسته وکړه د استعمار د تس تس نس کیدو او د لسگونو هیوادو د آزادی د اعلامیه سره یو ځای آزادی بخښو نکی مبارزی پخپله ژوره محتوا ترلاسه کړه چی نه یوازی د انگلستان او فرانسې او نورو د مشخص استعمار سره بلکی د امپریا لیزم سره د هغه سیستم په څیر چی د دی هیوادو اسارت ته یی ادامه ور کوله او هڅه یی کوله چی له هرڅه وړاندی یی په

هغوی باندی په اقتصادی زمینه کی نوی استعماری اسارت او هراړخیزه تر نه تحمیلو له ، لاس او کریوان کیده .

په عین حال کی څرگند یدله چی د بین المللی اوضاع کړ کیچن کیدل او ((سړه جگړه)) چی یو غوره عنصر یی د امپریا لیزم او له هرڅه وړاندی د امریکا د امپریا لیزم په واسطه او له هغی جملی په آسیا کی د نظامی پکتونو د سیستم ایجادول دی . په دی مبارزه کی د بری د تر لاسه کولو له پاره خنډونه رامنځ ته کوی . دا پکتونه لکه سینتو - سننټو (په پیل کی د بغداد پکت) چی شوروی اتحاد ته متوجه وو ، د

امپریا لیستانو له خوا زموږ په لویه وچه کی له هرڅه وړاندی دنوی استعماری هڅو فو نو د ترسره کولو د آلی په څیر په کاریدل . په دارنگه شرایطو کی د ۱۹۶۱ کال په سپتا مبر کی د بلگراد په کنفرانس کی د ناپییلو هیوادو غور څنګ له سازمانی لحاظه شکل ونیو . دی کنفرانس د باندو نک د افکارو ژوندی پاته کیدل په څرگنده توګه وښودل او داسی ښکاری چی په نویو شرایطو کی د هغوی د فعالیت ادامه ده . په باندو نک کی تدوین شوی اصول چی پورته اشاره ورته وشوه د غور څنګ د پروګرام بنسټ تشکیل کړ . په بلگراد کی یی یوبل اصل یا محدودیت ، یعنی نظامی پکتونو سره د نه یوځای کیدو اصل په هغی وراضافه کړ ، او له ملی آزادی بخښو نکو غور څنګونو سره مرسته د ناپییلو د غور څنګ د یوی غوره وظیفی په عنوان وټاکل شوه .

نظامی پکتونو سره د نه یو ځای کیدو فکر لکه څرنګه چی پوهیږو د هندوستان ددولتی نامتو شخصیت او د هغه هیواد د لومړنی صدراعظم جواهر لعل نهرو له خوا مطرح او فرمول بندی شوی و . هیواد پال او دموکرات جواهر لعل نهرو درک کوله چی د خپلواک شویو هیوادو راتلو نکی سر نوشت تر زیاته حده پوری په نړیواله سطح کی د مستقلو دریځونو په نیولو کی د هغوی د پیاوړتیا پوری اړه ولری . جواهر لعل نهرو د خپلواک هندوستان د راتلونکی باندینیسی سیاست په هکله د سنجش او تفکر په ترڅ کی د ۱۹۴۶ کال په سپتامبر کی د ډهلی له رادیو څخه

په خپلی بیانی کی اعلام کړ چی قصد لری د ټولو بین المللی مسایلو په نسبت خپل دریځ د هندوستان گټوته په پاملرنی سره وټاکي او په نړیواله سطح کی (د هغه ډلبنډیوله سیاست څخه چی یو ډبل په وړاندی ولاړ دی په څنګ پاته شی) د هغی دوری په شرایطو کی د سو سیالیزم هیوادو په ضد (سړی جگړی) ته د امپریا لیستانو له خوا لمن وهل کیده او مشهور جون فاستر - دالس اعلام کړی و . هر څوک چی (له مونږ سره نه دی زموږ مخالف دی) د هغه دریځو نو امپریا لیستی ضد ماهیت کوم چی

جواهر لعل نهرو فرمو لېندی کړی و دارنگه رو ښانه و چی د دالس د زیر عکس العمل موجب شو او هماغه دالس و چی دا دریځ یسی (له اخلاقی مبادیو سره مغایر) ونو داوه .

وروسته بیا نهرو څو څو ځله توضیح کړه : که چیری هندوستان اعلام کړیدی چی د یوی ډلبنډی پوری به ونه ټیښلی ، داچاره په بین المللی مسایلو کی له بی طرفی انفعال یا ځانګړتیا غوښتنی سره هېڅ ډول ګډه وجه نه لری او د (دو څوکیو په منځ کی د کښینا - ستلو) په معنی نه دی . د دی په خلاف نهرو په ناپییلتوب کی د هند له پاره هغه امکان لیده چی په نړیوال ډګر کی په فعال ډول او په خپلواکی کړی نلاری سره د عمل میدان ته ودانګی . نو موږی دی ته تیاری وښود له چی له ټولو هیوادونو سره د برابر و حقوقو په بنسټ مرسته وکړی او په مشخصو مسایلو کی له هغوی څخه ملاتړ وکړی کوم چی د هند له ګټو سره موافق دریځونه لری .

د پام وړ ده چی نهرو د مانیل او بغداد د تړون د لاسلیک کیدو په ارتباط (چی د دی تړونونو په سبب) دآسیا په جنوب ختیځ او جنوب لویدیځ کی نظامی بلو کونه تشکیل شو) د ناپییلتوب د سیاست محتوا لا زیاته مشخصه او دقیقه کړه . نهرو په دی هکله د هند په پارلمان کی څرگنده کړه .

د هغه عواملو څخه د استفادی په ځای چی د سولی ، بی وسلی کولو او د کړی کیچ د کمښت په لوری کی عمل کوی ، هغوی په قصدی توګه ددی عواملو دودی مخه نیسی اونور تما یلات چه د کرکی وحشت او اندیښنی حس پیاوړی کوی اود بی وسلی کولو مخه نیسی هڅوی . نهرو ددی یادو نه وکړه چی حتی دمانیل په کنفرانس کی دهند ساده ګډون «پاتی لایه سیتوکی دغږیتوب منل» به په دی معنی وی چی مونږ دخپل ناپییلتوب له اساسی سیاست څخه مخ اړولی دی .

په دی تر تیب کوم وخت چی دنا پییلتوب د فکررېښه دهغه (عدم) په مقطع کی لکه «په هغه بلوکوکی نه ګډون چی دسترو دو لتو نوله خوا منځ ته راغلی دی» تر څیر نی لاندی

نیول کیږی ښکاری چی داستعمار له منګلو څخه دآزاد شویو هیوا دو له پاره ددی امکان غوره کول چی له کومو بلوکونوسره یوشی یانه شی ، اصولا وجود نلری . دآسیا یا افریقا په لو په وچه یابه لاتینه امریکا کی هېڅ یو داسی بلوک نه شته چی دشو روی اتحاد له خواتشکیل شوی وی او اوس هم وجود نلری . یوازی هغه بلوکونو و جود در لود چی د امریکا دامپریا لیزم له خواتشکیل شوی وه لکه سینتو اودبغداد پکت . او خپلواک شویو هیوا دوته یوازی یو - سوال په منځ کی پروت و دی تړونو - کی شامل شی یا تری بهر پاتی شی . او همدادوهم دریځ وه چی بالاخره «دناپیلتوب» په نامه مشهور شو دا دحیرا نتیا ځای نه دی چی دنا پییلتوب دغور څنګ غوڅ اقدام او په طبیعی توګه له هر څه وړاندی دآسیا او افریقا هیوادو دامپریا لیزم استعمار او نوی استعمار د نړی د پالیسی او د سولی او سوله ایزګډ ژوند په خاطر اوله هغی جملی هغه اصول چی «دخپل سر - نوشت دټا کلو له پاره دخلکو حق استقلال اود اقتصادی اجتماعی او فر هنگی ودی دلاری په غوره کولو کی دآزادی امکان» په هغه کی ځای - شوی وه دامپریا لیستانو له خوا دمنفی او سخت عکس العمل موجب شوه . دناپییلتوب ددی ماهیت ډیبل په ضد چی دامپریا لیستی ضدقو - تونو دعا مو دمو کړا تیکو دریځو نو بیا نوونکی دی - امپریا لیزم ترنه پوری خپلی پر له پسې تبلیغا تی جگړی ته دوام ور کوی . اگرکه هر - څومره په خبر وکی «زما نی تغییر خوږ لی دی» خپل ځان ددی غور څنګ او رجن» پلوی» ښیي .

دورو ستیو کلو نو په ترڅ کی دنا پییلتوب دغور څنګ په ضد دارتجاع دسیسو او تو طلو خورا زیات زور اخیستی دی اودا چاره په لومړی پړاو کی په معا صره نړی کی ددی غور څنګ دنقش او نفوذ ډټینه کمښت پوری اړه لری . امپریا لیستان په تیره بیا له دی مو ضوع څخه سخت په تشویش کی دی چی نه یوازی سیا - سی نوی استعمار له ماتی سره مخامخ دی «نظامی بلو کو نو تس نس کیدل دامپریا لیزم پوری دتړلو رژیمو نو نسکور یدل» بلکی نوی استعمار ری اقتصادی لاری چاری هم کوم تا ئیر نه لری .

نور بیا

ادامه میداد ولی مرگ تا به هنگام او را مجال نداد تا افتخارات بیشتر نصیب شود او جوانی بود بشاش صمیمی و دوست داشتنی او در دستگیری و سخاوت به ناتوانان دست کم از دیگران نداشت او علاوه بر مصروفیت های ورزشی اش عضویت اتحادیه های صنفی افغانستان را نیز داشت و درین راه هم خدمات قابل قدری را انجام داده است .

در آخر یکبار دیگر مرگ نا به هنگام وی را به همه اعضای فامیل مرحومی و سایر دوستان و هموطنان شرافتمند خود تسلیم گفته برای مرحومی از باز گاه ایزد متعال طلب مغفرت می نمایم .

بقیه صفحه ۱۵

مولانا جلال الدین...

سایند ، سه روز در آنجا ماند و در دو مین روز ماند نشان به خدمت شیخ عطار رسیدند . عطار ، آنزمان و پسین روز های زندگی را میگذراند ((چند روز دیگر مغولان به نیشاپور میریختند و سرش از تن جدا میگردید))

او که آوازه دانش بهاء الدین را شنیده بود ، در تجلیلش کوشید ، آنگاه عطار جلال الدین را دید که با رقه هوش و هوشمندی از دید گانش سا طع بود .

روبه بهاء الدین کرد و گفت : زود باشد که این پسر تو آتش در سوختگان عالم زند ، نگاهش و سینمایش چنین حکایت میکنند .

جلال الدین که هنوز در آغاز راه دانش پژوهی قرار داشت سر بریز افکند و خموش ماند و عطا سخن سرای پا کدل عرفان پیشه که جلال الدین هرگز یادش را از خاطر نرود ، افزود :

در خموشی او ، یک آسمان سخن میخوانم ...

پس دستها را بر آسمان گشود ، برای جلال الدین دعا خواند ، و برادر آغوش کشید و نسواخت و مثنوی ((اسرار نامه)) را بنام او ساخت .

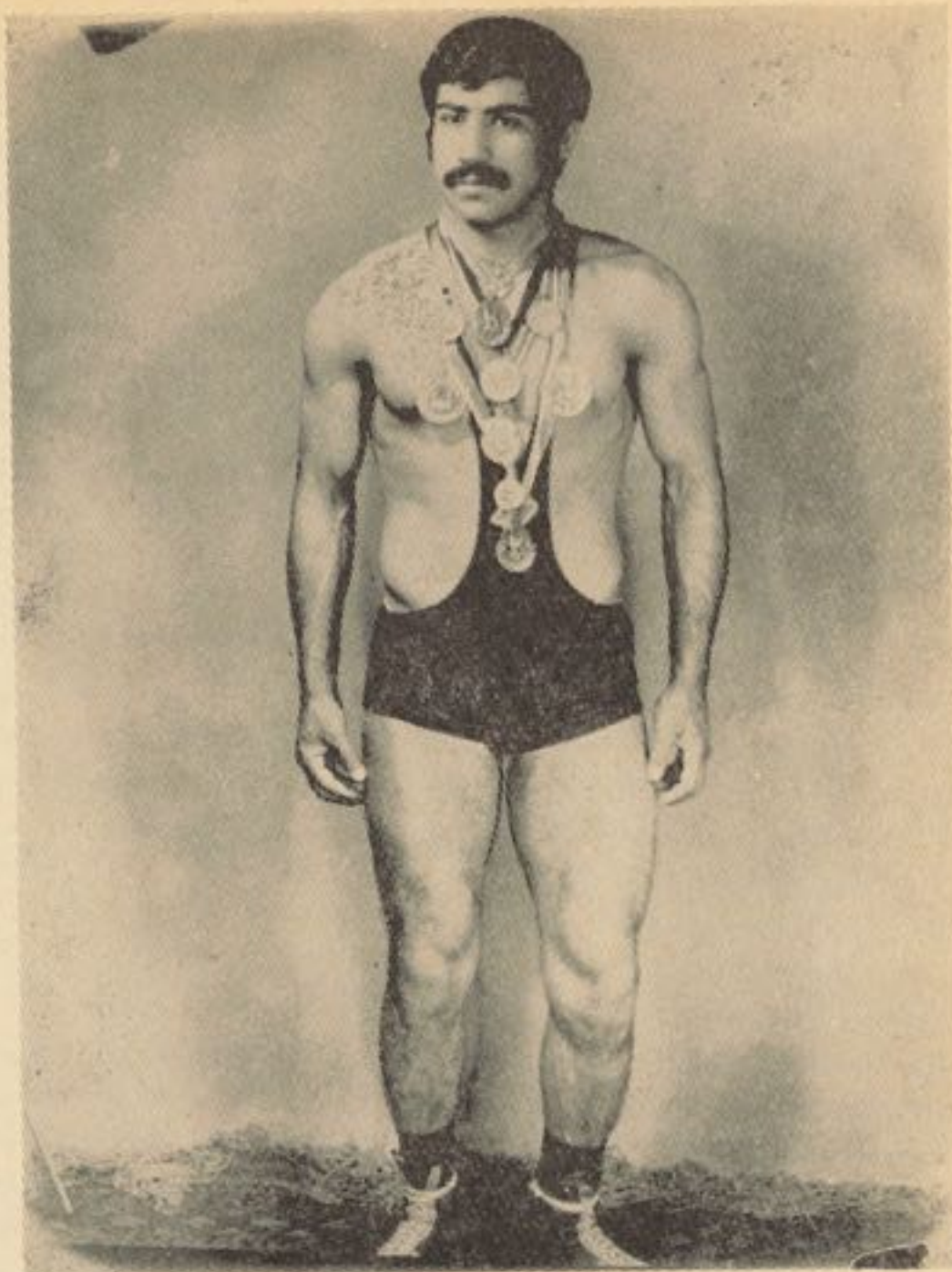
عطار بحق از آتش روح جلال الدین سخن گفته بود .

نا تمام :

ژونون

بادو کشتی گیر دیگر افغانی سفر به کشور پولند نمود . و از آن مسابقات مونقانه به کشور باز گشت . زرگر همراه با سایر ورزشکاران افغانی عازم المپیک ۱۹۸۰ جهانی مسکو گردید و در جریان تمرینات برای آمادگی بیش از پیش آن مسابقات در ناحیه گردن صدمه دید و به اثر توصیه دوکتوران موظف از آن مسابقات محروم گشت .

مرحوم زرگر قبل از اینکه داعی اجل را لبیک بگوید مصروف سپری نمودن دوره مکنیف عسکری بود با آنهم دست از تمرین نکشیده تمرینات خویش را گاهی در کلب ورزشی قوای مسلح و زمانی در کلب ورزشی افغان تحت نظر خلیفه امیر جان



مرحوم پهلوان صدیق زرگر

بقیه صفحه ۲۷

مرگ نا به هنگام...

گذاشت که تمام تماشاگران زال فستیوال بلغاریا به مهارت شجاعت این کشتی گیر با قدرت کف میزدند و احساسات نیک شان را تارزو میدادند سرانجام در پایان آن مسابقات مدال برونز به وی تعلق گرفت و آرام و خونسرد به سکوی قهرمانی همراه با دیگر برندگان مدالهای طلا و نقره بالارفت و سرود ملی جمهوری دموکراتیک افغانستان بخش گردید و همزمان به آن بیرق ملی کشور محبوب مان نیز به افتخار پیروزی این چهره رقهرمان به اهتزاز درآمد .

این چهره پردرخشش پهلوانی کشور در مسابقات انتخاباتی المپیک ۱۹۸۰ مسکو در وزن ۶۸ کیلو گرام شرکت ورزیده و درین وزن با وجود که بار اول بود اشتراک ورزیده عنوان قهرمانی را با مهارت چشمگیر حایز شد و پیش از آنکه تیم عازم د هکده المپیک ۱۹۸۰ مسکو شود وی همراه

مرحوم زرگر در حوت سال ۱۳۷۵ با سایر کشتی گیران افغانی برای اولین بار در مسابقات بین المللی جام دانکولف بلغاریا شرکت نمود که با گرفتن مدال برونز به کشور مراجعت نمود . صدیق زرگر چهره طلایی ورزش پهلوانی کشور در اولین جشن انقلاب نور درین رویداد عظیم و تاریخی با کشتی گیران کشور های اتحاد شوروی بلغاریا ، چکوسلواکیا و عراق دست و پنجه نرم کرد و مدال طلای اولین جشن تاریخی انقلاب شور افغانستان قهرمان را مال خود ساخت . در حوت سال ۱۳۵۸ باز هم در مسابقات بین المللی جام دانکولف منعقد در بلغاریا در وزن ۶۲ کیلو گرام شرکت ورزید .

او در مجموع چهار مسابقه راجنان ماهرانه و استادانه در برابر ورزیده ترین چهره های قاره اروپا (دارندگان افتخارات سر شناس مسابقات مختلف اروپایی و جهانی) پشت سر

عاید ملی در سال...

محسوب میگردد، فروش و صدور گاز طبیعی به اتحاد شوروی برای ما اهمیت خاصی دارد و ضمناً باید گفت که بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند شور، اتحاد شوروی قیمت گاز طبیعی را سه مرتبه بالا برد و در سال روان از درك فروش گاز مبلغ قابل ملاحظه ای یعنی ۱۳۵ میلیارد افغانی بدست خواهد آمد، متقابلاً اتحاد شوروی يك سلسله مواد مهم مورد ضرورت را به ما تحویل داده و اهالی کشور را با گندم، شکر، مواد نفتی، سامان و آلات و غیره مواد مورد نیاز ما تأمین مینماید، موجودیت روابط ثابت و استوار تجاری با اتحاد شوروی و توسعه منظم آن تأثیر مثبتی را بار آورده است که در رشد اقتصاد افغانستان قابل توجهی باشد.

برای حل پرابلم بیکاری و تأمین کار برای نیروهای فعال انسانی در جهت مثبت تولیدی چه پروژه ها و پلانهای عاجل را در دست اجرا دارید؟

جمهوری دموکراتیک افغانستان و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان توجه خود را همیشه روی استفاده معقول و موثر از نیروهای فعال انسانی افغان - نستان معطوف داشته و میدارد تا از یکطرف قوای بشری به طور موثر مورد استفاده قرار گیرد و از جانب دیگر کوشش میشود تا هر فرد نیازمند را با کار و شغل معین تأمین نماید تا بیکاری از میان رفته تسهیلات و شرایط مساعد زندگی برای هر فرد زحمتکش فراهم گردد.

انکشاف و تجدید ساختار بنای مادی و تکنیکی کشور از طریق اعمار پروژه های صنعتی دولتی و خصوصی، فعال ساختن آنها، بهره برداری از اراضی جدید، تأسیس فارم های دولتی و سایر موسسات زراعتی و همچنان رشد سریع امور ترانسپورتی، مخابرات و غیره موسسات و ادارات غیر تولیدی موجب اشتغال اشخاص مستعد به کار خواهد شد.

بابت عمل پیاده شدن همه این طرحها آیا پیش بینی شده میتواند

که تعداد بیکارانی که به کارگمارده میشوند به عنوان مثال تا دوسال دیگر به چه پیمانها خواهد بود و باز هم به صورت مقایسوی فیصدی افزایش کار یا به نظر به دوسال پیش از این در چه حد خواهد بود؟

به اساس پیش بینی کمیته دولتی پلانگذاری جمهوری دموکراتیک افغانستان در جریان سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۲ تعداد اشخاص مشغول به کار به ششصد و چهل هزار نفر و در مدت ده سال به یک هزار و پنجصد و هشتاد و نه هزار نفر و یا چهل فیصد افزایش خواهد یافت.

در سال ۱۳۶۷ - پنج هزار و پنجصد و پنجاه و دو هزار نفر و یا نود فیصد تعداد مجامعی قوای بشری کشور در رشته های مختلف اقتصاد ملی مصروف کار خواهد شد و این نکته قابل یادآوری است که چنین

ارقام بالاترین شاخص درسرا سر جهان به شمار میرود.

به منظور حل موفقیت آمیز مسائل مربوط به کار یابی اهالی طرح و ترتیب پیشنهادات در مورد بهبود سیستم معاشات و تأمینات اجتماعی در چوکات شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان، ریاست عمومی کار و تأمینات اجتماعی تأسیس گردیده که به فعالیت آغاز نموده است، این ارگان با اشتراك وزارت خانه ها و دواير مربوط اهداف حزب دموکراتیک خلق افغانستان را در حصه تأمینات کار و استفاده موثر و درست از نیروهای فعال انسانی در عمل پیاده خواهد کرد.

در شرایط کنونی چه پلان و برنامه ای در جهت مکانیزه ساختن زراعت کشور در دست اجرا دارید؟

نظربه سیر تکاملی و شرایط تاریخی و اجتماعی کشور، زراعت افغانستان بیشتر متکی به میتود های ابتدایی و منسوخ است به همین اساس صرف از راه عصری ساختن تدریجی زراعت بر اساس انکشاف عمران اراضی، تطبیق بیشتر کود های کیمیاوی، اصلاح تخم های بذری و بهبود وضع مالداري با استفاده از وسایل، سامان و آلات مدرن در امور زراعتی میتوان تولیدات محصولات زراعتی و تکامل اگر و تخنیک را تا مین نمود، طرز پیشبرد زراعت و مالداري را بهبود بخشید و ثمر بخشی کار را ارتقاء داد.

بنابراین طبق پلانهای انکشاف اقتصادي و اجتماعی جمهوری دموکراتیک افغانستان در نظر است که زراعت کشور با تراکتور ماشین و افزار کوچک زراعتی معاصر تأمین شود، به منظور فراهم آوری تسهیلات لازم برای دهقانان در مورد خریداری ماشین آلات زراعتی در سال گذشته جمهوری دموکراتیک افغانستان تصمیم گرفت که در قیمت فروش سامان و آلات

اتحاد شوروی قیمت خرید گاز طبیعی افغانستان را بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند شور سه مرتبه بلند برد و در سال ۱۳۶۰ عاید ملی ما از درك فروش گاز به ۱۳۵ میلیارد افغانی خواهد رسید.

زراعتی چهل فیصد کاهش به عمل آورد که این تصمیم به عمل آمد و اکنون در نظر است که به زود ترین فرصت ماساده ترین آلات و افزار زراعتی ساخت وطن را تولید نماییم.

بابت تأسیس استیشن های مکانیزه در کشور اهمیت زیادی قائل هستیم، طی سال گذشته در ولایات بلخ، جوزجان، بغلان و کابل چهار نوع از این استیشن ها تأسیس گردید از کشور دوست اتحاد شوروی که در قسمت ایجاد استیشن های مکانیزه از تسهیلات کریدتی و مساعدت های تخنیکی به ما کمک میکند در حدود سیصد عراده تراکتور، هشتاد عراده کمپاین، یکصد عراده ماشین آلات مختلف النوع زراعتی تولید شده است، با استفاده از این ماشین

ها میتوان کار های مختلف زراعتی را در فارم های دولتی، کوپراتیف ها و سایر اراضی انجام داد، تأسیس استیشن های مکانیزه، در امور مکانیزه ساختن زراعت، به دهقانان تسهیلات لازم را فراهم نمود که در نتیجه امور زراعتی بهبود یافته و محصولات زراعتی افزایش خواهد یافت، در چوکات استیشن های میکا نیزه کورس های مسلکی شروع به فعالیت نموده که در آن کادر های داخلی میکا نیزاتور های ورزیده تخت تر بیه و آموزش قرار گرفته اند.

شما به صورت عموم در پلان گذاری دولتی از چه میتود ها و روش های استفاده میکنید، از نظر کیفی مدل پلانگذاری افغانستان میتود کدام کشور است و برای مدل قرار دادن چه دلایلی دارید؟

سیاست حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان منعکس کننده منافع واقعی مردم زحمتکش افغان - نستان میباشد، این سیاست تعیین کننده اهداف و وظایف پلان نهایی سودمند اقتصادی و اجتماعی نیز میباشد.

امروز شکی نیست که انکشاف متناسب اقتصاد ملی با استفاده موثر از تمام منابع مادی و مالی و قوای بشری و تسریع آهنگ رشد اقتصادی تنها از طریق پلانیزه ساختن اقتصاد امکان پذیر میباشد پلان گذاری علمی به مثابه وسیله حل وظایف مبرم اقتصادی و اجتماعی به شمار میرود.

در هنگام طرح و ترتیب پلان های اقتصادی خویش از تجارب کشور دوست اتحاد شوروی استفاده مینماییم، اتحاد شوروی در جهت تربیه متخصصان پلانگذاری و درمورد ترتیب فورم و میتود های پلانگذاری و در تطبیق آنها به شرایط مشخص افغانستان به ما کمک میکند، هم چنان با در نظر داشت موجودیت سکتور های مختلف، در هنگام طرح و ترتیب پلان های اقتصادی از تجارب دست داشته کشورهای در حال رشد، مانند کشور دوست هند نیز استفاده میکنیم.

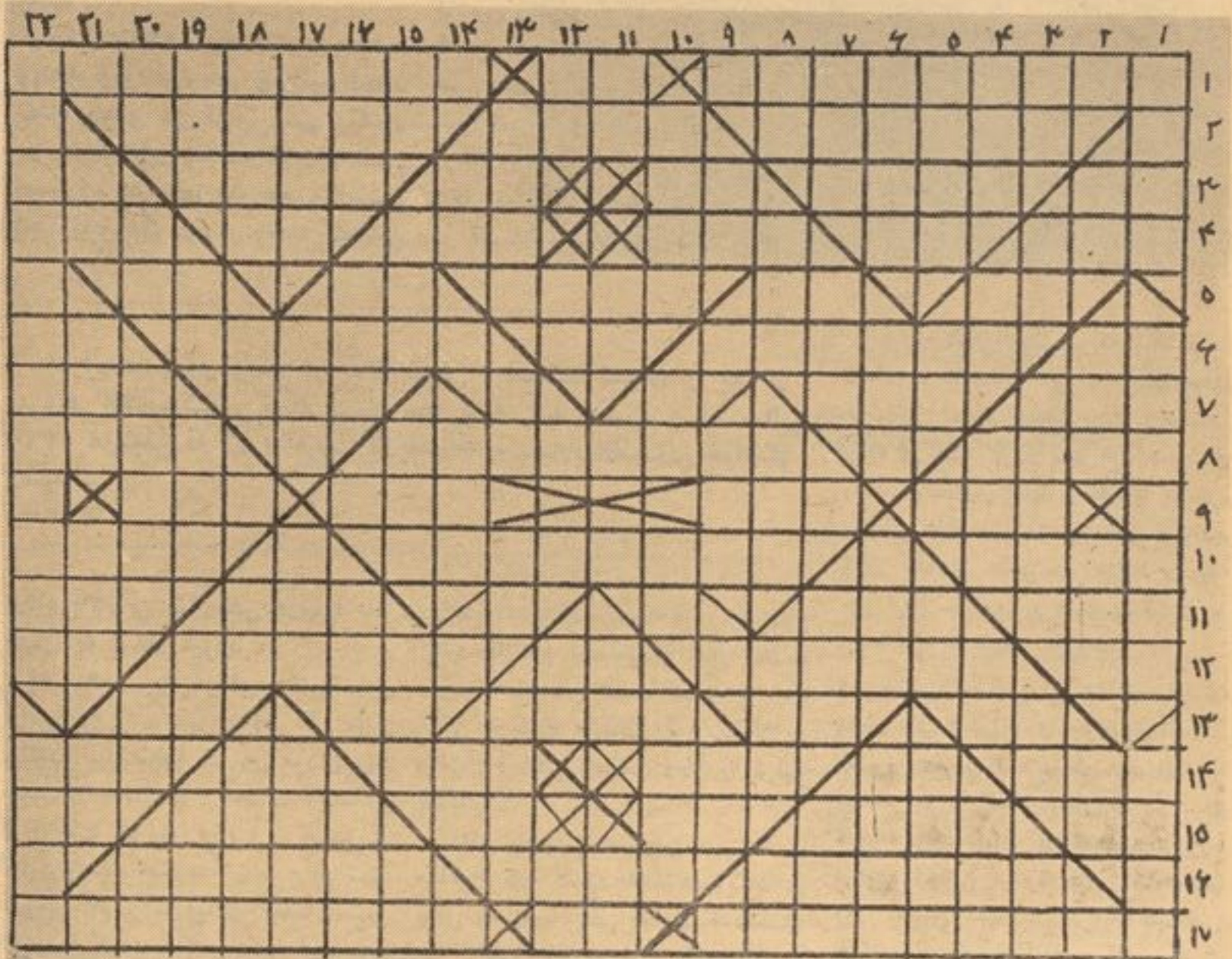
طرح و ترتیب پلان براساس بقیه در صفحه ۵۰



تهیه و تنظیم از: صالح محمد کهنسار

سرگرمی ها و مسابقات

جدول کلمات متقاطع



طرح کننده «بلقیس از لیسه بوبوجانی خیر خانه»

افقی :

- ۱ - یکی از کشور های آسیا یی از امراض ساری و خطرناک توسط خط دیورند از پیکر کشور عزیز ما جدا گردیده است .
- ۲ - یکی از کشور های اروپایی کتابیست از محمد حجازی - جمع سیاره - ۳ - هنر و کمال - از

شعرا ی نامی کشور ما - خود ما را ست نیست - میزیست که بدوران مذاکرات و مباحثات صورت می گیرد . محل - ۴ - رفیق کمان است - ساز ناتمام - سردشمنان کشور را به آن می خواهیم - از آن طرف سیل پراکنده آغاز و انجام هوا - بالای چت قرار دارد - ۵ - ضمیر اشاره - از فلزات

از ممالک عربی - نام خدا - دیوار - ۶ - اجل نارسیده - زندگی آخر سراید زندگی در کار نیست این نمونه شعر اوست - دروازه - از یونان است - فلمی سریال بود که از تلویزیون نمایش داده شده - ۷ - پند پراکنده - وظیفه کارگر از اعضای مهم بدن - منظم آن

فون است - ۸ - گیرنده - از شاهکار های ادبی ویکتور هوگو - برای قهرمانان داده میشود - ۹ - از آن طرف دریای مشهور کشور ما - ناقل برق ترس پشتو - نشان نامکمل - ۱۰ - زبان - اگر آخرش تکمیل گردد نویسنده کتاب کاپیتال است - ردیف کیفیت است - ۱۱ - ضمیر اشاره - زیرش آب سرش آتش است از حروف الفبا است - موت پراکنده - ۱۲ - پهلوان - صفت شخصی که جانش را در راه وطن فدا کنند - ضمیمه به پشتو - شرکت هوایی ایست در کشور ما - ضمیر اشاره - ۱۳ - انفجار آن خطرناک است راه کوتاه - حرکت دهنده - از حیوانات اهلی است اگر معکوس شود یکی از دانه های شطرنج می گردد - عطر زیاد میدهد - ۱۴ - عکس شب - از خوراکی که باب - غبار نا تمام - آچار نارسیده - دو حرف و دو خانه - عکس را در آن می گذارند - ۱۵ - عدد بیگانه - فلمی به اشتراک و - جنتی مالا - وده نکرده - آغاز و انجام برک - نوعی از چا کلیت ها - عکس خیر - ۱۶ - اثر کارل مارکس - از بول های رایج کشور های شرقی - از ممالک غربی - ۱۷ - کلیاتش شهرت زیادی دارد - بالای آب قرار دارد - لذات فلسفه و تاریخ فلسفه اثرش میباشد .

عمودی :

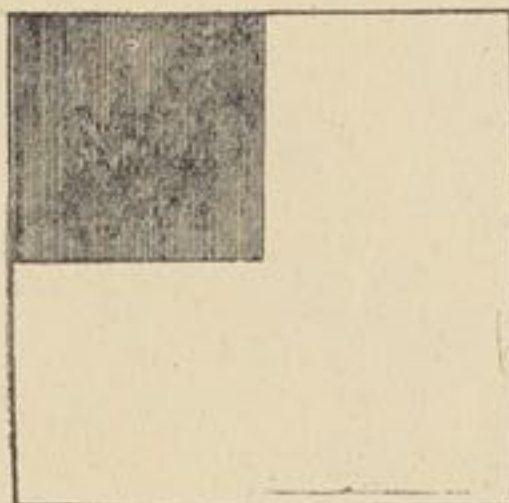
- ۱ - مهر بانی - پایش را قطع سازید تا یکی از کشور های افریقا پی گردد . از سبزیجات بهاری که هم تازه و هم پخته خورده میشود .
- ۲ - موسیقی شبان - از ماه های سال - در اثر زیاد شدن باران از کوه ها سر ا زیر میشود - عدد بیگانه - ۳ - تکرارش صدای حیوانی است که به پاسنداری مشغول می باشد - چهره - از ولایات کشور ما - از حیوانات شاخدار و شوخ - یک حرف و دو خانه - ۴ - انجام نیافته است - شب بی آغاز عربی - آرامی زهر - ردیف کردن - ۵ - از آن طرف به سالنک نرسیده در بین شکلی - چرت زدن ناتمام - منظم آن مبنا است - ۶ - چهره - گردنبند - در قفس سینه جادارد - با تغییر کم شکار میشود - ۷ - اندر نیست - یکی از داستان های ما کسیم - گورکی که بزبان پشتو ترجمه شده - از خزندگان - دوحرفش از ماه های است که روز کارگردان تجلیل

شفابخانه جنگای

های ارتجاع يك بازویش را تاشانه از دست داد بهترین امكانات برای تدای اش توسط شفاخانه مذکور فراهم گردید که در نتیجه بازوی مصنوعی در بازوی قطع شده مذکور نصب گردید که ابتدا بانگاه گذرا شخص اصلا عقلش نمیتواند باور کند که بازو از خودش نیست.

مریض مدعی است که در اثر تمرین ورزش که بوسیله ((خانم هولم)) تنظیم و رهنمایی میگردد، وی ناراحتی اش را توانسته فراموش بدارد. اولیای امور مراکز درمانی آلمان بخصوص مرکز در مسانی متذکره بانندای رسا و صمیمانه و بابانگ مملو از نوعدوستی متذکر شدند که این عمل ما یعنی کمک به زحمتکشان مترقی جهان در واقع حکم همبستگی با نیروهای مترقی وزحمتکشان را دارا است، مافقط در راه اعاده صحت آنها نیکه متعلق به کارگران وزحمتکشان ملل مترقی است، میکوشیم اشعه ایکس نیز درین شفابخانه در راه تدای مریضان و مجروحان موارد استعمال فراوان دارد. در حال حاضر از جمله (سه صد و پنجاه) مریض شفابخانه جنگلی دوبتیزیش از نود فیصد آن، از کشور های

مترقی ونقاط دور افتاده آورده شده است که قسمت اعظم آن معالجه و آماده برگشت به میهن خود اند. دکتر ((یونگ میشل)) متصدی ((شفابخانه جنگلی)) گفت که: برگشت مریضان پس از صحتیابی که آنها به اسرع وقت صورت می پذیرد و خاطرات خوشی که در مان شدگان از وسایل عاجل در مانسی متخصصین ما دارند، بنوبه خود ثبوتی است برای روش خوب ونوع پرستانه ما. ما پیوسته در خدمت زحمتکشان قرار داریم. برای ماکار مندان شفابخانه اعم از دکتوران، نرسمها و متخصصین شفاخانه جنگلی کمال رضایت مندی است که توانسته ایم در راه تحکیم نیروی زحمتکشان و ترقی پسندان و همه آنانیکه در راه بهبودی و بهر روزی بشرگام میزنند، موثریت خود را ثابت بداریم.



پدری بعد از فوت خود يك قطعه زمین را برای چهار پسرش به میراث گذاشت که به شکل مربع بود و لی قسمت چهارم آن شوره زار و متباقی

آن حاصل خیز بود. برادران خواستند که زمین را بین خود تقسیم نمایند اما هر چند کوشیدند نتوانستند که آنرا مساوی و به يك شکل بسازند درین کار عاجز ماندند حالا از شما میخواهم زمین مذکور را طوری تقسیم نمایید که زمین شوره زار درین قسمت شامل نباشد و به يك شکل و يك مساوی تقسیم نمایید طریقه آنرا نیز برای ما بنویسید.

این خواننده جوان کیست ؟



ماچهره یکی از خوانندگان مشهور جهان را به چاپ می رسانیم اگر باچهره اش ویا آوازش آشنایی داشته باشید اسمش را برای ما بنویسید.

ذخیره گاه آب - سمبول سیاه - از آنطرف در پشتو دارم - ۱۷ - به پشتو عروسی - از حیوانات درنده - سه خانه و یک حرف - شکارچی - ۱۸ - منظم روان میشود - رفیق بولت - هنر - عمر را با نو یکجانبه نمائید - ۱۹ - اگر منظم شود رسامی گردد - دوپانزده - ردیف عنبر - حاصل اکسیجن و هایدروجن - سورو شکسته - ۲۰ - توت میان خالی - خوب نیست - پشیمانی - شوق بی آغاز - علامت جمع - ۲۱ - جام نامکمل جبروستم در بین فلم بیمان - ۱ شک نارسیده - ۲۲ - سخن چین - از نویسندگان مشهور و کلاسیک شوروی - از ماه های قمری است -

این علامه چیست ؟

شاید درین فکر خوابید بود که این علامه خطر و مرگ است شاید هم درست فکر کنید مگر برای تان میگویم که این علامه عبارت است از يك نوع تکت پوستی که در یکی از کشورهای جهان برای استفاده به چاپ رسید آیا میتوانید برای ما بنویسید که این تکت برای چه و در کدام کشور به چاپ رسید.



این دختر کیست ؟



به این چهره خوب دقیق شوید از شرق تا غرب و از شمال تا جنوب پدرش را خواهند شناخت اوجیهانیان را خندانند و لی همان قدرت خندانان در چهره دخترش نیز نهفته است آیا میتوانید اسم خودش واسم پدرش را برای ما بنویسید.

این ها کیستند ؟



به این چهار چهره متوجه شوید این ها چهره های مشهوری هستند که زمانی والدین آنها شهرت جهانی داشتند. اگر با اسمای آنها آشنایی داشته باشید برای ما بنویسید.

اهداء : به زنان مبارزی که در بدترین شرایط استبداد درفش نبرد را بر زمین نگذاشتند.

نوشته : و . کور لنکو
ترجمه هومن

چند نکته در باره نویسنده :

ولادیمیر کورلنکو ، معروفترین نویسنده پایان سده نهم و بیستم (۱۸۵۳-۱۹۲۱) یکی از چهره های شناخته شده عصرش بود. ماکسیم گورکی، نویسنده و بنیان گذار سبک واقع گرایی اجتماعی ، که با کور لنکو آشنایی نزدیکی داشت ، در مورد او می نویسد :

((هر قدریکه به او نزدیک می شدم ، به همان اندازه به این باور می رسیدم که کورلنکو بزرگترین انسان گرای زمانش هست . من هرگز در بین ادمان متمدن ، به اندازه او به مردی بر نخورده ام که مانندش تشنه حقیقت و عدالت باشد و هیچکس هم تایی او در جستجوی حقیقت زندگی نبود .)) میراث ادبی کورلنکو ، شامل داستان های کوتاه ، ناول های کوچک و کتاب پر حجمش به نام ((تاریخ معاصر)) که در آن نیم سده رویداد های زندگی روسیه انعکاس یافته ، تصاویری از سایبریا ، جاییکه او در تبعید بسر برد و خاطرات تو لستوی ، جخوف ، گار سین و نویسندگان دیگر می باشد .

با این کلمات می توان به ژرفای باوروی به آزادی انسانی پی برد :
((انسان به شادی چنان نیاز دارد که پرنده به پرواز)) .

((راننده ، تا ایستگاه فاصله زیاد مانده است .))

((فکر می کنم که پیش از توفان به آنجا نرسیم . ببین ، توفان برف چه قیامتی بر پا کرده است . مثل اینکه قطب شمال بر ما نازل شده باشد !))

به راستی توفان برف ، لحظه به لحظه نزدیکتر میشد . نزدیک شدن شب ، سوز هوارا شدید تر ساخته بود . توتاهای برف زیر چرخ گادی برفی (نوعی از گادی های بدو ن چرخ که در مناطق سرد و پر برف ازان برای حمل و نقل کار میگیرند .)

به هرسو پراکنده شده ، واز سوی جنگل انبوه و تاریک زوزه بادی سرد زمستانی ، زمستان کشنده شمال ، به سوی ما راه می کشید . شاخه های درخت های یخ زده جرنگ جرنگ به هم می خورد و انبوه درخت های کاخ دران شام زود رس و تاریک زمستانی ، بهم فشرده و تیره تر به نظر می آمد . سردی و نارامی ، برای آزار

ما دست به هم داده بود ! ارا به برفی تنگ است و میله های آن دو پهلویم را می آزارد . شمشیر و تفنگچه های سپاهیان ، جرق جرق به هم میخورد و صدای دینگ دینگ زنگ ارا به برف رو همراه با فریاد توفان برف ، بهم می آمیزد .

ولی خوشبختانه ، بالاخره در حاشیه جنگل ، نور کم رنگ ایستگاه ازدور پدیدار شد .

دو سپاهی ، در حالیکه صدای بهم خوردن پراق های جنگی شان به خوبی شنیده می شد ، در دروازه يك کلبه تاریک داغ و پر از دود ، برف را از سر و روی شان تکان دادند . این کلبه دود زده را ایستگاه می نامیدند . زن خانه که نا آرامی و اندوه از سر و رویش می بارید ، يك تریشه چوب سو زان را در اجاق زمینی ، جا به جا کرد : زن چیزی است که بخوریم ؟

به خانه چیزی نیست . ماهی ، شما نزدیک دریا قرار دارید . چیزی ماهی که داشتیم همه را پلنگان آبی بلعیدند .

خیر کچالو ...

نی مردان خوب ، امسال کچالو ها را همه یخ زد .

وضع همینطور بود . و لسی خوشبختانه که سماوار را آتش انداختند . جای کمی ما را گرم ساخت .

زن خانه کمی پیاز و نان خشک در بیرون ، توفان برف لحظه به لحظه را در تگری بیدی برای ما آورد . افزایش می یافت . گرد برف تن خویش را به شیشه های کلکی می زد و شعله چراغ تب تب می لرزید و بل و گل می شد . زن می گوید :

شب را باشید . در این عوای توفانی کی رفته می توانید ؟ یکی از سپاهیان جواب می دهد : بسیار خوب ، می مانیم . رویش را به طرفم گشتا نده با لحن پر سنده گفت :

آقا شما خو بسیار عجله ندارید . می بینید که این جا چه جایی است و شمارا کجا می برند ؟

سکوت بر کلبه بال گسترده . زن خانه نیز قتیله چراغ را با صدای خشکی پایین کرد . آن را بف نمود ، و خوابید . تنها صدای دیوانه وار باد ، سکوت اندوه بار و غم انگیز را می شکستاند .

خواب نمی توانستم . مثل اینکه فریاد توفان برف خوابم را بر هم زده باشد . افکار دلتنگ کننده و ملالت انگیز ، یکی پشت دیگر بر ذهنم فشار وارد می کردند . همان سپاه می زاندارم ، کلبه بیشتر سخن زده بود با لحن مودب پرسید :

آقا هنوز خواب نکرده اید ؟ او سر پرست دو سپاهی دیگر بود . آدم دوست داشتنی به نظر آمده و چهره مهربانش جلب توجه می کرد . او که در کارش آدم چالاک بود می توانست کمتر خشن باشد و به همین دلیل کمتر سختگیر بود و به مقررات خشک اهمیت چندانی نمی داد .

خوابم نمی آید . ((می خواهم برایت قصه یسی بگویم ، البته اگر خسته نمی شوی . حادثه ای که بر خودم گذشته است .))

گفتم ((مهم نیست بگو .))
بخش دوم
در سال ۱۸۷۴ ، وارد خدمت عسکری شده و به قطعه سوار ی شروع بکار کرد .

ژوندون



به دندان گزید . چه نگاه تکان
دهنده ! اگر راست بگویم مرا
ترساند و جرأت نکردم به او نزدیک
شوم و لی ایوانف به مثل همیشه
آدم بی مبالا بود ، هم چنان
پافشاری کرد . به طرفش نزدیک
شد و گفت :

((امر آمر است !))

دختر چنان چیغ زد که حتی
ایوانف گامی به عقب گذاشت .
رنگ چهره اش پریده تر شد .
خون از صورتش به کلی د و ید .
از چشمانش برق خشونت بارجهید
پا هایش را به زمین کوبید ، و
کلمات فریاد گونه از دهنش برآمد
اگر راستی بگویم به مشکل توانستم
ناتمام چیزی بشنوم .

دلم برایش بسیار می سوخت .
هنگامیکه لباس میپوشید ، کرتی
رابه تن و کلو ش هایش را به پا می-
کرد ، ائالیه خویش را بهما نشان داد .
این امر بود که باید همه چیز زندانی
را تلاشی می کردیم و از نظر می -
گذرانیدیم . ما از او پرسیدیم که اگر
پولی داشته باشد . او فقط یک روبل
و بیست کوبک همراه داشت که آنرا
ایوانف برای نگهداری گرفت .
سپس گفت :

((دو شیزه باید سرا پای تان
را تلاشی کنم .))
ناگهان خون به صورت دختر
دوید . از چشمانش برق خیره کننده
بیرون شد ، و کومه هایش سرخ تر
گردید . لبانش را با اندوه زیاد

است ، همراه دارد . سفر خرج را
می گیرد . حساب خرج به دستش
است و شخص زیر دستش به کار
دیگر مثل : توجه به مسایل شخصی
نگهداری از سا مان و لوازم . و
اوامر را اجراء می کند .

فردا که قرار گاه را ترك کردیم ،
تازه نور سپیده با عداد بلندی هارا
روشن کرده بود . و لی عجیب این
بود که ایوانف به همان یکاهمی یکی دو
پیاله شراب نوشیده بود . اگر
راست بگویم او برای اینگونه کار
ها مناسب نبود و به همین سبب
مدت ها پیش تنزیل مقام داده بود .
او پیشروی آمران سرا پایک آدم
انضباطی خود را نشان می داد ، و
گاهگاهی از همکاران خویش خبر
چینی می کرد . و لی همینکه از نظر
آمران دور می شد ، دیگر همه چیز
یادش می رفت و تمام توجه اش این
بود که شراب بنوشد .

به زندان رسیدیم . مکتوبی به
زندانیان دادیم و منتظر ماندیم .
حس کنجکاوایم در مورد این دختر
زندانی تحریک شده بود . میدانستم
که راه دور و درازی باوی خوا هم
رفت . درست همین راه بود ، به
استثنای اینکه وی شهری بود و شما
یک روستایی . کنجکا و به
خاطری که این او لین سفرم بود و
فشار شکفتی به مغزم سنگینی می-
کرد که یک دختر زندانی سیاسی
چه قسم خواهد بود .

تقریباً یک ساعت منتظر ماندم .
تا ائالیه شخصی وی جمع شد .
همه آنها یک بسته می شد که در آن
یک دامن و یک یا دو چیز دیگر قرار
داشت . البته چند جلد کتاب هم بود
و هیچ چیز دیگر . فکر کردم : پدر
و مادرش مردمان نا دار
خواهد باشند . وقتی که
بیرون آمد ، نو جوانیش مرا تکان
داد . یک دختر کوچک بسیار کم سن ،
به نظر می آمد . موی های کمرنگش
را به شکل یک چوتی به عقب سر
انداخته بود و کومه هایش از شدت
شرم سرخ گردیده بود . ولی پسانتر
دیدم که وی چقدر رنگ پریده است
و رویش چون گچ سپید شده بود .
این رنگ پریدگی تا پایان سفر دوام
داشت . از همان لحظه ای که چشمم
به او افتاد ، دلم برایش سوخت .

ولی هیچگاه در دلم این اندیشه که
وی را باید شکنجه داد ، راه باز
نکرد . البته او ممکن دست به جنایت
سیاسی زده باشد ، ولی به آنهاست
مرا از جمله یشکی های به اصطلاح
((جدیدی)) راسا به آنجا فرستادند .
سعی کردم و ظایفم را به خوبی
انجام میدهم . گاهی به رسم و
گذشت می بودم و گاهی به پهره
و تمرین و بارها هم به بردن زندانیان
از این بندی خانه به آن بندی خانه
((شما)) خودتان می دانید که این
کار چقدر دشوار است . به زودی
نظر آمران را جلب کردم سر کرده
ما که رتبه توری داشت ، از جمله
((وطن داران)) بنده بود . روزی مرا
پیش خود خواند و گفت :

((گاوریلوف ، می خواهم ترابه
مقام خرد ضابطی بلند ببرم . . .
آیا گاهی تبعیدیان و زندانیان رابه
سایبریا برده ای ؟
جواب دادم :

((عالیجناب هیچگاه نی !))
((می خواهم به این کار هم
مهارت پیدا کنی . کار ساده و آسان
است : می روی و می آیی)) برای
گفتم که وظیفه مقدس است .
البته باید این را خاطر نشان کنم
که هیچگاه با تبعیدی چون شما
نرفتم . ممکن این کار ساده باشد .
ولی باید آدم به بسیار چیز ها
آشنایی یابد ، فرمان ها و اوامر
را بداند و در برابر او ضاع واکنش
سریع داشته باشد و همینطور . . .
یک هفته بعد ضابط امر مرا نزد
تورن که در آنجا یک خرد ضابط
دیگر هم حاضر بود می برد . تورن
برایم می گوید :

((ترا موظف ساخته اند که
تبعیدی را ببری ،))
و رویش را به طرف خرد ضابط
نمود .

((این هم زیر دستت بوده و
نوکار است .))
پسانتر اضافه کرد که چشمان
مارا باز نگهداریم و ابراز امید کرد
که ما چون آدم های چالاک هستیم
به کار خویش موافق خواهیم بود و
افزود :

((شما دو شیزه ما رازوا را که
زندانی سیاسی در زندان قلعه است
از آنجا انتقال می دهید . این هم
مکتوب های امر است . فردا سفر
خرج تان را بگیریید . حالا رخصت
هستید !))

جواب به نامه های شما

سلام علیکم خوانندگان و همکاران عزیز :

امید داریم بهار پندرام و شادای بهار به خوشی سپری کنید و باین دو مصراع سعدی :

درخت غنچه بر آورد و بلبان مستند

جهان جوان شد و یاران به عیش بنشستند

حریف مجلس ما خود همیشه دل میبرد

علی الخصوص که پیرایه بر او بستند .

می پر دازیم به پاسخ نامه های رسیده دوستان :

دوست عزیز محمد یوسف متعلم لیسسه عمر شریف

سلام همکار عزیز . حل جدول متقا طع شما را به متصدی صفحه مسابقات و سر گرمیها سپردیم که هر گاه صحیح باشد ذکر از نام مبارک تان در زمره حل کنندگان جدول متقا طع برود .

و دعا می کنیم که از رقابت و دوستی با پیمان نه دوری یا بید و دوست زمانه و مبارزه گر دید.

دوست عزیز وفانجفی کارمند جن و پرس بلخ

پارچه شعر از سالی شما را خواندیم و به استقبال بهار به نشر می پر دازیم

نوبهار است چمن زیبجهان خوا هد شد

گل و سنبلیله بوطن مشک فشان خوا هد شد

میگسا را ن لب جو با ده گل رنگ زنند

چشم ما بر کرم پیر مغان خوا هد شد

گر ز لطف و کرم خویش بسویم آیی

فرش راه قد متدیده و جان خوا هد شد

داغهای که بدل زان رخ گلگون دارم

از سر بت من لاله عیان خوا هد شد

گردش سال مه و عهد جوانی وصال

همچو برقیست و زانظارنها خوا هد شد

بوستان سبز و دمن موج زنان از لاله

بزم یاران و دمی رطل گران خوا هد شد

بو فای تو قسم ای گل زیبای بهار

خنده لعل لب آفت جان خوا هد شد

دوست عزیز محمد داود متعلم صنف دهم تخنیک ثانوی

سلام برادر ، نامه یی شمارا به متصدی صفحه مسابقات و سر گرمیها حواله کردیم ، از آن صفحه اطلاع را بگیر یدو همیگو نه همکاری خوش را ادامه دهید ، مو فق باشد

دوست عزیز عبد الله یز بران . سلام همکار ارجمند . شعر

((من ترا نه میخوانم)) شمار از مزه کردیم و آنرا حواله کردیم به متصدی صفحه برگزیده ها ، و آن چاره را در اینجا بخوانید :

مبارک باد روز میمونتهای هموطن

ز آسمان می چکد کنون مشک ختن

چندی ز گلشن دوربو دم محزون بودم

ز فیض بهاری باز میر و م سوی گلشن

دوست عزیز احمد شاه حسین هوتکی

سلام همکار مهربان . پاسخ به سوالات صفحه مسابقات و سر گرمیها را به گرداننده آن صفحه حواله کردیم ، همکار ی تا ترا ادامه دهید ، مو فق باشید .

دوست عزیز محمد ظا هرا یوبی

سلام همکار بسیار خوب ژوندون . نامه یی شما به اداره رسید و حاوی مطالب دلچسپی بود . راستی دل همه از این سارقان ادبی داغ دارد و خدا انصاف شان بد هد که این چنین بی دریغ مال دیگران را به سرقت می برند . و اینک نمونه یی از شعر شما که برای سارقان ادبی گفته اید .

بتو ای سارق ادب تقدیم هزا را ن نفرین

بتو سارق و دزد قلمی فر ا و ا ن نفرین

گر نویسی اگر د یگران بنام خود

از این بی ادبانه عملت ، بیکر ا ن نفرین

مده انوری دزدی را بیاد دیگران

ز شرق تا بغرب مارا زانوری دزدی نفرین

از همبر با نی و لطف تان ، در حق مجله و کارکنان مجله ، امتنان داریم . فکاهیات از سالی تا ترا به متصدی صفحه خنده سپردیم که به نشر آن همت گمارد . و پوستکارت قشنگ تانرا به صفحه جواب نامه اختصاص دادیم که در فرصت مناسب به چاپ ز نیم و به همین ترتیب همیشه بو ستکار ت های قشنگ بفر ستید و ما را خوشحال سازید ، اما نوشته دیگر تان ... آن نوشته ، در شماره های پیشین مجله ، در صفحه جواب به نامه ها به چاپ رسیده است ، مطمئن باشید . مطالب از سالی شمارا ، که از همکاران خوب مجله هستید هیچگاه بی پاسخ نمی گذاریم ، باز هم مطمئن باشید .

دوستان عزیز روشنانه زرین و حمیده مبارز متعلمان صنف

دوازدهم لیسسه حوای پلخمیری

بعد از سلام ، بهاران سبز و پراز نشاط و طرب برای تان آرزو میکنیم و همه روز کار تانرا نوروز می خواهیم ... از اینکه سال نورا به ما میمون و خجسته خواسته اید ، تشکر و پوستکارت گو نه یی قشنگ تانرا هم به کارکنان مجله هدیه کردیم .

نامه « یک ریاضی دان به معشوقه اش » را خواندیم و لذت بردیم . انتظار نشر آنرا در یکی از شماره های آینده مجله در صفحه برگزیده ها بکشید .

آرزو مندیم از همکاری های ناب و نغز تان با این مجله دریغ نورزید ، سعادت و موفقیت تانرا خواهانیم .

دوست عزیز غلام حیدر یگانا

دو شعر سروده طبع شما بنا مهای « بهاران » و « مسافر » به متصدی صفحه شعر مجله تحویل داده شد که امیدواریم آینه بندان آن صفحه گردند ...

والسلام

درس سال ۱۳۶۰

و تربیه برای رشد ذهنیت مسلکی و فنی معلمان نقش ارزنده بی را دارا خواهند بود ولی سیمینارهایی که از طرف وزارت تعلیم و تربیه ناکتوندایر گردیده اند برای آشنا-یی معلمان کشور با متود سیستم جدید تعلیمی مابوده است و بس. ما تدویر چنین سیمینارهایی را از این جهت نهایت از زنده و سودمند می دانیم که از یک طرف معلمان کشور را با سیستم جدید تعلیم و تربیه آشنا می سازد و از طرف دیگر معلومات معلمان را در رشته مسلکی آنها ازدیاد می بخشد و آنها را با تکنیک های جدید درسی آشنا می سازد.

وی در این مورد علاوه نمود: مادر مکاتب کشور به موجودیت معلمان سیمینار دیده ارزش و اهمیت زیادی قایل هستیم و در نظر داریم تاسیحه تدویر چنین سیمینارهایی را وسعت بیشتر ببخشیم و زمینه آن را مساعد گردانیم تا همه معلمان کشور مابتوانند از مزایای این نوع سیمینارها مستفید شوند.

باتوجه وزارت تعلیم و تربیه بود که درس سال ۱۳۶۰ - انستیتوت اکمال تخصص معلمان در چوکات این وزارت تاسیس گردید.

درین انستیتوت همه معلمان مرکز و ولایات کشور کورس های کوتاه مدتی را تعقیب خواهند کرد و مطابق به اصل فیصله شده، هر معلم مجبور و مکلف است که بعد از گذشت هر چهار سال به سویی های مختلف همینگونه کورس ها را تعقیب نماید و اجرای این امر سطح آگاهی معلمان کشور را به شیوه های جدید اصول تدريس بیشتر می سازد.

(و فامل) پیاسخ این سوال که آیا در شرایط فعلی وزارت تعلیم و تربیه مطابق به ضرورت مکاتب کشور معلمان مسلکی در اختیار دارد و یا از این رهگذر با مشکلاتی مواجه است، چنین روشنی انداخت: وزارت تعلیم و تربیه در شرایط فعلی بقدر کافی معلمان مسلکی در اختیار دارد و از این رهگذر بامشکل بزرگی مواجه نمی باشد ولی از آن جایکه با ازدیاد مکاتب کشور چنین تقاضایی بیشتر عرض وجود

می نماید موسسات تعلیمی کشور قادر خواهد بود تادر آینده نیز مطابق ضرورت، معلمان مسلکی زیادی را تربیه نموده در اختیار وزارت تعلیم و تربیه قرار بدهند. ممکن است بگوئید درس سال جاری بچه تعداد شاگرد در مکاتب سراسر کشور به دروس خویش آغاز نموده اند؟

- اکنون که مکاتب سرد سیر شروع شده مجموعاً ۱۰۲۹۲۴۲ شاگرد در دوره ابتدایی و (۱۰۳۰۶۲) در دوره ثانوی مصروف تحصیل اند.

رئیس تدریسات ثانوی درمورد پروگرامهای جدید تربیوی که در مکاتب کشور تازه به کار آغاز کرده اند چنین گفت:

در پهلوی دروس مکاتب پروگرام های بهتر و سرگرم کننده برای شاگردان هم در داخل وقت رسمی و هم در خارج دروس روی دست گرفته شده است این پروگرامها تازه در اختیار ادارات لیسه ها قرار گرفته، و مطمئن هستیم که با تطبیق آن در بلند بردن سطح ذهنیت شاگردان کمک همه جانبه خواهیم نمود.

مثلاً ایجاد کمیته های مختلف با شرکت معلمان و شاگردان که این کمیته ها داخل لایحه وظایف خود مکتب ولیسه بوده و بهترین راه مصروف ساختن شاگردان و انکشاف دادن علاقه ها و استعداد های نهفته شان می باشد. ما در مجموع شش کمیته فرعی و یک کمیته بنام کنترول و ارتباط در رأس این شش کمیته داریم. کمیته های فرعی عبارت اند از:

۱- کمیته هنر های زیبا که دو شعبه دارد.

الف - نقاشی و مجسمه سازی.

ب - درامه و موسیقی.

۲- کمیته سپورتی.

۳- کمیته حفظ و مراقبت.

۴- کمیته تنظیم کمکها.

۵- کمیته تنظیم رقابت های درسی.

۶- کمیته ارتباط.

۱- در کمیته هنر های زیبا میتوانیم یک تعداد زیاد شاگردانی را که علاقه مند به رسم، خیاطی، نقاشی، مجسمه سازی، درامه و موسیقی باشند، داوطلبانه تنظیم نماییم تا توانسته باشند استعداد های شان را تبارز دهند.

دوم - کمیته سپورت:

علاقه مندان ورزش سپورت را جمع آوری نموده و زمینه خوبی را برای تشویق و ترغیب شاگردان و ایجاد مسابقات سپورتی بین تیم های دو لیسه و یا دو منطقه و یادو ولایت را مساعد می سازیم که در اجرای این مسابقات یک سلسله مشکلات و علاوه اینکه از نزدیک بامسایل و مشکلات سپورتی خود آشنا می شوند و برابلم های خود را با هم دیگر طرح نموده با درد ها - علاقه ها - آرزو های مشترک همدیگر آشنا شده در مجموع راه حلی برایش پیدا خواهد کرد.

ما یقین داریم که چنین دید و بازدیدها در روحیه شاگردان اثر بسیار مثبت و عمیق به جا خواهد گذاشت.

۳- کمیته حفظ و مراقبت:

این کمیته مسئول مراقبت سراسر مکتب است حفظ و مراقبت گله ها، نهال ها، میز ها و چوکی ها و دیوار ها، کتب، حاضر ی، مسایل محیطی و کانتین، مسئولیت اولی آنها را تشکیل میدهد.

این کمیته مکلف است مواد خوراکی شاگردان را که از طرف کانتین به فروش میرسد در روز های گرم تابستان که زمینه مساعد برای نشو و نمو مکروب ها است شدیداً کنترول کنند آنها مسئول کامل حفاظت و مراقبت آب نوشیدنی مکاتب هستند.

۴- کمیته تنظیم کمکها:

این کمیته مسئولیت دارد تا کمکهای را که از طرف دوستان و موسسات ذیصلاح و قشاق و قشاق امیر سنده اسرع وقت درست و منظم بدسترس شاگردان مستحق گذارند. بر علاوه آنها مسئول اند تا شاگردان فوق العاده، مستحق و کسانی را که جهت ادامه تحصیل به کمک نیاز دارند تشخیص نموده و به مقامات مربوطه معرفی نمایند.

۵- کمیته تنظیم رقابت های درسی:

این کمیته مسئولیت دارد تا یک تعداد مسابقات درسی را بین صنوف مختلف در مضامین مختلف پلان گذاری کند که نتیجه این رقابت ها جهت بالابردن سطح دانش معلومات و استعداد شاگردان تاثیر زیادی خواهد داشت. طوریکه گفتیم ما در نظر داریم از آغاز ماه ثور امسال با همکاری اعضای مسلکی تدریسات ثانوی و دیوار نمیت های مربوط مشترکاً دروس نمونه تهیه نموده و بهترین دروس را که مورد تایید همه قرار بگیرد در صنوف تطبیق نماییم البته برای نتیجه گیری آن میتوان یک سلسله مسابقات درسی را به میان آورد که این کمیته مسئول ارزیابی نتیجه آن بوده برای پلان های آینده ما را راهنمایی خواهد نمود.

۶- کمیته ارتباط:

عبارت از کمیته ایست که باتمام کمیته های فوق ارتباط داشته و مسئول کنترول همه جا نبه کار کمیته ها، نظم مکتب شاگردان و معلمان میباشد و موظف است تا همه جوانب کار هارا بررسی نموده و به کمیته کنترول و ارتباط که در رأس آن اشخاص باصلاحیت چون مدیر و یامدیره مکتب و مسئولین دیگر قرار دارند بسپارد.

کمیته کنترول ارتباط مکلف است تا مشکلات کمیته ها را با پلان کار شان عمیقاً بررسی نموده و به مراجع بالاتر جهت همکاری و پیدا کردن راه حل معرفی نماید.

باید یاد آور شد که هر کمیته از خود پلانی جداگانه کار داشته که مسئولین تدریسات ثانوی درین قسمت همراه آن ها وقتاً وقتاً همکاری می نمایند.



بدون شرح

دو تایی با هم بازی

کنند

پدر مشا عده کرد که پسرش با چاقو کرمی را که در کنار باغچه میخزید دونیم کند. پدرش با دیدن این عمل با عصبانیت رو به پسرش کرد:

— این چکاری بود که کردی...
یک بچه بسن و سال تو نیا یسد
اینقدر بی رحم باشد!

پسر جوابداد:

— پدر جان ... بر عکس ... من
بسیار هم دل رحم دارم و قتی
دیدم این کرم تنه است، او را دونیم
کردم که بتوانن دو تایی با هم زندگی
کنن!!



بدون شرح



دلیل خوب

کشف بزرگ روانشناسی

روانشناس پشت میز خو دنشسته بود و با دقت با احمد چهار پنجساله گفتگو می کرد تا علت نا را حتی های رو حی او را کشف کند. بدینجهت پرسید:

— خوب پسر جان ... بگو اگر گوش چپ تو را با چاقو قطع کنن، چه اتفاقی رخ می دهد؟
احمد گو چك بلا فاصله جوابداد:
— خوب معلومدار است ... که حسن شنوائی خود را تا حدی از دست مید هم.
روانشناس گفت:
— بسیار خوب ... حالا اگر گوش راست تو را هم قطع کنن چه خواهد شد؟

احمد بدون تأمل جوابداد:

— بینائی خود را از دست می -
دهم!

روانشناس با شنیدن این حرف مثل اینکه پیروزی بزرگی بدست آورده باشد رو به پدر و مادر احمد کرده گفت:

— بچه شما با مشکل بزرگی روبرو می باشد.

... باید برای آن يك فکراساسی کرد... برای اثبات این موضوع سوالات خودم را ادامه مید هم.. سپس رو به احمد کرد و گفت:

— خوب احمد جان... چرا بریدن گوشهائیت، باعث از بین رفتن حسن بینائیت میشود؟

احمد گو چك بدون اینکه تغییری در قیافه اش بد هد با خو تسردی جوابداد:

— برای اینکه کلاه من بسیار کلان است ... و قتی گو شمهائیم قطع شود پائین می آید و پیش چشمهائیم را می گیرد.



نواسه به مادر کلان: بی بی جان پدر جانم ترا باتیلفون کار دارن

چاره جویی

داکتر شفا خانه دستور داده بود که موهای همه مر یضان را از بیخ ماشین کنند یکی از دیوانه ها به رفیقش گفت:

— کاری کن که سلمانی نتواند موهای سر ما را از بیخ ماشین کند من چند تا میخ در بین سر تو می گویم تا وقتی خواست سرت را ماشین کند ندانه های ماشین به آن تصادم کند و بشکند.

دو ستش این فکر را بسیار پسندید و فوراً دست به کار شد ند بعد از آنکه او سه تا از میخ را برکله رفیقش میخ کرد به نا را حتی به او گفت:

— نمی فهمم چرا همه وقت که یکی از میخ ها را می گویم از جا می پری؟ البته که سرت در د می - کند؟

— نی برای این نیست فقط می - ترسم چکش را به جای میخ بصرم بزنی.



بدون شرح

د حقيقت د ليکلو په لار کې پنځه خنډونه

جبر باندې اعتراض چې ولى انسان خراب ژوند کوي .

کورنۍ ته پوره بې پرواۍ کله چې هيڅ فايده هغې ته نشته ور رسېږي ، په داسې هيوادونو کې وېږي خلک په چټياتو تورن وې او هغه خوک چې هيڅ نه لري او دفاع ترې نه کوي په بې اهميتۍ تورن دي . او هغه خوک چې د حکمرانا نو په باب شک لري ، هغوی په خپل قوت شکمن بو لي ، هغوی چې دخپل کار اجوره غواړي په لټې تورن دي . او داسې نور ، په داسې حکمو متو نو کې اندېښنه او تفکر په پوره ډول خيانت بلل کېږي ، مفکوره په هيڅ ځای کې نه ښووله کېږي او که په اند که ډول چېرته سودا پور ته کېږي مخه يې نيول کېږي .

داسې لياري چې سترې دمفکورې دېر ياليتوب په باب فکر کوي په هغه ځايو کې چې لوړې انسان ضرورت ور ته لري لکه داندېښنې برې سترې په نظامي او فني پوهنو کې و پلټي ، په هغه تشکيلاتو کې چې دوړيو انبارونه ډير کلو نه پاتې وي يا دمصنوعي توکراختراع اندېښنې او مفکورې ته ضرورت لري . زموږ په دوران کې چې ظلم او بې عدالتي د خلکو داستثماريدلو په خدمت کې دي (ډاکټر یتي پوړۍ) دېلي طبقې په لاس کې دي د اقليت پرته له دې چې اجتماعي زمينه په هر ځای کې ښکاره شي . بله چاره نشته ، د حقيقت د لارې مبارزې پس کولى شي داسې ځای پيدا کړي . چې ددښمن په نظريو څه پټ وي ، اساسي مسا له داده چې تعليم ور کولو کې اصولي اندېښنه وکړي . هغه روش چې په هر ځای او هر کار کې داسې اړخ و پلټي چې بدلون مو وي او بدلون پکې راوستل شي ، مستبد حکمرانان دبدلون سره ضديت لري . غواړي چې دامکان په صورت کې د جهان کارونه او شيان د زرهاؤ کلو نو په دوران کې لکه چې اوس څرنگه دي

همداسې دهغوی په نظر پاته شي ، ښه داده چې سپوږمۍ د حرکت څخه ودرېږي او لمر په خپل ځای کې ثابت يا نه شي ، که داسې وشي نو هيڅوک به وړې هم پاتې نه شي . او دښې ما ښام ته به هم پې نيازه وي . که هغوی توره له تيکي راوايستې نو دښمن بايد د خواب حق ونه لري . اودا حق بايد دهغوی دپاره سرته ورسېږي . دتجرې هغه ميتود چې دکارونو دنا بودي آوازي پورته کړي دي . هغه درسته وسيله ده چې خواري کښانو ته زړه ورتوب ور ښي . يوه بله خبره چې فاتحانو ته وسپارله شي داده چې په هر ځای اوهر کار کې ضديت پيدا کېږي ، او پرمخ ځي ، دتجرې ميتود يعنې دپالکتیک چې د شيانو او کارو نو دپېژندنې لپاره ښې امکان لري دهغه موضوعاتو په څېر نه کې چې يو وخت د رهبرانو له نظره پټ پاتې شوه داستفادي او عمل لاندې ونيوه شي دا ميتود موږ په بيالوژي او کيميا کې هم پکار ولى شو او کولى شو چې پرته له سترې رسوايي څخه دکورنيو د را تلوونکي دوران په را سپړلو کې ترې گټه واخلو ، ديو کار اړيکه دېل سره چې هر وخت په تغيير کې دي ، دديکتاتورانو په نظر کرغېړنه اندېښنه ده چې په مختلفو ډولونو يې طرحه کولى شو . او له يو لیس سره زموږ لانجې ته ضرورت نشته .

داو ضاع ، احوال و گسور و فعل او انفعالاتو سمه څېړنه په دقت سره چې يو سگړتېر خوونکى له هغه سره سرو کار لري ، ممکنه ده چې ديکتاتور ته کلکه ضرر به وي . په لږ فکر سره علت موندلې شي . هغه حکومتونه چې دخلکو پر گټې د خو ښېختي پسي بيا يې ، بايد له دې فکره چې خلک د حکومت دلاسه دخپلې بد بختۍ په باب سوچ وکړي مخه ونيسي ، هغوی چې دناوړه قضا په باب څه وايي نو که عيب وي به ناوړه قضا کې نه په حکو متونو کې ، هغه خوک چې دکارونو دخرابۍ په علت ونو پسي گرزې ، پرته له دې چې د دوى پلټنه حکومت ته ورسېږي د زندان د تورو تښو څخه دننه کېږي . خو کيدای شي په کلې ډول د حاکم سره مخالفت وشي اودناوړه قضا په مورد کې ناوړه مروج شيان و وايي او په دا گه يې کړي . چې بدسر نوشت د نورو خلکو کاردى په خاطر چې حقيقت خپور شي تدبيرونه لازم دي .

لټونيز ۱ ونېجه :-

زموږ دوخت ستر حقيقت چي په هغه باندې يواځې پوهيدل مشکل له منځه نه وړي ، خو پرته له هغه هم بل هيڅ حقيقت پيژندلى نشو دادى چې زموږ نړۍ دو حشت په کندو ورسمه ده ځکه د توليدى وسايلو مالکيت په زور او جبر سره ساتل کېږي ددې خبرې زړه ورتوب چې آيا موږ په وحشت کې غرق يو (يو حقيقت دي) څه فايده لري که ددې خبرې علت چې ولى موږ په دې وضع کې بند پاتې يو پوره نه برسېره کېږي ؟ موږ بايد ووايو چې که فساد راو لي . نو دمالکانه اړيکو د ساتنې په خاطر يعنې هغوی چې د فساد او کړاو مخالف دي په دې سبب چي گمان کوي پرته له فساد هم کيدای شي مالکانه اړيکي وساتي . او دا غلطه ده ، موږ بايد حقيقت ووايو هغه وحشت نا که وضعه چې زموږ په هيواد (دليکوال هيواد المان دي) حاکمه ده دهغه عمل پورې چي وحشت له منځه وړي ، امکان ولري ، يعنې هغه عمل چې مالکانه اړيکي له منځه يو سي ، موږ بايد دا حقيقت هغوی ته و ښايو چې له هر چا زيات دمالکانه اړيکو څخه په کړاو وي او له هر څه دمخه دهغې په بدلون کې خپله فايده ونيسي يعنې دکار خاوندانو او هغه چا ته چې د دوى وخت غواړي . ځکه دتوليد وسايلو خاوندان نه دي هو ! خو مړه چې دهغوی په گټو کې برخه لري او پنځمه خبره دا چې په تدبير سره کارو شي .

دا پنځه ستونزې بايد موږ په يو وخت کې حل کړو ځکه ممکنه نه ده چې په وحشت آمېزه وضع کې حقيقت و پلټو او هغوی چې له دې وضعې څخه په کړاو دي . اندېښنه ونه کړو ، کله چې پرله پسې دوه زړه توب له منځه وړو او واقعې اجتماعي ارتباطات دهغو په نظر چې ددې خبر تيا نه په استفاده سره آماده وي و پلټو ، بايد دا فکر هم وکړو چې حقيقت بايد په هغه صورت چې هغه شان ښکاره کړو چي دسلاح په څېر دهغوی په لاس ورشي او په عين حال کې . متوجه او سو چې زموږ ته بير داسې وي چې زموږ کار ددښمن له خوا نه کشف اوختي نه شي . څرنگه چې بهتره او ښه اشکال دادى نو ددې ضرورت په اساس ليکوال بايد حقيقت ووايي او دهغه وجود ضروري دي .

دايو واقعيت دي چې داندېښنو دخپرو لو په خاطر ادبيات په عالي سطحه کې پخپله يو تيريدونکى پټنگ دي خوسره له دې هم ادبيات کله د حاکمې مستبدې طبقې دبد گمانيو موجب کېږي دلته نو امکان لري دادب پيژندنې سطح کښته راوړل شي ، مثلاً دا تدبير کيدای شي دپو ليسي داستان په يوه بې با که سطح کې پکار يوړل شي او دويلو په ترڅ کې دپټو خيانتونو جنايا تو او دپو لنې دنورو فسادونو په باب څه وويل شي او همدا شيان پس دي چې دپو ليسي داستان مو ضوع و گزړي .

دافکارو او اندېښنو تبليغ له مري لياري چې وي دزيار ايستونکو د ښيگڼو په درشل کې وي . اودا کار خورا ضرور دي ځکه دهغه حکومتونو د جنبي لاندې چې هلته هر څه داستثمار گرو په خدمت کې وي ، اندېښنه او فکر پختې کار تلقى کېږي ، په دغسې هيوادونو کې هر کار سپک گڼل کېږي .

د ټولنې د کښته پوړۍ په وړاندې گټو د فعاليت دانسانانو دلو مړنې ضرورتونو دبرابرو لو لټه ، دويار ونو سپکوالۍ ، او هغه وياړ نه چې دخلکو په وړاندې کښل کېږي داسې هيواد څخه دفاع کوي چې هلته پکې پخپله له لوړې مړۍ هغه حکمران ته بې اعتقادى چي ټولنه دتيا هې کندی ته ورسموي . هغه کار ته بې اعتقادى چې انسانانو ته هېو فايده نه لري ، په دغه

د معيوبو کسانو حقوق

دو لټونه ټول هغه پر نسبيو ته او حقوق په نظر کې و لری چې په دغی اعلامیې کې خای شوی دی ، او دا په هغه وخت کې چې دوی خپل سیال ستونه ، پلانونه ، او پروگرامونه وضع کوی . په عین حال کې دغسی اسا مېلی د ۱۹۸۱ کال دمعیو پو کسانو بین المللی کال وپا له .

په ذهني لحاظ دمعیوبو اشخاصو حقوق.

په ۱۹۷۱ کې دملګرو ملتو عمومی اسا مېلی په ذهني لحاظ د معیو پو کسانو د حقوقو په باب یوه اعلامیه خبره کړه ، او د ملی او بین المللی عمل غوښتنه یی و کړه ، چې له دغی اعلامیې نه باید دیوه گډ عمل ، او دمرا جمی دیوه چو کاپ په حیث استفاده و شی . چې هغه حقوق خوندي شی ، چې په هغی کې یی ذکر شوی دی . عمومی اسامېلی ددغه کار په کو لو سره په ذهني لحاظ له معیو پو اشخاصو سره دکومک ضرورت په نظر کې ونیوه ، چې دوی د فعالیت په بیلو بیلو ساحو کې خپلو استعدادونو ته انکشاف ور کړی او په نور مال ژوندانه کې تر هغه ځایه چې ممکنه ده یو ځل بیا دا خل شی .

معیوب کسان حق لری چې خپلو کورنیو سره وا وسپری ، یا له هغو کسانو سره ژوند و کړی چې دوی یی داولاد په څیر نیو لی وی ، او په ټولو اجتماعی ، تخلیقي یا دساعت تیریو په فعالیتو نو کسی گډون و کړی . هیڅ یو معیوب کس باید تر هغه ځایه چې دهغه یادهغی په هستو ځی پوری اړه لری ، دیوه بیل سلوک مورد ونه گرزی ، او هغه غیر له هغه سلوک څخه وی چې د هغه یا هغی مو قف یی لازم گرزی .

معیوب کسان باید داستثمار په مقابل کې ، دټولو امتیازی او تبعیضی سلو کونو په مقابل کې چې دهغو دمقام د پاره سپکاوی او کسر شان وی ، وساتل شی .

معیوب کسان باید د دی قدرت و لری چې له حقوقي مرستی نه استفاده و کړی . او دا په هغه وخت کې چې ددوی د شخصی او ملکیت د پاره د غسی مرسته یا با لکل حتمی شوی وی . که داسی وی چې ددوی په ضد حقوقي طرز العملو نه موجود وی ، هغه حقوقي طرز العمل چې تطبیقیری ، باید ددوی فزیکي او ذهني حال په کامل ډول په نظر کې ونیسی .

په ۱۹۷۶ کې عمومی اسا مېلی ددی سپارښتنی وکړه چې ټول غړی

بقیه صفحه ۴۱

عاید ملی...

ویروزی همه بخش های طرح های علمی و عمیق پلا نهایی اقتصادی کشور را آرزو میکنم لطفا تشکرات مارا قبول کنید .

من هم موفقیت شما را و همه وسایل ارتباطی جمعی را در امر آگاهی رسانی بیشتر به مردم افغانستان و ایفای رسالتی که به عهده دارنده آرزو دارم .

مدیر مسوول : راحله راسخ خرمی
معاون : محمد زمان نیکرای
آمر چاپ : علی محمد عثمان زاده
آدرس : انصاری واپ - جوار ریاست مطابع دولتی - کابل
تلفون مدیر مسوول : ۲۶۸۴۹
سوچپورد : ۵۵ - ۲۶۸۵۱
تلفون ارتباطی دفتر : ۲۱
تلفون توزیع و شکایات : ۲۶۸۵۹



مسعود شمس کمره مین را دیو تلویزیون که در تهیه عکس های رنگی برای مجله ژوندون همکاری مینماید.



عبدالرحیم مدیر شعبه صحافسی مطبوعه دولتی که در قسمت صحافت مجله ژوندون همکاری جدی می نماید.

۲۱د مخ پاتی

پسرلی او دهغه ذکر...

لنډی د پښتو ادب یوه ډیره درنه او غوره برخه ټا کی . مشخص ویونکی یی معلوم نه دی او نه په ځانګړی جنس پوری اړه لری لنډی په ولس پوری اړه لری او د ولس شتمنی ده د لنډیو زیا ته برخه په ښځو پوری اړه لری چې هغوی ورته ټکی وایی داڅو لنډی دپسرلی په باره کی ویل شوی دی .

پسر لی را غی گلان ډیر شول داوربل گل به خپل آشنا لره وروپه پسرلی راغی و نی شنی شوی زما دزپه ونی ږلی و هلی دینه پسر لی راغی و نی شنی شوی زمانا ښاد زړګوتی واورى اورینه پسر لی زما په نیچه خوا شو زما په شناختو پوری وتړی گلونه ومو ویل چې دپسر لی ذکر به چار بیتو کی هم و څیړو دا لاندی اته مسری زنجیری چار بیتی په یوی برخه کی میر هزاره شاعر پسر لی داسی ذکر کړی دی :

مو سم دپسر لی دی شګو نی شوی دهن وازی کوکی په برخه تری

سیلو نه دبلبلو زاغ کنار گر څی یوازی راوختی کو تری .

راکوژ شه له دماغه باری خو به په هوا څی خاکی بنده بشر یی .

تل وایه ، میر هزاره ، دا خواږه ، خواږه بیتونه د عشق په ښه منبر .

سرو کی او نیمکی زمونږ ددو لسی ادب یوه ډیره شتمنه برخه ټا کی لکه څرنګه چې لنډی کسوم مشخص ویونکی نه لری دغه سروکی هم مشخص ویونکی نه لری بلکه په ولسی پوری اړه لری دا لاندی سرو کی پسر لی ډیر یاد شوی دی .

سر :

گل په دا ما نونه ، پسر لی راغی ، جنګو ر اوپه په اور بل کی زپړ گلونه گل په دا مانونه :

سر په لنډی کی :

گله خزان در باندی راشه روی گل ، گل په دا ما نونه - چی بلبلان دی بینوا شپ لی دینه وی گل - گل په دا ما نونه - پسر لی راغی ، جنګو راو په ووربل کی زپړ گلونه وی گل - گل په دا مانونه ...

دا د پسر لی ذکر په پښتو شعر او شاعری کی هیله ده چی د گرانو لوستو لکی ادبی تنده به یی ما ته کړی وی که شه هم زما دا څیرنه هر اړخیزه نه ده هیله ده چی ومنل شی .

حماسه‌ی آرشن لمانگیر

پیوسته بگذشته

یادآوری :

باپوزش از خوانندگان عزیز . این نوشته به نسبت تراکم مضامین از شماره اول سال بازمانده حال دنباله آنرا مطالعه میفرمایید .
اداره

آرش از مرگی که آمیخته باسکوت باشد از مرگهای زیرلعاف او به پیشواز مرگ میرود نازده کی رانجات دهد نیکی هارا باز گرداند و بدی هارا به گورستان نیستی بسپارد .
نیایش را دوزانو بر زمین بشاد
به سوی قله ها دستان زهم بکشد
برای آفتاب ، ای توشه ی امید .
برای خوشه ی خورشید .
تو جوشان چشمه ای من تشنه ای بیتاب
برا ، سر ریزکن تاجان شود سیراب
چو یاد رکام مرگی تند خود آدم
چو در دل جنگ با آهریمن پر خاشجو دارم
به موج روشنایی شتو خواهم
ز گلبرگ توای زربنه گل من رنگ و بو
خواهم

شما ای قله های سر کش خاموش
که پیشانی به تندر های سپهر انگیز می
سائید .
که برایوان شب دارید چشم انداز رویایی
که سیمین پایه های روز زرین رابه روی شانه
می گوید .
که ابر آتشین رادر پنه خویشتن می گیرید
غرور و سر بلند ی هم شما راباد
امیدم را بر افرازید
چویر چمها که از باد سحر گاهان بسه سر
دارید .

غرورم را نگهدارید .
بسان آن پلنگانی که در کوه و کمر دارید .
آرش که انگیز د لبسته و پادشاه آیین نیاکان
است او به جان و دل خدمت گزار باغ آتش است
خورشید را و آفتاب را سخت دوست می دارد او
عاشق او چها بلند ی هاو کوهستان هاست .
چشمه ساران راو آبدی هاو سر سبزی هارا
می ستاید او نغمه تن سخن را در هنگام
ازخورشید و آتش آغاز می کند سفر او سفر از
سوی اسارت به سوی آزادی و از سوی تاریکی
به سوی خورشید های پاک و درخشان است او
درکاری که پیش روی دارد از آفتاب و آتش و

کوهستان ها یاری می ضفید او از کوهستان
های بلند از عقابان آسمان پیمای خواهد که
غرورش را نگاهدارند غرور انسانی او را غرور
آریایی اش را که نمی خواهد در پای تورانیان
اهل سیاهی و ظلمت پرستان بی خرد ریخته
شود . او همیشه غرور خود و مردم خویش را
پاس داشته است . و تاپی جان نیز باخود
تعهد کرده است که پاس بدارد .
زمین خاموش بود و آسمان خاموش
تو گویی این جهان راود با گفتار آرش گوش
به یال کوهها لغزید کم کم پنجه ی خورشید
هزاران نیزه ی زرین به چشم آسمان
پاشید .

نظر افکند آرش سوی شهر آرام .
کودکان بر بام د ختران بنشسته برروزی
مادران غمگین کنار در
مرد ها در راه

سرود بی کلامی باغی جانگاه
زچشمین برهمی شد بانسیم صبحدم همراه
کدامین نغمه می ریزد
کدام آهنگ آیامی تواند ساخت .
طنین گامها یی استواری را که سوی نیستی
مردانه میرفتند

طنین گامهایی را که آگاهانه میرفتند
دشمنانش در سکوتی ریشخند آمیز
راه واکر دند .
کودکان از بامها او را صدا کردند
مادر ان او را دعا کردند
پیر مردان چشم گرداندند

دختران بلغشده گرد بند هادر مشت
همه ی او قدرت عشق و وفا کردند
لحظه ی ایثار فرا رسید لحظه ی قربانی
بزرگ . آرش بر بلندجایی رشت بر فراز البرز کوه
«آن مشت درشت روزگار .»

نگاهی خاموش و مبسوت به سوی شهر
انداخت دختران جوان را دید که دل هایشان می
تپید و برروزی هانشسته بودند به سر نوشت
مین خویشتن و آرش می اندیشیدند ما در آن
غمگین را کنار در ها دید که بیتابی و نا فراری
می کردند مرد هارا دید که یگان یگان و دوتا و

سه تاباهم گپ می زدند . به سر نوشت آرش
و کشورآزادگان می اندیشیدند نگاه های رامی
دید که باهم ردوبدل می گردیدند خاموش بودند
اما صد زبان داشتند . آرش همه ی دست هارا
یک دست می دید همه ی آوازا را یک صدا
دامنه ی البرز کوه و شهر پر از صداها شده
بودند پراز شور و هیاهو و هورا . اوسایه هایی رامی
دید که به سوی او می آمدند او را یاری می
کردند . به شور و شتاب و ایثارش و اسی
داشتند .

آرش راهی که در پیش گرفته بود به آن
ایمان داشت و عقیدتی خلل ناپذیر و راسنین

آرش نخستین گام رابه سوی قربانگاه گذاشت
به سوی قربانگاه هستی ساز و زندگی آفرین .
دشمنان هنوز به پیروزی آرش باور نداشتند

او را ریشخند و استهزای کردند . دشمنان
فراسیایان پاسداران بیداد در سکوتی ریشخند
آمیز برای آرش راه راباز می کردند . لحظه ی
دیدار نزدیک بود همه را دل و دست می
لرزید . «باری شهر و کوهستان را شوری
بزرگ فرا گرفت صدا هانا م آرش را تکرار
می کردند . باد نام آرش رابه دور دست ها
می برد کوهستان صدا های زنده باد آرش را
بازتاب می دارند : «کودکان او را از بامها صدا
کردند و مادر انش دعا کردند .»

«آرش ما همچنان خاموش از شکاف دامن
البرز با لاف و از پی او پرده های اشک

بی در پی فرود آمد . دو بساره به قصه ی
«عمونوروز» گوش می کنیم که ساده تراهر
تفسیری است و گویا تراز هر تحلیلی . و این
یاد داشت هارا با قصه ی پیر مرد پرداخته
سیاوش کسرایی که بهترین پایان هاوشیوا
ترین «حسن ختام» هاست به پایان می
بریم .

بست یکم چشمپایش را عمو نو روز
خنده بر لب غرقه در رویا
کودکان با دیدگان خسته و بی جو

در شگفت از پهلوانی ها
شعله های کوره در پرواز
باد در غوغا
شامگاهان
راه جویانی که می جستند آرش رابه روی
قله ها پی گیر
باز گردیدند
بی نشان از پیکر آرش با کمان و ترکشی
بی تیر
آری آری جان خود در تیر کرد آرش
کار صد و صد هزاران تیغه ی شمشیر گرد آرش .
تیر آرش را سوارانی که می راندند بر -
جیحون .

به دیگر نیم روزی از پی آن روز
نشسته بر تناور ساق گرد و پی فرو دیدند
و آنچه را از آن پس
مردایران شهر و توران باز نامیدند .
آفتاب .

در گریز بی شتاب خویشتن
سال ها بر بام دنیا پاکشان سرزد .
ماهتاب

بی نصیب از شیر وی هایش همه خاموش
دردل هر کوی و هر بر زن
سر به هر ایوان و هر درزد
آفتاب و ماه رادر گشت
سال ها بگذشت
سال ها و باز

در تمام پهنه ی البرز
وین سراسر قله ی مغموم و خاموشی که
می بینید .

واندرون دره های برف آلودی که می دانید
رهگذر هایی که شب در راه می مانند
نام آرش را پایایی در دل کبشار می خوانند
و نیاز خویشتن می خواهند

بادهان سنگ های کوه آرش می دهد پاسخ
می کند شان از فراز و از نشیب جاده ها آگاه
می دهد امید
می نماید راه
در برون کلبه می بارد

برف می بارد به روی خارو خارا سنگ
کوهها خاموش
دره ها دلننگ

راه هاجشم انتظار کاروانی با صدای زنگ ..
کودکان دیری است در خوابند

در خوابست عمو نوروز
می گزارد کنده ای هیزم در آتشدان
شعله بالامی رود بر سوز ..

ختم

دولتی مطبعه



Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library